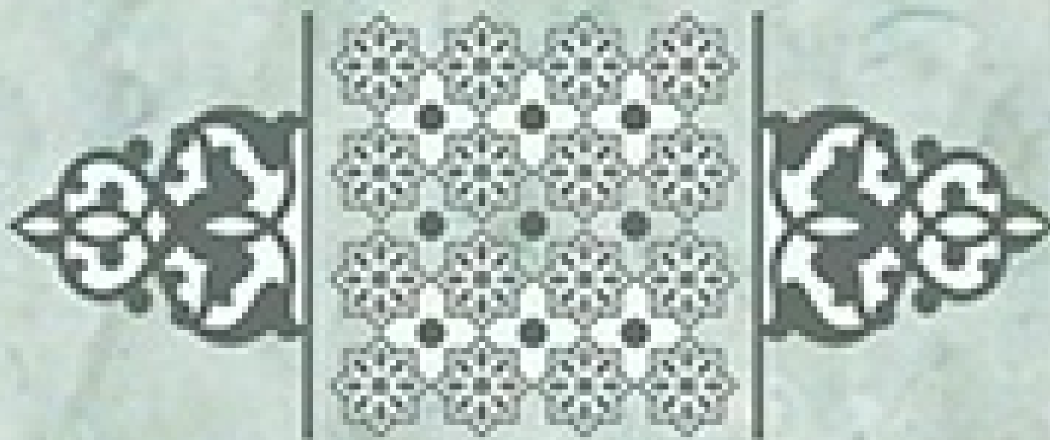


www.mahdi313.com

آسیب شناسی جامعهٔ منتظر



سید محمد میر شاکر

بسم الله الرحمن الرحيم

آسیب شناسی جامعه منتظر

نویسنده:

محمد میرتبار

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

آسیب شناسی جامعه منتظر ----- ۹

مشخصات کتاب ----- ۹

اشاره ----- ۹

فهرست ----- ۱۳

چکیده ----- ۲۰

پیشگفتار ----- ۲۱

فصل اول: کلیات ----- ۲۶

اشاره ----- ۲۶

آسیب شناسی ----- ۲۷

آسیب شناسی دینی ----- ۲۹

آسیب شناسی مهدویت ----- ۳۱

فصل دوم: آسیب شناسی جامعه منتظر ----- ۳۶

اشاره ----- ۳۶

۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر ----- ۴۲

۲. آسیب های فکری و اعتقادی ----- ۴۷

۱ _۲. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت ----- ۴۷

۲ _۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت ----- ۴۸

۳ _۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار ----- ۵۸

۴ _۲. آمیختگی نشانه های ظهور با شرایط ظهور ----- ۶۸

۵ _۲. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد ----- ۷۰

۶ _۲. توقیت ----- ۷۷

۷ _۲. تطبیق ----- ۸۲

۸ _۲. طرح مباحث غیرضروری ----- ۸۸

۹ _۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف ۹۲
۳. آسیب های رفتاری ۱۰۱
۱ _۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید ۱۰۱
۲ _۳. استعجال ۱۰۶
۳ _۳. ظهور مدعیان دروغین ۱۱۲
۴ _۳. ملاقات گرایی ۱۱۹
۵ _۳. بروز کسالت، سستی و بی حالی ۱۲۳
۶ _۳. نمادگرایی افراطی ۱۲۸
۷ _۳. ارتباط گسسته و مقطعی ۱۳۰
۸ _۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی) ۱۳۱
۹ _۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی ۱۳۵
۱۰ _۳. شیوع ناهنجاری های رفتاری ۱۳۸
۱۱ _۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی ۱۴۳
۱۲ _۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار ۱۴۴
۱۳ _۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر ۱۴۶
۱۴ _۳. ابهام در آثار روانی مهدویت ۱۴۷
۱۵ _۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر ۱۵۰
۱۶ _۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی ۱۵۲
۱۷ _۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۵۴
۱۸ _۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام ۱۵۵
فصل سوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر ۱۵۸
اشاره ۱۵۸
۱. عوامل درون فردی ۱۶۰
۱_۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام ۱۶۰
۲_۱. فقر فرهنگی ۱۶۱
۳_۱. خودخواهی و دنیاگرایی ۱۶۳

۴_۱. اشتیاق غیر معقول ---------- ۱۶۹
۲. عوامل برون فردی ---------- ۱۷۲
۲_۱. عدم معرفت عمومی ---------- ۱۷۲
۲_۲. ضعف جامعه پذیری ---------- ۱۷۶
مفهوم جامعه پذیری ---------- ۱۷۶
۳_۲. فقر و غنای مفرط اقتصادی ---------- ۱۷۸
فصل چهارم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر ---------- ۱۸۰
اشاره ---------- ۱۸۰
۱. آسیب های فردی ---------- ۱۸۲
۱_۱. ترس از امام و آرمان های او ---------- ۱۸۲
۲_۱. گریز از امام و آرمان های او ---------- ۱۸۴
۳_۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار ---------- ۱۸۸
۲. آسیب های اجتماعی ---------- ۱۹۰
۲-۱. ناامیدی افراد جامعه ---------- ۱۹۰
۲_۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان ---------- ۱۹۳
۳_۲. گسست میان نسل های تشیع ---------- ۱۹۶
فصل پنجم: راهکارهای مقابله با آسیب در جامعه منتظر ---------- ۲۰۰
اشاره ---------- ۲۰۰
۱. پیشگیری از آسیب ---------- ۲۰۲
اشاره ---------- ۲۰۲
۱_۱. ریشه شناسی در پیش گیری ---------- ۲۰۵
۱-۲. پیش گیری و سلامت فرد ---------- ۲۰۶
۱-۳. پیش گیری و سلامت جامعه ---------- ۲۰۷
۲. شناخت و بصیرت ---------- ۲۰۸
۳. فرهنگ سازی ---------- ۲۱۱
۳-۱. مفهوم شناسی فرهنگ ---------- ۲۱۱

۲_۳. فاکتورهای مؤثر در فرهنگ سازی ---------- ۲۱۴
فصل ششم: نقد و بررسی مستند آسیب ها در جامعه منتظر ---------- ۲۳۲
اشاره ---------- ۲۳۲
۱. بازخوانی پرونده های مدعیان دروغین ---------- ۲۳۴
۲. عوامل انحراف مدعیان ---------- ۲۴۱
اشاره ---------- ۲۴۱
۱_۲. اختلال روانی ---------- ۲۴۱
۲_۲. خود کم بینی و حقارت ---------- ۲۴۲
۳_۲. افراط و تفریط ---------- ۲۴۳
۴_۲. سوءاستفاده از نادانی ---------- ۲۴۳
۵_۲. زودباوری مردم ---------- ۲۴۴
۳. تحلیل نهایی ---------- ۲۴۶
۴. اهداف و انگیزه ها ---------- ۲۴۹
۵. شگردهای جذب مریدان ---------- ۲۵۱
۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین ---------- ۲۵۲
۱. اقدامات ایجابی ---------- ۲۵۲
۲. اقدامات سلبی ---------- ۲۵۳
اشاره ---------- ۲۵۳
دو نکته ---------- ۲۵۳
نتیجه گیری ---------- ۲۵۵
کتابنامه ---------- ۲۶۳
درباره مرکز ---------- ۲۶۹

آسیب شناسی جامعه منتظر

مشخصات کتاب

سرشناسه : میرتبار، سیدمحمد، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : آسیب شناسی جامعه منتظر / سیدمحمد میرتبار.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۵۶ص.

شابک : ۳۵۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۸-۵

یادداشت : کتابنامه:ص.[۲۵۲]-۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مهدویت-- انتظار-- جنبه های اجتماعی

موضوع : مهدویت-- انتظار-- احادیث

موضوع : مهدویت

شناسه افزوده : بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/م۹۴آ۵ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۴۱۳۱۵

ص:۱

اشاره

آسیب شناسی جامعه منتظر

مؤلف/ سیدمحمد میرتبار

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

طراح جلد و صفحه آرا / عباس فریدی

چاپ / ترام اسکنر

نوبت چاپ / سوم _ زمستان ۹۰

شمارگان / ۵۰۰۰ نسخه

بها / ۳۵۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹ _ ۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن:۵ _۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۹۸۶۰۷ /ص.پ: ۳۵۵ _۱۵۶۵۵

WWW. IMAMMAHDI _. COM

info@imammahdi _. com

شابک: ۵-۱۸-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

اَین حاصِدُ فروعِ الغَیِّ و الشِّقاق؟

کجاست آن درو کننده شاخه های گمراهی و چند دستگی؟

اَینَ طامِسُ آثارِ الزّیغ وَ الاهواءِ؟

کجاست آن محو کننده آثار کجی و کجروی ها و هر گونه هوس و هوا پرستی ها؟

اَینَ قاطعُ حبائِلِ الکذبِ وَ الافتراءِ؟

کجاست آن برچیننده دام های دروغ و بهتان؟

اَینَ مُستأصِلُ اَهل العِناد وَ التّضلیلِ و الاِلحاد؟

کجاست آن ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراه کنندگان و دین ستیزان؟

ص:۴

فهرست

چکیده۹

پیشگفتار۱۰

فصل اول: کلیات

آسیب شناسی۱۶

آسیب شناسی دینی۱۸

آسیب شناسی مهدویت۲۰

فصل دوم: آسیب شناسی جامعه منتظر

۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر۳۱

۲. آسیب های فکری و اعتقادی۳۶

۱_۲. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت۳۶

۲ _۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت۳۷

۳ _۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار۴۷

۴ _۲. آمیختگی نشانه های ظهور با شرایط ظهور۵۷

۵ _۲. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد۵۹

۶ _۲. توقیت۶۶

۷ _۲. تطبیق۷۱

۸ _۲. طرح مباحث غیرضروری۷۷

۹ _۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف۸۱

۳. آسیب های رفتاری۹۰

۱ _۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید۹۰

۲ _۳. استعجال۹۵

ص:۵

۳_۳. ظهور مدعیان دروغین۱۰۱

۴_۳. ملاقات گرایی۱۰۸

۵_۳. بروز کسالت، سستی و بی حالی۱۱۲

۶ _۳. نمادگرایی افراطی۱۱۷

۷ _۳. ارتباط گسسته و مقطعی۱۱۹

۸ _۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی)۱۲۰

۹ _۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی۱۲۴

۱۰ _۳. شیوع ناهنجاریهای رفتاری۱۲۷

۱۱ _۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی۱۳۲

۱۲ _۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار۱۳۳

۱۳ _۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر۱۳۵

۱۴ _۳. ابهام در آثار روانی مهدویت۱۳۶

۱۵ _۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر۱۳۹

۱۶ _۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی۱۴۱

۱۷ _۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۳

۱۸ _۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام ۱۴۴

فصل سوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر

۱. عوامل درون فردی۱۴۹

۱ _۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام۱۴۹

۲ _۱. فقر فرهنگی۱۵۰

۳ _۱. خودخواهی و دنیاگرایی۱۵۲

۴ _۱. اشتیاق غیر معقول۱۵۸

۲. عوامل برون فردی۱۶۱

۲ _۱. عدم معرفت عمومی۱۶۱

۲ _۲. ضعف جامعه پذیری۱۶۵

مفهوم جامعه پذیری۱۶۵

۳ _۲. فقر و غنای مفرط اقتصادی۱۶۷

ص:۶

فصل چهارم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر

۱. آسیب های فردی۱۷۱

۱ _۱. ترس از امام و آرمان های او۱۷۱

۲ _۱. گریز از امام و آرمان های او۱۷۳

۳ _۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار۱۷۷

۲. آسیب های اجتماعی۱۷۹

۲-۱. ناامیدی افراد جامعه۱۷۹

۲ _۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان۱۸۲

۳ _۲. گسست میان نسلهای تشیع۱۸۵

فصل پنجم: راهکارهای مقابله با آسیب در جامعه منتظر

۱. پیشگیری از آسیب۱۹۳

۱_۱. ریشه شناسی در پیشگیری۱۹۶

۱-۲. پیشگیری و سلامت فرد۱۹۷

۳- ۱. پیشگیری و سلامت جامعه۱۹۸

۲. شناخت و بصیرت۱۹۹

۳. فرهنگ سازی۲۰۲

۳-۱. مفهوم شناسی فرهنگ۲۰۲

۲ _۳. فاکتورهای مؤثر در فرهنگ سازی۲۰۵

فصل ششم: نقد و بررسی مستند آسیبها در جامعه منتظر

۱. بازخوانی پروندههای مدعیان دروغین۲۲۵

۲. عوامل انحراف مدعیان۲۳۲

۱ _۲. اختلال روانی۲۳۲

۲_۲. خود کم بینی و حقارت۲۳۳

۳_۲. افراط و تفریط۲۳۴

۴_۲. سوءاستفاده از نادانی۲۳۴

۵_۲. زودباوری مردم۲۳۵

۳. تحلیل نهایی۲۳۷

۴. اهداف و انگیزه ها۲۴۰

۵. شگردهای جذب مریدان۲۴۲

۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین۲۴۴

۱. اقدامات ایجابی۲۴۴

۲. اقدامات سلبی۲۴۴

دو نکته۲۴۵

نتیجه گیری۲۴۶

کتابنامه۲۵۴

چکیده

جامعه منتظر، اجتماعی آرمانی است که مورد نظر اسلام می باشد؛ از این رو، آسیب شناسی آن نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این آسیب ها را می توان درگروه هایی چند، از جمله فکری و رفتاری در دو قلمرو فردی و اجتماعی جای داد. نفهمیدن درست بایستگی نیاز به حجت الهی، برداشت ناروا از مفاهیم غیبت و انتظار، آمیختن نشانه های ظهور با شرایط آن، پندار نادرست زمینه سازی ظهور از راه گسترش بیدادگری و فساد، زمان بندی ظهور، برابرسازی نشانه ها برافراد، طرح مباحث غیرضروری، کم کاری انسان های مسؤول در ارائه آموزه های وابسته به ظهور و...از دسته نخست، هرج و مرج زایی و اختلافات تند، شتاب ورزی در موضوع ظهور، آشکارشدن مدعیان دروغین مهدویت، ادعای دیدار با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بروز سستی و بی مسؤولیتی در جامعه منتظر، نمادگرایی افراطی، پیدایش انگیزه های غیرانسانی در پیوندهای اجتماعی، ناهمسانی آگاهی های منتظران با شرایط کنونی، ابهام در آثار روانی مهدویت، انتظار رهایی بخش بدون اقدام به دگرگونی اوضاع جامعه، بی تفاوتی منتظران در باره زمینه سازی، پیروی نکردن از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روشن نکردن دشواری های نبود امام و... از دسته دوم به شمار می آیند.

گفتنی است آسیب های یاد شده، پیامدهایی همچون فاصله گیری از آرمان های امام، کنار نهادن بایسته های انتظار، ناامیدی اجتماع و... را در پی دارد. برون رفت از آن ها نیز به عوامل درونی و بیرونی، مانند فراموش نکردن ولایت الهی ومعصومان علیهم السلام، غنای فرهنگی، فزونی آگاهی ها و زدودن شبهه ها وابسته است. به یقین، کسب آگاهی و شناخت از پیش گویی های معصومان علیهم السلام در باب آسیب های زمان غیبت، باعث درک بهتر و عمیق تر جامعه منتظرمی شود تا مردم، از شرور، در امان بمانند.

ص:۹

پیشگفتار

باور به آشکار شدن شخصیت رهاکننده انسان ها از زنجیره ستم وبیداد، پیشینه ای شاید به درازای عمر بشریت دارد. این اندیشه و باور کهن بشری، همواره آماج آسیب هایی نیز بوده است. چشم اندازی به این آسیب ها رگه های زیر را در پیدایش آن به دست می دهد. نخست باید به نارسایی های فرهنگی و اعتقادی جامعه منتظر به عنوان ریشه همه آسیب های مزبور اشاره کرد. از چنین ریشه ای، شاخه هایی سرزده که این باور زلال دینی و جامعه ایده آل و آرمانی مورد نظر آن را به تیرگی ها و نابسامانی هایی دچار کرده است؛ از جمله این شاخه ها می توان به رویش خزه وار گروه هایی چون مدعیان عرفان های دروغین و دراویش اشاره کرد. امیدزدایی از دیگر موارد قابل اشاره در این راستا است؛ چرا که امید می تواند موتور متحرک جامعه به سوی اهداف وآرمان های مورد نظراسلام باشد. به همین دلیل دشمنان اسلام، نظریه هایی از جمله «پایان تاریخ» و«جنگ تمدن ها» را به منظور انحراف افکار عمومی مطرح می کنند.

رواج اندیشه پلورالیسم(۱) دینی یا حقانیت همه ادیان که بیشتر، از سوی نظریه پردازان غربی دامن زده می شود نیز به دلیل تردیدزایی در زیرساخت های اعتقادی اسلام که باور به مهدویت از جمله آن می باشد،

۱- Pluralism

می توانـد در ردیف آسـیب های یادشـده جای گیرد. رویکرد «مهـدی نوعی» و اینکه این شخصـیت حتماً فرد شـناخته شده ای نمی باشد، بلکه بعدها به دنیا خواهد آمد نیز گام دیگری در این راستا است.

گـاهی در ادبیـات منتظران، بـا نظراتی روبه رو می شـویم که نپیوسـتن به مهـدویت و دوران ظهور را در پی دارد؛ به طوری که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک امر محال تلقی شده، حالتی افسانه ای و اسطوره ای به خود می گیرد؛ چه او یـک منجی آسـمانی است که دست زمینیـان هرگز به او نخواهـد رسـید. همین طور فقـدان الگوهـای مناسب رفتاری در جـامعه و نیز ضـعیف بودن تبلیغـات رسـانه ای از الگوهـای برتر موجود از یک سو و عـدم آگاهی از سـیمای منتظران واقعی به دلیـل هجوم تبلیغات فرهنگ لیبرالیستی و نگرش سـکولاریستی از سوی دیگر، زمینه را برای حمله به مبانی فکری جامعه فراهم کرده است.

پیوند نادرست میان سـنت و مدرنیته نیز از دیگر آسـیب های این پدیده زیبای اسلامی است؛ چرا که گاه به دلیل در پی داشتن خود بـاختگی هـای فرهنگی برابر تمـدن و انـدیشه هـای بیگانه، مفهوم انتظار را که ساحتی سـنتی دارد، به حاشـیه می رانـد. به دیگر سـخن، برخی با سـکولاریزه کردن سنّت های مذهبی، موجب تقدس زدایی از بسـیاری از سنّت ها _ نظیر سـست شدن ماهیت و مفهوم انتظار در جامعه _ خواهند شد.

اعتقـاد به حکومت عـدل الهی حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و طرد و انکار هر نوع حکومتی پیش از ظهور، سبب نوعی انحصارگرایی در بعد سیاسی

ص:۱۱

می شود و در نتیجه هیچ گونه تلاشی برای اصلاح امور و تشکیل حکومت عادلانه و اجرای احکام الهی صورت نمی گیرد. چنین ایده ای انسان را به گوشه نشینی و انزوا طلبی می کشاند یا به تمکین هر گونه حکومت طاغوتی و ستمکار منجر می شود.

این زمینه به تحلیل کارکردی انتظار کمک می کند که بر اساس نظریه کارکردگرایی با رویکرد جامعه شناختی، می توان دریافت که پدیده انتظار به عنوان یک واقعیت اجتماعی، دارای کارکردهای آشکار و پنهان است. در این دیدگاه که کارکردها، عملکردهایی به شمار می روند که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان پذیر می سازند، سه عنصر وظیفه، نقش و کار نهفته است.(۱) بر اساس این نظریه، در رابطه با انتظار و اعتقاد به منجی دو گروه عمده «بهنجارها و کجروها» وجود دارند. بهنجارها بر عکس کجروها با پذیرش ارزش ها و هنجارهای اسلامی، با آن ها همنوا شده اند.

آنچنان که می دانیم نظام اجتماعی مسلمانان از ابتدای ظهور اسلام، همواره به نوعی با مسأله انتظار و مهدویت روبه رو شده بود و مسلمانان، به ویژه شیعیان بر اساس سخن معصومان علیهم السلام و مستندات آیات قرآنی، با این امر آشنا بودند. این اعتقاد، همواره مؤمنان را واداشته است تا شرایط ظهور را هم در بعد فردی ــ از طریق خودسازی و کسب شناخت مفاهیم و احکام دینی ــ و هم در بعد اجتماعی ــ از طریق امر به معروف و نهی

۱- نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ص۱۴۴.

از منکر ـ فراهم آورند که در حقیقت می توان آن ها را از کارکردهای آشکار مسأله انتظار تلقی کرد.

در این میان، افراد و گروه هایی نیز بوده اند که با این اهداف و وسایل دینی و الهی همسو نبوده اند. بر اساس تیپ شناسی گروه های اجتماعی نظریه کارکردگرایی، فقط مؤمنان و شیعیان واقعی که همسو با ثقلین حرکت کرده و هرگز از آن ها جدا نشده اند، دارای کارکردهای آشکار و مثبت انتظار هستند. در این نظریه و تحلیل جامعه شناختی برخی، مسأله منجی و مهدویت را در جایگاه هدف زندگی اجتماعی پذیرفته اند؛ اما در بعد انتظار، مطابق دستورات الهی و هنجارهای دینی و عرفی عمل نکرده اند و برخی منتظران منفعل بوده اند. برخی، سکوت برابر ظلم و ظالمان را برگزیده اند و برخی، دامن زدن به فساد و ظلم را برای تعجیل در امر ظهور حضرت انتخاب کرده اند. در این میان، برخی نیز ادعای مهدویت کرده اند.

با توجه به منابع تاریخی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی و با توجه به نوع نگرش و برخورد با مسأله انتظار، می توان آسیب های اجتماعی گوناگونی را شناسایی کرد. این آسیب ها به دلایل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و همچنین عدم آشنایی با منابع دینی و مذهبی به وجود می آیند. عدم خودسازی و پیروی از هواهای نفسانی، سبب شده است گروه های گرفتار در این آسیب ها یا مانند مقدس مآبان، از مفاهیم دینی و مذهبی برداشت سطحی انجام دهند یا به جای مقابله با ظلم و فساد، سکوت اختیار کنند.

ص:۱۳

برخی به دلیل سوء برداشت از پدیده انتظار، برای تعجیل در امر ظهور، در گسترش فساد با حکومت های جائر همنوا شده اند. برخی دیگر، افرادی هستند که نه وجود منجی را پذیرفته اند و نه به بهبودی شرایط جامعه و شکوفایی آن امید دارند؛ لذا در جامعه اسلامی منزوی شده، آینده بشریت را تاریک می بینند؛ به همین دلیل از هر گونه تلاشی دست برداشته اند. در قرون گذشته، رواج اندیشه هایی چون مرجئه، اشاعره و جبرگرایی در این امر بی تأثیر نبود؛ اما امروزه اندیشه هایی چون نظریه هانتینگتون که پایان تاریخ را بر اساس نظریه «برخورد تمدن ها» برای مسلمانان تاریک می بینند، به این امر دامن زده است.

بعضی دیگر از گروه های آسیب مانند شورشیان، در واقع اعتقاد به منجی و فرهنگ انتظار را که در فرهنگ دینی ما پذیرفته شده است، قبول ندارند؛ اما هدف و وسیله دیگری جایگزین آن کرده اند. آنان برای رسیدن به مقاصد خود و کسب پایگاهی مردمی به عوام فریبی دست زده، ادعای مهدویت کرده اند. حمایت قدرت های استکباری نیز در اغلب اوقات، قابل مشاهده است که با این اوصاف باید با این منجیان دروغین مقابله کرد و آنان را به جامعه اسلامی شناساند.

ص:۱۴

فصل اول: کلیات

اشاره

ص:۱۵

آسیب شناسی

بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب شناسی(۱)، مطالعه علمی آسیب ها، بیماری ها و اختلالات است. آسیب شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است.(۲) امروزه، اصطلاح «آسیب شناسی» به عنوان معادل دقیق واژه انگلیسی خود یعنی Pathology به کار می رود. Patho به مفهوم بیماری و آسیب است که به هر وضعیت غیرعادی در بدن [۱] یا روان [۲] می گویند که باعث ناراحتی [۳]، سوءکارکرد یا تنش [۴] در فرد مبتلا یا افراد در ارتباط با فرد مبتلا می گردد.(۳)

ص:۱۶

۱- Pathology

۲- آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، ص ۳۷-۳۶ .

۳- ر . ك : « دانش نامه ویکی پدیا فارسی »، ویکی پدیا، نام پایگاه اینترنتی است که جیمی ولز درسال ۲۰۰۱ م بنیان گذاری کرد (www.wikipedia.org) .

آسیب شناسی در همه رشته های علوم، اعم از کاربردی و انتزاعی، پایه و غیرپایه، تجربی و طبیعی، انسانی و غیرانسانی، و به ویژه در روان شناسی و تعلیم و تربیت کاربرد خاص خود را دارد. آسیب شناسی در زمینه مسائل روان شناختی، تربیتی یا فرهنگی اصولاً ـ به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه ساز، پدیدآورنده یا ثبات بخش بالینی، روانی، روان تنی، فیزیولوژیک، بیولوژیک، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب های موجود در آن زمینه ها می پردازد. چنین مطالعاتی با هدف تکمیل و تأمین فرایندهای سه گانه شناسائی، تشخیص، پیشگیری یا درمان صورت می پذیرد، و برآیند آن، پیشنهاد راه حل های مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب ها است.

هدف اصلی از چنین مطالعاتی، تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب ها است؛ برای مثال مثلا آسیب شناسی در علم پزشکی به بررسی بافت های آسیب دیده و عوامل و علل بروز آسیب به بافت می پردازد و تأثیر آن را بر بافت های دیگر و همچنین سایر اعضای بدن بررسی می کند و در نهایت، رهیافت و پیشنهادی برای درمان فرد آسیب دیده به پزشک ارائه می کند. به عبارت دیگر، در پزشکی به فرآیند علت یابی بیماری ها آسیب شناسی اطلاق می شود. این اصطلاح علاوه بر علوم پزشکی در علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز به کار رفته است و در بحث انحرافات اجتماعی و کجروی ها به مطالعه بی سازمانی ها و درمان آنان و همچنین شرایط بیمارگونه و نابهنجار اجتماعی می پردازد. به بیان دیگر، در مشابهت کالبد انسانی با کالبد

جامعه طبق نظریه اندام وارگی جامعه، می توان آسیب شناسی اجتماعی را مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های اجتماعی را تعریف کرد؛(۱) برای نمونه آسیب شناسی خانواده، مسؤولیت شناخت بیماری های خانواده را بر عهده دارد.(۲)

آسیب شناسی دینی

در هر حوزه و قلمرو، اگر بتوان وجهی «آرمانی» و «بایدی» به تصویر کشید، عدم دست یابی بدان یا چالش میان «هست» و «باید» به نوعی آسیب شمرده می شود. بر اساس همین الگو، دین به عنوان یک واقعیت عینی و مجموعه ای از ایده های نظری و عملی است که باید تمام عرصه حیات جمعی را پوشش دهد و اگر دین به هدف خود نرسد و نقش و کارکرد خود را به خوبی ایفا نکند، دچار آسیب شده است.

آسیب شناسی دینی(۳) اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی و به مفهوم شناخت آسیب ها و اشکالاتی است که به اعتقادات و باورهای دینی یا به آگاهی و معرفت دینی و علمی در یک جامعه دینی وارد می شود یا ممکن است وارد بشود. بر این اساس، شاید بتوان بررسی و شناخت اموری که با اصل دین و معرفت دینی در تضاد است را ــ به

۱- گذری بر آسیب شناسی جامعه اسلامی، ص ۵.
۲- فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ص ۸۱۹..
۳- Religious Pathology .

عنوان عاملی که اساس دین را نشانه رفته به آن ضربه می زند _ آسیب شناسی دینی به معنای اخص کلمه نامید و در مقابل، بر فرآیند شناخت مفاهیم و نگرش هایی که به عمل غیردینی دینداران منجر می شود، آسیب شناسی نگرشی (معرفت دینی) نام نهاد. قابل تذکر است که آسیب های دینی می تواند عوامل و منشأهای گوناگون داشته باشد؛ ولی مجموع آن ها در دو بعد ظهور می یابد: بُعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین شناسان یا مدعیان دین شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دینداران و متظاهران به دینداری است.(۱)

از منظری دیگر، آسیب شناسی دینی به معنای شناخت آسیب ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی یا آگاهی و معرفت دینی یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می شود، تلقی می گردد. از آنجا که دین داری شامل دو عرصه نظر و عمل است، آسیب شناسی دینی نیز دربرگیرنده اندیشه، معرفت، باور و ایمان دینی و نیز اقرار، کردار، رفتار و سلوک دینی است و همه این موارد به نحوی در معرض آسیب و آفت قرار می گیرند؛ از این رو وجوه گوناگونی از آسیب های دین و دین داری بروز می یابد که به عنوان نمونه می توان از این موارد نام برد: عدم فهم عمیق دین و سلوک دینی، دریافت نادرست مفاهیم دینی، ضعیف شدن باورها و رفتارهای دینی، سست شدن بنیادهای اخلاقی، بی ارزش شدن ارزش های

۱- ر.ک: دژکام، علی، مقاله استاد مطهری و نسبیت معرفت دینی، مجله نقد، ص ۲۳۳-۲۲۰.

دینی، بی اعتقادی به دین و امور مـذهبی، بی ایمانی، اباحی گری مـذهبی، گریز از امور دینی و مـذهبی و ظهور و بروز بدعت ها.

دین، ابعاد گوناگون و متعددی را شامل می شود که براساس آن ها می توان سه حوزه آسـیب شناسی دینی را پایه ریزی کرد: آسیب شناسی عقاید دینی، آسیب شناسی فرهنگ دینی و آسیب شناسی جامعه دینی.

آسیب شناسی مهدویت

با عنایت به دسـته بنـدی سه گانه ای که در باب روایت های دینی انجام پـذیرفت و سه حوزه عقایـد، فرهنگ و جامعه دینی را شامل می شد، می توان به بحث مهدویت پرداخته، از آسیب شناسی مهدویت سخن گفت.

در بحث مهدویت، توجه به این نکته که هنگام سـخن از آسـیب شناسی، دقیقاً چه گستره ای از بحث را مدنظر داریم، ضروری است. گاه به مسامحه و یا اشـتباه، وقتی سـخن از آسـیب شناسی مهدویت به میان می آید، ممکن است برداشت شود که اساساً آموزه مهدویت و اندیشه نجات بخشی موعود اسلام که ریشه در قرآن(۱) و روایات قطعی

۱- کتاب المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه نوشـته علامه سیدهاشم حسینی بحرانی که توسط سیدمهدی حائری قزوینی به نام سیمـای حضـرت مهـدی در قرآن ترجمه شـده است، مجموعه کـاملی از آیـات قرآنی را معرفی می کنـدکه به بحث مهـدویت مربوط می شود .

اسلامی(۱) دارد، دچار آسیب است. این ظریفه به همان وجه نفس الامری(۲) مهدویت باز می گردد و گویی خود این آموزه، آسیب ها و مشکلاتی به دنبال دارد. چه فیلسوفان لیبرال و مخالفان مارکسیزم که از وعده های دروغین مبتنی بر جامعه بی طبقه و رستگاری عمومی به تنگ آمده بودند، اصل و اساس هرگونه اندیشه نجات بخشی و اتوپیایی را نامیمون و مخرب شمرده و می شمارند و از آن به عنوان آسیبی برای زندگی معقول یاد می کنند.(۳) این رویه در مباحث جامعه شناسی امروز نیز دیده می شود و مباحث این چنینی در سطح جنبش های سیاسی و اجتماعی، سطحی فرو کاسته شده و سپس بررسی می شود؛(۴) از این رو ذکر این

۱- مجموعه هشت جلدی معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوره کاملی از روایات اسلامی پیرامون مهدویت می باشد که توسط مؤسسه المعارف الاسلامیه، مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است .

۲- این همان علم الهی است که دچار تغییر نمی گردد .

۳- کارل پوپر (Karl R. Popper) شاخص ترین چهره این جبهه است که با نقد افکار افلاطون، هگل و مارکس به سختی بر این اندیشه و کلیت آن می تازد و آنان را به عنوان دشمنان جامعه باز معرفی کرده، به نقد می کشد . ر . ك : کارل پوپر، جامعه باز و دشمنان آن، عزت الله فولادوند .

۴- فصول اول و دوم از بخش اول کتاب از شاهد قدسی تا شاهد بازاری و نیز «پایان نامه موعودیت در انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران» به این رویکرد نظر دارد.

نکته ضروری است که وقتی از آسیب های مهدویت و آسیب شناسی آن سخن می گوییم، به تفاسیر غلطی که از این آموزه به وجود آمده و یا خرافاتی که در اذهان مردم نسبت به این حقیقت ایجاد شده است نظر داریم وگرنه اصل و اساس این بحث جزو حقیقی ترین و اساسی ترین بنیان های زندگی بشر به شمار می رود.

آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است، بررسی آسیب های جامعه منتظر از منظر روایات است؛ از این رو گفت و گوهایی که به بررسی موردی و مصداقی این آسیب ها، چه در مقام تفاسیر و چه در واقعیات جامعه، مربوط می شود، از گستره اصلی این مجال خارج است و تنها به مناسبت طرح این مسائل به آن ها اشاره می شود.

واضح است که جامعه منتظر، جامعه ای از شیعیان و قائلان به اسلام شیعی و مذهب دوازده امامی می باشد که در عصر غیبت در انتظار ظهور موعود و منجی اسلام، حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می برد. در این میان ممکن است آسیب ها و مشکلاتی دامن گیر آنان شده، سبب دور شدن ایشان از این هویت اصلی و واقعی خود شود. بررسی این آسیب ها، چه آن ها که برخاسته از زمینه های اجتماعی هستند و چه آن دسته که در زمینه دینی اشاره شده است، موضوع پژوهش حاضر را شکل می دهد.

مسأله اساسی کتاب حاضر، شناخت آسیب های جامعه منتظر در چشم انداز آموزه مهدویت از نگاه روایات است. این آسیب ها و انحرافات، در ابعاد فکری و اعتقادی و رفتاری و نیز در حوزه های فردی و اجتماعی امکان بروز و ظهور دارند و نیز به دو دسته آگاهانه و ناآگاهانه قابل

تقسیم می باشند. با این وجود سه سؤال اصلی مسیر پژوهش را شکل خواهند داد.

نخست اینکه آیا در متون و منابع اسلامی، برای جامعه منتظر و کسانی که در زمان غیبت در انتظار امام غایب به سر می برند، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب ها، مهم ترین آن ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟

علاوه بر این، چه آسیب هایی پیرامون روایات و آموزه های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت ها و تفاسیر از آن ها انجامیده است و چه اثراتی در فرد و جامعه منتظر برجای می گذارد و به چه مشکلاتی دامن می زند ونکته پایانی، منشاء و علل این آسیب هاست که با بررسی آن ها زمینه ای برای برون رفت از مشکلات پیش آمده فراهم می شود. بر این اساس سؤال دیگر پژوهش این است که چه زمینه ها و عواملی سبب می شود تا آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر ظهور یابد؟

فرضیه های اصلی پژوهش بر اساس سؤالات بنیادین آن بدین شرح است که با مطالعه روایات و احادیث معصومان به مجموعه ای از خطرات و آسیب هایی برمی خوریم که با غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مردم به وجود می آید. عمده ترین این آسیب ها که به طور خاص با مسأله انتظار و ظهور ایشان درهم تنیده شده است عبارتند از: استعجال ظهور، بروز تشتّت و تفرقه، ایجاد هرج و مرج، توقیت و تطبیق شرایط با زمان ظهور، ظهور مدعیان دروغین نیابت و مهدویت و ایجاد کسالت و سستی در انجام

ص:۲۳

وظایف.

علاوه بر این، مسایلی از قبیل برداشت های انحرافی از آموزه انتظار، برداشت های نادرست از روایات وابسته به زمان آشکار شدن ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترسیم امام به عنوان یک عنصر قهرآلود و ویرانگر، تحریف در مفهوم غیبت و ایجاد نظریات بی پشتوانه در این باب، طرح مباحث غیرضروری در زمینه مهدویت، کوتاهی متولیان فهم و ارائه آموزه های مهدوی در انجام وظایف خود متناسب با تحولات زمان، ملاقات گرایی و گوشه نشینی های منفعلانه، عدم پیروی از فقها و نواب عام امام زمان در عصر غیبت و دامن زدن به بی توجهی و ناامیدی نسبت به حضور و ظهور امام سبب شده است تا آثاری همچون نفرت و ترس نسبت به امام و ترک وظایفی که در قبال ایشان وجود دارد در بعد فردی و نیز ناامیدی افراد جامعه و عدم پیروی از عالمان و دانشمندان در مسایل زندگی و گسست میان نسل های تشیع در بعد اجتماعی و تاریخی به وجود آید.

آنچه به عنوان عوامل و زمینه های اصلی در بروز این آسیب ها و ایجاد پیامدهای ناشی از آن ها به نظر می رسد، عناصری همچون، خودخواهی و اشتیاق غیرمعقول در حوزه فردی و نیز مواردی از قبیل عدم معرفت و آگاهی و طرح مباحث به شیوه غیرکارشناسی در حوزه اجتماعی است.

فصل دوم: آسیب شناسی جامعه منتظر

اشاره

ص:۲۵

این بخش، عهده دار پاسخ به دو سؤال اساسی است. اینکه در متون و منابع اسلامی ـ که در اینجا منظور، آیات قرآنی و روایات پیامبر خدا و اهل بیت ایشان است ـ برای جامعه منتظر و کسانی که در زمان غیبت در انتظار امام غایب به سر می برند، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب ها، مهم ترین آن ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟ علاوه بر این، چه آسیب هایی در باره روایات و آموزه های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت ها و تفاسیر از آن ها انجامیده است؟

برای یافتن پاسخ این سؤالات و بررسی روایات مهدویت، توجه به منابع روایی دسته اول ضروری است. در این میان کتاب های: کافی، غیبت نعمانی، کمال الدین شیخ صدوق و غیبت شیخ طوسی، مجموعه ها و منابع اصلی به شمار می روند که محتوای روایی بحث مهدویت را به خوبی در خود گنجانده اند. علاوه بر این کتب، مجلدات ۵۱ تا ۵۳ کتاب بحارالانوار به مهدویت اختصاص یافته است که البته نسبت به کتب پیش گفته، منبع درجه دوم به شمار

می آید و در آن به گردآوری و تبویب همان روایاتی که در کتب اصلی آمده، پرداخته شده است.

در پی گیری سؤال اصلی این نوشتار (وجود متونی که به آسیب های عصر غیبت و جامعه منتظر اشاره کرده باشند)، مشاهده می شود که بخش هایی از کتب و منابع روایی اصلی در بحث مهدویت، علاوه بر اینکه به مسأله غیبت و ابعاد گوناگون آن اختصاص داده شده، به طور مشخص به ابواب و روایاتی مربوط می شوند که به آسیب شناسی غیبت و انتظار اختصاص دارند.

کافی در کتاب الحجه، مرحوم کلینی؛پس از ابوابی که به اشارات و نصوص مربوط به امامان دوازده گانه اختصاص داده است، به ذکر روایاتی پرداخته که به موضوع و مشکلات و آسیب های آن مربوط می شود و آن ها را در ابوابی که عنوان آن ها اشاره به همین موضوع دارند، گنجانده است: «باب نَادِرٌ فِی حَالِ الْغَیْبَهِ، باب فِی الْغَیْبَهِ، باب کراهیه التوقیت، باب التَّمْحِیصِ وَ الِامْتِحَانِ، باب أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ یَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّر و باب مَنِ ادَّعَی الْإِمَامَهَ وَ لَیْسَ لَهَا بِأَهْلٍ وَ مَنْ جَحَدَ الْأَئِمَّهَ أَوْ بَعْضَهُمْ وَ مَنْ أَثْبَتَ الْإِمَامَهَ لِمَنْ لَیْسَ لَهَا بِأَهْلٍ».

در کتاب غیبت نعمانی، مؤلف ضمن پرداختن به جوانب گوناگون امامت و مهدویت، باب های پنجم «باب ما روی فیمن ادعی الإمامه و من زعم أنه إمام و لیس بإمام و أن کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت»، دهم «باب ما روی فی غیبه الإمام المنتظر الثانی عشر و ذکر مولانا أمیر المؤمنین و الأئمه بعده و إنذارهم بها»، یازدهم «باب ما روی

فیما أمر به الشیعه من الصبر و الکف و الانتظار للفرج و ترک الاستعجال بأمر الله و تدبیره» دوازدهم «باب ما یلحق الشیعه من التمحیص و التفرق و التشتت عند الغیبه حتی لایبقی علی حقیقه الأمر إلا الأقل الذی وصفه الأئمه» شانزدهم «باب ما جاء فی المنع عن التوقیت و التسمیه لصاحب الأمر» و بیست و پنجم «باب ما جاء فی أن من عرف إمامه لم یضره تقدم هذا الأمر أو تأخر» را به موضوعاتی اختصاص داده است که به پرسش اصلی پژوهش حاضر مربوط می شود.

همچنین در کتاب غیبت شیخ طوسی، فصل های اول «فصل فی الکلام فی الغیبه» وششم«فی ذکر طرف من أخبار السفراء الذین کانوا فی حال الغیبه» و در ادامه فصل هفتم موضوع عدم تعیین وقت هنگام ظهور و مصلحت و تغییر زمانه ظهور، به موضوع پژوهش حاضر مربوط می شود.

کتاب کمال الدین شیخ صدوق که ابواب اصلی آن به بررسی غیبت های پیغمبران پیشین و نیز به غیبت ها و انتظارهایی که در طول تاریخ پیشگویی شده اند می پردازد. اساساً در جهت پاسخ به آسیب هایی که ممکن است درباره غیبت روی دهد نوشته شده است و از آن رو که مخالفان در اصل غیبت تردید می کردند و شیعیان دچار شبهه می شدند، سعی شده است با ذکر غیبت پیامبران و نیز شرح حال کهنسالان، این استبعاد و آسیب ها برطرف گردد(۱) که البته این انگیزه با دیدار امام غایب

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲.

توأم می شود. در این راستا ابواب بیست و پنجم تا سی و هشتم کتاب، به اخبار پیغمبر و معصومان راجع به غیبت امام مربوط شده و باب چهل و نهم به بررسی علت غیبت امام مرتبط می گردد.

همچنین در کتاب بحارالانوار، مرحوم علامه مجلسی باب هفدهم از جلد ۵۱ «ذکر المذمومین الذین ادعوا البابیه و السفاره کذبا و افتراء لعنهم الله»، باب بیستم از جلد ۵۲ «عله الغیبه و کیفیه انتفاع الناس به فی غیبته صلوات الله علیه»، باب بیست و یکم از همان جلد ۵۲ «التمحیص و النهی عن التوقیت و حصول البداء فی ذلک» و نیز باب **۲۳** از همان کتاب «من ادعی الرؤیه فی الغیبه الکبری و أنه یشهد و یری الناس و لا یرونه و سائر أحواله فی الغیبه» را به روایاتی اختصاص داده است که به موضوع پژوهش حاضر مربوط می شود.

با بررسی روایات و محتوای ابواب مشخص شده از کتب مذکور، متوجه عده ای از آسیب ها و موارد انحرافی می شویم که توسط ائمه علیهم السلام پیش گویی شده است. عمده ترین این آسیب ها در بعد فکری، به مسأله توقیت مربوط می شود. در واقع از آنجا که مسأله بازگشت امام غایب و ظهور آن حضرت پس از غیبت طولانی، مهم ترین موضوعی است که مفهوم انتظار را تحت تأثیر خود قرار می دهد، امکان بروز آسیب در این باره به اوج خود می رسد. این آسیب مربوط به تعیین زمان این بازگشت و ظهور است که علاوه بر مشکلات و تناقضاتی که در نفس این کار نهفته است، موجب بروز آثار و پیامدهای متعددی می شود که هر یک از آن ها به تنهایی باعث دورشدن فرد و جامعه منتظر از وضع مطلوب

می شونـد. تـوقیت، از عوامـل و انگیزه هـای متعـددی ناشـی شـده که یـا به سـبب جهـل و کـوته فکری و یـا به واسـطه طمع و سودجویی به انحراف افکار و اذهان منجر می شود.

از دیگر آسـیب هـایی که در متون روایی بـدان هـا اشاره شـده است می توان به آسـیب های رفتاری و اجتماعی اشاره کرد که بروز اختلافـات و سرگشـتگی هـا میـان افراد و اجتمـاع منتظر، بروز کسـالت و سـستی و کوتاهی در انجام وظایف، اسـتعجال و تلاش غیرمعقول برای تحقق ظهور و ظهور مدعیان دروغین امامت، مهدویت و نیابت، از جمله این آسـیب ها هستند. ویژگی و خاسـتگاه مشترک این آسـیب ها به عدم وجود مرجعیت و مرکزیت نیرومند دینی بازمی گردد که نه تنها به محرومیت راهبری حرکت اجتماعی از هـدایت صـحیح می انجامـد که باعث می شود افراد اجتماع به انزوا و درون گریزی و عـدم مشارکت فعال اجتماعی روی بیاورند.

در کنار این آسـیب ها که به طور صـریح اشاره شده اند، می توان از آسیب های فکری و اجتماعی دیگری نام برد که در میان متون روایی اشاره صریحی به آن ها نشده است؛ اما از آن رو که با روح کلی آموزه های دینی و بحث انتظار، ناسازگار هستند و تحریفات و آسیب هایی محسوب می شوند که پیرامون مفاهیم و آموزه های مهدوی شکل گرفته اند، شایسته بررسی و دقت نظر هستند. برخی از این آسیب ها از این قرار اند: برداشت های انحرافی از مفاهیم «غیبت» و «انتظار» و تحریفات معنوی که در این رابطه ایجاد شده است، طرح و

استقبال از مباحث بیهوده و غیرضروری که علاوه بر ایجاد شبهه از طرح مسایل اساسی جلوگیری می کند، کوتاهی متولیان دینی در شیوه ارائه معارف مهدوی که مانع تغذیه فکری صحیح جامعه منتظر می شود، عدم پیروی شایسته از نواب عام امام و مراجع تقلید که به کمرنگ شدن رابطه جامعه با نهاد دینی می انجامد.

با این وجود می توان به سؤال اصلی این نوشتار، پاسخ مثبت داد و در صدد شناسایی آسیب های مذکور برآمد. این آسیب ها ــ چه آن ها که در روایات ذکر شده اند و چه آن ها که بعدها رقم خورده اند ــ در دو بخش آسیب های فکری و اعتقادی، و آسیب های هنجاری و رفتاری دسته بندی شده اند که در ادامه می آیند.

۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر

جامعه منتظر، جامعه ای آرمانی است که می تواند زمینه ساز دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ پس باید ویژگی هایی متناسب و منطبق بر فرآیند زمینه سازی داشته باشد؛ یعنی در عین حال که جامعه دینی است، در چشم انداز آینده خود، حاکمیت حجت الهی و ارزش های الهی را ببیند و براساس آن، برنامه ریزی و اقدام کند.

اکنون باید نیم نگاهی به معنای «جامعه و انتظار» بیفکنیم تا از این رهگذر تصویر روشن تری از جامعه منتظر ترسیم کنیم.

اندیشوران غربی تعریف های مختلفی از جامعه ارائه کرده اند که البته وجوه مشترکی در آن ها یافت می شود. گیدنز می گوید:

جامعه، دسته ای از مردم است که برای نیل به منفعت عمومی در حال همکاری بسرمی برند.(۱)

بعضی از نویسندگان امروزی در توضیحی بیشتر گفته اند:

جامعه جمعیتی سازمان یافته از اشخاص است که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند و با همکاری در گروه ها، نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلیشان را تأمین می کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز، شناخته می شوند.(۲)

همین نویسنده در تبیین مؤلفه های تعریف جامعه گفته است:

۱. جامعه، از گروه های عمده با کارکردهای متفاوت تشکیل شده است؛ گروه خانوادگی، گروه های تربیتی، گروه های اقتصادی، گروه های سیاسی، گروه های دینی و گروه های تفریحی.

۲. جامعه از لحاظ فرهنگی از گروه های متجانس تشکیل شده است.

۳. جامعه باید به عنوان واحدی که یکپارچه عمل می کند شناخته شود. نظام جامعه بر تعاون و همکاری بنا شده است و باید اندام هایش در هماهنگی با هم عمل کنند؛ هرچند کارکردهای درونیشان متنوع، متفاوت و احیاناً در تعارض باشد.

۴. وجه تمایز یک جامعه از جامعه های دیگر در هویت فرهنگی آن است.(۳)

۱- جامعه شناسی سازمان ها و توان سازمانی، ص ۲۵.

۲- مبانی جامعه شناسی، ص ۹۸ و ۹۹.

۳- مبانی جامعه شناسی، ص ۸۶ _ ۸۹ و ۹۷ _ ۹۸ برگرفته ازمقاله آقای حایری پور، همایش پنجم دکترین مهدویت (سال ۱۳۸۸) « شاخصه های جامعه منتظر ».

واژه انتظار را می توان از دو نگاه لغوی و اصطلاحی معنا کرد:

انتظـار در لغت از مـاده «نظر» گرفته شـده که به معنـای نگـاه همراه با دقت و تأمل است.(۱) وقتی در مصـدر افتعـال به کار می رود، به معنای آن است که آدمی نظر و دیدن را اختیار کرده و برمی گزیند و در این صورت توقع امری را دارد و به اصـطلاح فارسـی چشم به راه حادثه ای می ماند.(۲) البته معنـای دقیق انتظـار بی ارتباط با متعلق آن نیست و چون در بحث حاضـر مراد، انتظار ظهورمهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و حکومت جهانی او و حاکمیت فراگیر اسـلام و ارزش های الهی است، لازم است برای روشن شدن انتظار، مقداری درباره این واژه، زمانی که مراد از آن، انتظار حکومت الهی قائم است، بحث کنیم.

استاد شهید مطهری در توضیح معنای انتظار و بررسی ریشه قرآنی و روایی آن بیان مبسوطی دارد که خلاصه آن، چنین است:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صـلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسـلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی و تشـکیل مـدینه فاضـله و جامعه ایده آل به وسـیله شخصـیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر

۱- البته گاهی در نگاه عادی هم استعمال شده است . ر . ک : التحقیق فی کلمات القرآن، ماده « نظر ».

۲- با استفاده از التحقیق فی کلمات القرآن، ج۱۲، ص۱۶۸.

اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است اندیشه ای است که کم و بیش، همه فرق و مذاهب اسلامی بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه قرآنی است. قرآن با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی،(۱) غلبه قطعی صالحان،(۲) کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه(۳) و آینده درخشان و سعادتمندانه بشریت(۴) را نوید داده است. این اندیشه، بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها، فوق العاده تاریک و ابتر است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت _ بلکه افضل عبادات _ شمرده شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن، اصل «حرمت یأس از رَوح الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند. (۵)

۱- سوره توبه (۹): ۳۳؛ سوره صف (۶۱): ۹.

۲- سوره انبیاء (۲۱): ۱۰۵.

۳- سوره قصص (۲۸): ۵ و ۶.

۴- سوره اعراف (۷): آیه ۱۲۸.

۵- قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص۵_۷.

بنابرآنچه گفته شد، در معنای لغوی انتظار، آینده نگری نهفته است و در فرهنگ دینی، انتظار به معنای توقع پیروزی صالحان و حاکمیت خوبان در آینده جهان است؛ پس می توانیم نتیجه بگیریم مراد از جامعه منتظر، جامعه ای است که سیر تاریخی و حرکت اجتماعی خود، چشم اندازی روشن را می بیند که در آن، به تمام خواسته های انسانی و ایده های دینی خود خواهد رسید. جامعه منتظر، جامعه ای است که هویت واقعی انسانی و مکتبی خود را در دوران طولانی ظهور بزرگمردی از تبار پیامبر بزرگ اسلام می بیند که تحقق بخش آرزوی همه پیامبران الهی خواهدبود.

با توجه به آنچه درباره جامعه و انتظار بیان شد، معلوم می گردد جامعه منتظر از متن قرآن و روایات برخاسته و شکل می گیرد؛ ولی شکل تکامل یافته جامعه اسلامی و شیعی است؛ به عبارت دیگر، جامعه اسلامی، جامعه ای است که مطابق قواعد قرآنی به آینده روشن امیدوار است؛ ولی وقتی هویت بارز و برجسته جامعه، انتظار و توقع چنان آینده ای باشد و سیمای بیرونی آن انتظار دولت حق باشد، جامعه منتظر خوانده می شود و این جامعه، کامل ترین نماد یک جامعه دینی و اسلامی است که باید الگوی سایر جوامع اسلامی که به این پایه از کمال و رشد نرسیده اند، قرار گیرد.

ص:۳۵

۲. آسیب های فکری و اعتقادی

۱_۲. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت

با نگاهی گذرا به تاریخ پیامبران و اوصیای آنان، به خوبی روشن می شود که بسیاری از افراد به دلیل نا آگاهی و عدم درک صحیح از اضطرار به حجت، همانند مهربانی، منطق، حکمت و دیگر آثار حضور و قیام آن حضرت، نه از سر عناد و لجاجت، بلکه به دلیل عدم درک، با او به دشمنی پرداختند؛ یعنی به دلیل عدم شناخت جایگاه حضرت و حل نشدن مسأله اضطرار به حجت، به دشمنی بر می خیزند. اینان از آنجا که به سرای دیگر قائل نیستند و این دنیا را فقط برای رسیدن به امور حیوانی تصور کرده اند، نیازی به آل محمد: احساس نمی کنند. جایگزینی قدرت ها و نظام هایی چون لیبرال دموکراسی در دیدگاه هایی نظیر فوکو یاما، هانتینگتون و ... به عنوان تنها راه به جای منجی و نظام الهی و دینی، از غرور ناشی از عدم نیاز به امام سرچشمه می گیرد. (۱) در همین رابطه حضرت علی علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبتی خواهد داشت که جاهل گوید: « به آل محمد: نیازی نیست». (۲)

جایگزین کردن تجربه دینی وعقل، ابزاری به جای وحی، همه و همه از این توهم سر چشمه می گیرد. البته این عدم درک صحیح از

۱- مهدی ستیزان، ص۱۱-۱۳.

۲- غیبت طوسی، فصل ۵، ص ۳۴۱.

اضطرار به حجت، بیشتر به سبب تعجب بی جا است که از شنیدن حق و پذیرفتن آن، امتناع می ورزند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... اذا خرج القائم لم یبق مشرک بالله العظیم و لاکافر الاـ کره خروجه؛ وقتی قائم قیام کند، مشرکان و کافران، قیام او را ناخوشایند دانند. (۱)

۲ _۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت

مسأله غیبت امام دوازدهم شیعیان از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مطرح بوده و به وسیله خود آن حضرت بارها و بارها به تعابیر مختلف بیان شده است؛ برای مثال، گفتار جابر بن عبدالله انصاری از اصحاب با وفای پیامبر در این زمینه جالب توجه است. او نقل می کند: وقتی آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکمْ»(۲) بر رسول گرامی نازل شد، به ایشان عرض کردم: «ای رسول خدا! ما خدا و رسولش را شناختیم، اما «اولوالامر» که خداوند، اطاعت از آن ها را با اطاعت از شما قرین کرده است، چه کسانی هستند؟» در پاسخ فرمود:

ای جابر! آن ها جانشینان من و پیشوایان مسلمانان بعد از من هستند. نخستین ایشان، علی بن ابی طالب است، سپس حسن و حسین سپس علی بن حسین سپس محمد بن علی ــ که در تورات

۱- تفسیر عیاشی، ج۲ص۷۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۴۶.

۲- سوره نساء (۴): ۵۹ .

به عنوان «باقر» (شکافنده علوم) معروف است ـ و تو ای جابر! او را درک خواهی کرد؛ پس هرگاه او را ملاقات نمودی، از جانب من به او سلام برسان ـ سپس صادق جعفر بن محمد سپس موسی بن جعفر سپس علی بن موسی سپس محمد بن علی سپس علی بن محمد سپس حسن بن علی سپس هم نام و هم کنیه من، حجت خداوند در زمینش و باقی نگه داشته شده خدا میان بندگانش، فرزند حسن بن علی است. او همان کسی است که خدای متعال شرق و غرب زمین را به دستانش فتح می کند. او همان کسی است که از شیعیان و دوستانش غایب می شود؛ غیبتی که در آن، جز کسانی که خداوند دل هایشان را به ایمان آزموده است، بر امامت ایشان ثابت قدم نمی مانند. (۱)

وضعیت و ماهیت این غیبت در روایات دیگری به تصویر کشیده شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن خبردادن از فتنه غیبت و شرایط سخت آن، به وضعیت حضور امام غایب و رابطه او با مردمان اشاره می کند:

او کسی است که مردم را می شناسد؛ اما شناخته نمی شود و از آنجا که زمین از حجت خدا خالی نیست، خداوند به دلیل ظلم و گناه و اسراف مردم بر خودشان، آنها را در باره او نابینا ساخته است. نیز وضعیت او به مانند وضعیت یوسف نسبت به برادران او است. (۲)

همچنین از دو نوع این غیبت سخن به میان آمده و بر همین اساس

۱- کمال الدین، ج۱، ص۲۵۳.

۲- غیبت نعمانی، ص۱۴۲.

غیبت صغرا و غیبت کبرا برای امام غایب درنظر گرفته شده است. (۱) آنچه غیبت صغرا را از غیبت کبرا متمایز می سازد _ جدای از تفاوت در مدت زمان آن ها _ به وضعیت حضور امام و نوع رابطه او با مردم باز می گردد. چه در متن روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، به این نکته اشاره شده است که:

در غیبت صغرا سفیرانی به عنوان نواب خاص امام واسطه ایشان و مردم منصوب شده و انجام وظیفه می کنند؛ اما در غیبت کبرا باب چنین نیابت و وساطتی بسته شده است و مردم از این گونه ارتباط با امام زمان خود محروم می شوند. (۲)

از زمان پایان گرفتن غیبت صغرا در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹(۳) آغاز شده و تا اکنون ادامه دارد.

وضعیتی که در زمان غیبت کبرا به وجود می آید، به سبب آنکه هم امام معصوم و هم نشانه و واسطه ای که به او می رسد، از دسترس مردمان بیرون می رود، (۴) به بروز شرایطی ناگوار می انجامد که به غیبت، و دورشدن بیشتر امام از مردم در نظر آنان منجر می شود. شدت یافتن

ص:۳۹

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳- شیخ صدوق سال وفات نائب چهارم را سال ۳۲۸ نقل فرموده است (کمال الدین و تمام النعمه، باب ۴۵، ح ۳۲) و شیخ طوسی سال ۳۲۹ نقل کرده است (غیبت طوسی، ص ۳۹۴، ح ۳۶۴) .

۴- کافی، ج ۱، ص ۱۵۹.

غیبت و کاهش دسترسی به امام، در غیبت کبرا محقق شده و در توقیعی که از ناحیه مقدسه نیز صادر شده، به این نکته اشاره گردیده است؛ اما آسیبی که در این میان امکان بروز می یابد، فرض کناره گیری امام از جامعه انسانی و انفعال او برابر مردم است. در چنین فضایی ممکن است تصور شود امام به جغرافیای دیگری از عوالم مهاجرت کرده است و هنگام ظهور، از آن عالم مراجعت می کند که خیال بافی هایی از این دست با آنچه در روایات و آموزه های اسلامی درباره غیبت و ماهیت آن ذکر شده است، در تغایر می باشد.

مکتب شیخیه که در اوایل قرن سیزدهم به وسیله احمد بن زین الدین معروف به «شیخ احمد احسایی» (۱۱۶۶ _ ۱۲۴۱ق) پدید آمد، نمونه ای از این جریانات انحرافی بود که نه تنها خود دستخوش تحولات زیاد گردید، بلکه باعث به وجود آمدن تحولات بسیار مذهبی، اجتماعی و حتی نظامی در کشور ایران شد و در نهایت به شکل گیری بابیت و بهائیت انجامید. یکی از مهم ترین اندیشه های شیخ احمد احسایی _ که مدعی بود در فراگیری علوم، شاگرد کسی نبوده و آنچه را می داند، تنها از راه غیر طبیعی به دست آورده است _ اعتقاد به «بدن هورقلیایی» است که این بدن در شهر «جابُلقا» و «جابُلسا» قرار دارد. او به گمان خود، با طرح این نظریه، سه مسأله مهم دینی و عمیق فلسفی (معراج جسمانی رسول خدا، حیات امام زمان در طول بیش از ده قرن و نیز معاد جسمانی) را تفسیر کرده است و از این رو هر سه این مسأله را از یک باب می دانست. او نه تنها زمین محشر را هورقلیایی فرض کرده بود،

بلکه معتقد بود امام زمان علیه السلام با بدنی غیر عنصری و تنها هور قلیایی و در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می کند.

به احتمال قوی، شیخ احمد سه واژه «هورقلیایی»، «جابلقا» و «جابلسا» را از شیخ اشراق گرفته باشد؛(۱) هرچند این کلمات در بعضی روایات نیز به کار رفته و بعید نیست شیخ احمد _ که گرایش اخباری گری داشته و برخی از اصطلاحات فلسفی را مطالعه کرده بود _ به تلفیق و ترکیب آن ها پرداخته باشد. همچنین او از اندیشه های باطنی مذهب اسماعیلیه نیز کمک گرفت و از مجموع آن ها مذهب «کشفیه» را بنا نهاد. (۲)

شیخ احمد احسایی، امام زمان علیه السلام را زنده و در عالم هورقلیا می دانست. وی معتقد بود:

هورقلیا ملک آخر است که دارای دو شهر جابلسا که در مغرب قرار دارد و جابلقا که در مشرق واقع است، می باشد؛ پس حضرت قائم در دنیا در عالم مثال نیست؛ اما تصرفش به گونه ای است که به

ص:۴۱

۱- فرهنگ فرق اسلامی، ص۲۶۶.

۲- در مذهب اسماعیلیه و حتی اندیشه های مسیحی نیز نوعی گرایش به جسم لطیف یا جسم پاک یا مفاهیمی از این قبیل وجود دارد. هانری کربن معتقداست: «ارض ملکوت هورقلیا، ارض نورانی آیین مانوی در عالم ملموس اما ورای حس است و با عضوی که خاص چنین ادراکی باشد، شناخته می شود و به نوعی از مسیحیت و اندیشه مسیحیان درباره جسم لطیف داشتن عیسی متأثر است » . تاریخ فلسفه اسلامی، ص۱۰۵.

صورت هیکل عنصری می باشد و با مثالش در مثال، و با جسدش در اجساد، و با جسمش در اجسام، و با نفس خود در نفوس، و با روحش در ارواح است. (۱)

او همچنین بیان می کرد که امام زمان، هنگام غیبت در عالم هورقلیا است و هرگاه بخواهد به اقالیم سبعه تشریف بیاورد، صورتی از صورت های اهل این اقالیم را می پوشد و کسی او را نمی شناسد. جسم و زمان و مکان ایشان، لطیف تر از عالم اجسام بوده و از عالم مثال است.(۲)

نیز در جواب ملا محمد حسین اناری که از لفظ هورقلیا سؤال کرده بود، گفت:

هورقلیا به معنای ملک دیگر است که حدّ وسط میان عالم دنیا و ملکوت بوده و در اقلیم هشتم قرار دارد و دارای افلاک و کواکبی مخصوص به خود است که به آن ها جابلقا و جابلسا می گویند. (۳)

شیخیه در معارف دینی، فقط به چهار رکن توحید، نبوت، امامت و شیعه کامل (رکن رابع) که نیابت خاصه امام زمان ۷مخصوص او است، اعتقاد داشته، معتقد بودند طریق نیابت خاصه پس از نواب چهارگانه در غیبت صغرا ـ عثمان بن سعید عمروی، ابوجعفر محمد بن عثمان، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری ـ

۱- جوامع الکلم، رساله دمشقیه، قسمت ۲، ص ۱۰۳ .

۲- جوامع الکلم، رساله رشتیه، قسمت ۳، ص ۱۰۰.

۳- جوامع الکلم، رساله به ملا محمد حسین، رساله ۹، ص۱؛ شرح عرشیه، ج ۲، ص ۶۲.

برخلاف اعتقاد فقیهان و محدثان شیعه، مسدود نشده و همچنان راه نیابت خاصه مفتوح است.

این گونه سخنان شیخ احمد، به پیدایش مذاهب ضالّه بابیت و بهائیت انجامید. چه اینکه پیروان فرقه شیخیه پس از مرگ شیخ احمد احسایی، پیرامون سید کاظم رشتی گرد آمدند. با مرگ سید کاظم رشتی، بر سر جانشینی او، اختلاف شد و همراه با ایجاد فرقه های کریم خانیه، باقریه و...، ادعای جانشینی وی از سوی میرزا علی محمّد شیرازی اعلام شد که با استقبال برخی عالمان شیخی و شاگردان سید مواجه شد. این ادعا و این اعلام حمایت نامیمون، منشأ بسیاری از انحرافات عقیدتی گردید. در واقع ادعای وجود «شیعه ی کامل» یا «رکن رابع» و «ناطقیت» میان فرقه شیخیه، زمینه ساز ادعای «بابیت» و پذیرش آن از سوی جمعی طرفداران این فرقه شد که خود، فرقه مستقل دیگری را تشکیل داده، و به نام «بابیت» شناخته شده اند. ادعای دروغین «بابیت» هر از چند گاهی، از زمان ائمّه علیهم السلام تا قرن حاضر، کم و بیش رواج داشته؛ اما هیچ یک از مدعیان دروغین آن به اندازه میرزا علی محمّد باب جامعه اسلامی را به انحراف نکشاند.

ادعای «بابیت» زمانی آغاز شد که سید کاظم رشتی از دنیا رفت و علی محمّد شیرازی جانشین وی شد. شیخیّه، شیخ احمد و سپس سید کاظم رشتی را نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانستند و نیز معتقد بودند امام زمان ۷ در عالم موهومی به نام «هورقلیا» زندگی می کند و آن گاه که پروردگار اراده فرماید، از آنجا نزول کرده، به وظیفه اصلاح عالم از

مفاسد، قیام می کند.

بعد از وفات سید کاظم رشتی در سال ۱۲۵۹ یا ۱۲۶۰ق، ابتدا معلوم نبود چه کسی جانشین وی در رکن رابع (شیعه کامل) خواهد بود. در این میان، ملا حسین بشرویه که مجذوب لباس زهد و پرهیزکاری ظاهری سید علی محمّد شیرازی شده بود، قرار گذاشت که نامِ او را بلند کند. او نیز خود را «باب» امام دوازدهم شیعیان (واسطه میان مردم و امام زمان علیه السلام) معرفی کرد و بر این اعتقاد اصرار داشت که برای پی بردن به اسرار و حقایق بزرگ و مقدّس ازلی و ابدی، باید مردم به ناچار از «در» بگذرند و به حقیقت رسند.

بررسی اعتقادات و تفاسیری که این جریان فکری از مفهوم غیبت و وضعیت حضور و ارتباط امام در زمان غیبت کبرا به دست می دهد، گویای بطلان آن ها نزد علمای امامیه است و طبق نصوص قطعی، مهدی موعود علیه السلام در همین عالم خاکی و در بدن عنصری است و به زندگی طبیعی خود به حفظ الهی، ادامه حیات می دهد؛ تا آنکه مشیت خداوند بر قیام و ظهور او تعلّق گیرد.

روشن است که شیخ احمد احسایی، اصطلاحاتی را از مباحث فلسفه وام گرفته و بدون آنکه به عمق آن ها پی ببرد، آنها را مشخصه های اصلی آیین و مذهب خود قرار داده است. پیروان مکتب او نیز در توجیه این کلمات، به تناقض گویی مبتلا شده اند؛ تا آنجا که این تهافت گویی در کلمات شیخ احمد و رمز و تأویل و باطن گرایی در آنان، باعث شد فرزندان او به نام های محمد و علی که از عالمان و فرهیختگان بودند، به

انکار روش پدر و بلکه گاهی استغفار بر او و گاهی به تکفیر او مشغول شوند. (۱)

در حقیقت، تحلیل بـدن هورقلیایی و اعتقاد به حیات امام زمان علیه السـلام با بـدن هورقلیایی، به معنای انکار حیات مادی امام زمان علیه السـلام بر روی این زمین است. چه اگر مراد آن است که آن حضرت در عالم مثال و برزخ ــ چه برزخ اول یا برزخ دوم ــ زنـدگی می کنـد، آن چنان که آنان قبر را از عالم هورقلیا می داننـد؛ پس آن حضـرت، حیات با بدن عنصـری ندارد و حیـات او مثـل حیـات مردگـان، در عـالم برزخ است. این ادعـا، هیـچ مبنای روایی و مسـتند دینی نداشـته، با روایات معروف و اصیلی که استمرار زندگی زمین و هستی را منوط به حضور حجت خدا در آن می داند(۲) به هیچ روی، سازگار نیست.

علاوه بر آنکه اعتقـاد به این گونه حیـات برای امام زمان علیه السـلام مثل اعتقاد به حیات تمام مردگان در عالم برزخ است و این عقیـده با عقیـده به نفی حیات مادی هیـچ منافاتی ندارد. گذشـته از آن، این سـخن که حضـرت مهدی علیه السـلام با بدن هورقلیایی زندگی می کند، صرفاً یک ادعای بدون دلیل است و هیچ دلیل عقلی یا نقلی بر آن اقامه نشده است.

مشاهده می شود یکی از آسیب های مهم که در حیطه آموزه های

۱- روضات الجنات، ج۱، ص۹۲؛ دائره المعارف تشیع، ج۱، ص۵۰۲.

۲- کافی، ج۱، ص۱۷۹، باب ان الارض لاتخلو من حجه، چهار روایت پایانی اشاره به همین مضمون دارد.

مهدویت و به طور خاص مفهوم غیبت ایجاد شده است، برداشت ناصحیحی است که رابطه امام با مردم و حتی جهان هستی را به کل قطع کرده و آن حضرت را از صحنه حیات، دور می داند؛ در حالی که بنا به روایات اهل بیت علیهم السلام امام در زمان غیبت زنده است، اما مکان حضور ایشان برای مردمان مشخص نیست. (۱) همچنین در روایت دیگری که با استفاده از تشبیه غیبت امام عصر به ماجرای یوسف پیامبر و برادرانش، کیفیت حضور ایشان در عصر غیبت را توضیح می دهد، چنین آمده است:

صاحب الامر، میان مردم رفت و آمد می کند، به بازارهایشان می رود و بر فرش هایشان قدم می نهد؛ ولی او را نمی شناسند. (۲)

در روایت دیگری نیز آمده است:

صاحب الامر، هر سال در مراسم حج حاضر می شود، مردم را می بیند و آن ها را می شناسد؛ ولی مردم او را با آنکه می بینند نمی شناسند. (۳)

۱- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۸۰. جالب آنکه این روایت غیبت امام را به مانند گم شدن ایشان می داند و گویی مردم در زمان غیبت او را گم می کنند؛ یعنی می دانند او حضور دارد؛ اما مکان دقیق حضور او بر ایشان پوشیده است.
۲- غیبت نعمانی، ص۱۶۴.
۳- کمال الدین، ج۲، ص۴۴۱. برخی روایات گفته اند حضرت دیده نمی شود؛ ولی راه جمع این روایات با روایاتی که در آن ها به دیده شدن حضرت اشاره شده، این است که حضرت دیده می شود؛ ولی توسط مردم شناخته نمی گردد، چنان که مرحوم مجلسی (ذیل روایت) و تاریخ الغیبه الکبری، ص۳۱ همین وجه را پذیرفته است.

از این رو تمام برداشت هایی که کیفیت حضور حضرت در زمان غیبت کبرا را به چیزی غیر از مختصات روایی تفسیر می کنند، تحریف این مسأله شناخته می شوند و اصل ایجاد تفاسیری از این دست، از آسیب های فکری جامعه منتظر محسوب می شوند؛ خواه این تفاسیر، حکم به عدم حیات مادی حضرت دهند، خواه اینکه حضرت را به سرزمین های عجیب دوردست یا همچون حضرت عیسی علیه السلام به آسمان ارجاع دهند.

۳_۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار

اگر مفاهیم صحیح و واقعی واژه ها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت مذهب و اهداف آن برای عده ای پیش آمده یا می آید، مرتفع و اهداف واقعی مکتب، روشن می شود. در مقابل، اگر در فهم معنای واژگان و مفاهیم دینی احتمالات دیگری مطرح شود و مانع فهم معنای صحیح گردد، تحریف(۱) رخ می دهد؛ لذا شناخت معنای

ص:۴۷

۱- تحریف از ریشه «حرف» است. در لغت نامه های فارسی ذیل واژه تحریف این معانی آمده است: «تغییر دادن، تبدیل کردن، وارونه ساختن، جابه جا نمودن، کم و زیاد کردن، از حالت اصلی درآوردن و به طرز و وضع دیگری انداختن، کج ساختن، تقلب کردن و ... » (فرهنگ پیشرو آریان پور، ج۴، ص ۳۷۷۰-۳۷۷۱؛ فرهنگ علوم انسانی، ج۴، ص ۲۶۵). تحریف کلام، در اصطلاح آن است که آن را در گوشه ای از احتمال قرار بدهی؛ آن چنان که بتوان بیش از یک معنا (یک معنای اصلی) را به آن باز نمود (Dictionary,see: Arthurs Reber p.۵۲۱,). تحریف ممکن است لفظی یا معنوی باشد. تحریف لفظی این است که ظاهر یک چیز را عوض کنند؛ اما تحریف معنوی این است که در لفظ تصرف نمی شود و به همان صورت باقی می ماند؛ ولی این لفظ به گونه ای معنا می شود که چیزی خلاف مقصد و مقصود گوینده از آن فهم گردد.

واقعی کلمات به خطر می افتد.

از مفاهیمی که برداشت های مختلفی از آن در ادبیات و آموزه های مهدوی مطرح شده است، انتظار ظهور و فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به واسطه همین تعدد برداشت ها و اختلاف تفاسیر، امکان بروز آسیب دیگری برای افراد و جامعه منتظر به وجود می آید که در آن، مفهوم انتظار از معنای اصلی خود تهی شده و معنای دیگری درک و فهم گردد. در این صورت موجودیت و هویت جامعه منتظر به خطر افتاده و اساساً با فرض بروز این آسیب، دیگر نمی توان عنوان «فرد و جامعه منتظر» را برای آن جامعه و افراد آن به کار برد.

در بررسی لغوی مفهوم انتظار که از ریشه«نظر» گرفته شده است، درمی یابیم که نوعی پیچیدگی در این واژه نهفته است. انتظار، از یک سو به معنای چشم به راه بودن، امید به آینده داشتن و آماده شدن است و از سوی دیگر به درنگ در امور، نگهبانی و مراقب بودن و

استقامت ورزیدن اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، انتظار(۱) در وجهی از معنای خود به توقف، تلوم و تلبث می رسد و با مهمل گذاردن، مترادف می گردد(۲) و در وجه دیگری از معنا به تهیأ، توقع، تجهیز و آماده باش دلالت می کند. (۳) بر این اساس، هم می توان انتظار را به معنای توقف کردن و خطر نکردن و صبر و تأمل ورزیدن معنا کرد و هم می توان آن را به معنای آماده شدن و متوقع بودن و به استقبال رفتن

ص:۴۹

۱- التَّنَظُّرُ: تَوَقَّع الشی ء ــ ابن سیده: و التَّنَظُّرُ تَوَقُّعُ ما تَنْتَظِرُهُ. (لسان العرب، ج۵، ص۲۱۸) النَّظَرُ: الانتظار و النَّظَرُ: الفکر فی الشی ء تُقَدِّره و تقیسه منک. (لسان العرب، ج۵، ص۲۱۷) یقال: نَظَرْتُ فلاناً و انْتَظَرْتُه بمعنی واحد، فإِذا قلت انْتَظَرْتُ فلم یُجاوِزْک فعلک فمعناه وقفت و تمهلت. (لسان العرب، ج۵، ص۲۱۶.)

۲- قوله: و ما کانوا إذاً منظرین؛ [سوره حجر(۱۵): ۸]ای مؤخرین، و المعنی لا نمهلهم ساعه من النظره بکسر الظاء للتاخیر، یقال أنظرته ای أخرته، و استنظرته ای استمهلته. قوله: و لا تنظرون[سوره یونس(۱۰): ۱۷]ای لا تمهلون. قوله: أنظرنی إلی یوم یبعثون]سوره اعراف (۷): ۱۴] ای أمهلنی و أخرنی فی الأجل إلی یوم یبعثون. و یقال: نَظَرْتُ فلاناً و انْتَظَرْتُه بمعنی واحد، فإِذا قلت انْتَظَرْتُ فلم یُجاوِزْک فعلک فمعناه وقفت و تمهلت. (لسان العرب، ج۵، ص۲۱۷ ــ و تَلَوَّمَ فی الأَمر: تمکث و انتظر. (لسان العرب، ج۱۲، ص۵۵۷).

۳- و التَّوَقُّعُ: تَنَظُّرُ الأَمْرِ، یقال: تَوَقَّعْتُ مَجِیئَه و تَنَظَّرْتُه و تَوَقَّعَ الشی ءَ و اسْتَوْقَعَه: تَنَظَّرَه و تَخَوَّفَه. (لسان العرب، ج۸، ص۴۰۶) ــ فی القاموس توقع الأمر انتظر کونه. (بحارالأنوار، ج۶۴، ص۳۷۹) توقع أمر صاحبک لیلک و نهارک فإن الله کلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ لا یشغله شأن عن شأن. (بحارالأنوار، ج۹۵، ص۱۵۹) عند تناهی الشدائد یکون توقع الفرج. (غررالحکم، ص۱۰۲).

گرفت.

این دو معنا، در روایات نیز به چشم می خورند. همان گونه که دسته ای از روایات، لزوم توقف و احتیاط در زمان غیبت کبرا را گوشزد می کنند، روایات دیگری نیز به لزوم آمادگی و استقبال همیشگی از امر ظهور دعوت می نمایند.

در مجموعه ای از روایات، این چنین آمده است که معصومان، امر فرموده اند در زمان غیبت و در رویارویی با حیرتی که از عدم ظهور امام ناشی می شود، مردم به همان اموری که تاکنون وجود داشته، تمسک جویند؛ تا آنکه امور دیگر برایشان واضح شود. نیز آمده است که آنچه تاکنون می پسندیده اند را دوست بدارند و از آنچه مبغوض می داشته اند، دوری کنند و در همین حال به انتظار ظهور باشند. در روایتی دیگر آمده است که به آنچه در دست دارند تمسک جویند تا آنکه امر برای ایشان روشن شود و ستاره هدایت بر ایشان طلوع کند.(۱)

دسته ای دیگر از روایات به جست و جوی امر ظهور و توقع آن در نزدیکی اشاره داشته و شیعیان را به توقع امر فرج ترغیب می کند. نیز آنان را از بی توجهی و بی مبالاتی در باره امر ظهور و آمادگی نسبت به آن برحذر داشته و این امر را مورد غضب خداوند تلقی کرده اند. (۲)

دو معنای سلبی و ایجابی درباره انتظار، به دو گونه تفسیر و برداشت

۱- غیبت نعمانی، ص۱۵۹.

۲- بحارالأنوار، ج۵۱، ص ۱۶۰؛ کافی، ج۱، ص۳۳۴.

از آن انجامیـده است که بیش از بعـد فردی، به ایجـاد تفاوت هایی در ابعاد اجتماعی انتظار انجامیـده است. در انتظار منفعلانه، فرد و جامعه منتظر، دست روی دست می گذارند و با تحمل وضعیت فعلی، به امید آینده مطلوب، فقط انتظار می کشند. چنین فرد و جـامعه ای، از حرکـت هـای اصـلاحی کنـاره می گیرنـد و بـا بی اعتنـایی به جریـان هـای دینی و اجتمـاعی، هیـچ گـونه مسؤولیت دینی برای قیام را نمی پذیرنـد؛ چرا که برقرار ساختن حکومت همه جانبه را وظیفه امام منتظَر دانسـته، وظیفه خود را ماندن بر مسـیر قبلی و تأمل تا ظهور موعود می دانند. در طرف مقابل و در انتظار فعالانه و سازنده، انتظار مایه حرکت، پویایی، عمل و آمادگی وسـیع تر می شود. در این دیـدگاه، بیشتر بر ابعاد عملی و کارکردگرایانه انتظار تأکیـد می شود و فرد و جامعه منتظر در صـدد است تـا بـا آمـادگی یـافتن برای ظهور، به نزدیکی آن کمـک کنـد و از طریق اصـلاح مـداوم، گـام به گام به وضعیت ایده آل نزدیک شود.

این دو تفسـیر از انتظـار، در جنبه هـای گونـاگونی از زیست جـامعه منتظر تفـاوت ایجـاد کرده و راه حل های متفاوتی را برای مسایل متعددی که حادث می شوند، پیشـنهاد می دهند؛ اما یکی از بزرگ ترین مسایلی که این دو تفسـیر در آن با یک دیگر برخورد می کننـد و شایـد بتوان آن را عمـده ترین اختلاـف این دو رویکرد دانست، مسـأله تشـکیل حکومت قبل از ظهور امام موعـود است. گروهی که انتظـار را به معنـای صـبر و تحمـل روزگـار غیبت دانسـته، روی خوشـی به حرکت هـای اصـلاحی و ایجابی نشان نمی دهند، با تمسک به روایاتی که بر افراشته شدن هرگونه قیام و

پرچمی را قبل از ظهور امام محکوم و باطل می دانند و(۱) تلاش برای برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت را برنتافته، این مسأله را جزء شؤون امام می دانند و به زمان ظهور ایشان موکول می کنند.

در بررسی این دو دیدگاه، نکات ظریف و مهمی وجود دارد که می باید مورد توجه قرار گیرد. آنچه مسلم است، انتظار به عنوان بهترین واکنش و عکس العملی که مردمان در عصر غیبت کبرا می توانند و می باید از خود بروز دهند، از ارزش بسیار بالایی برخوردار است که البته در روایات بسیاری به این ارزشمندی اشاره شده است؛ برای مثال، فردی در حالی که نوشته ای همراه خود داشت، خدمت حضرت امام باقر علیه السلام رسید. حضرت قبل از آنکه او نوشته اش را باز کند، فرمود: «این نوشته کسی است که سؤال می کند درباره آن دینی که عمل در آن پذیرفته است». آن شخص گفت: «خدا شما را رحمت کند! این همان چیزی است که می خواهم». حضرت فرمود:

گواهی دادن به توحید پروردگار و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست و اقرار به آنچه از جانب خداوند آمده است و پذیرفتن ولایت ما اهل بیت و بیزاری جستن از دشمن ما و تسلیم شدن نسبت به امر ما و ورع و فروتنی و در انتظار قیام کننده ما بودن؛ چرا که

ص:۵۲

۱- غیبت نعمانی، ص۱۱۵.

برای ما دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد، آن را محقق می سازد. (۱)

در روایت دیگری آمده است که روزی امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدا هیچ عملی را از بندگان جز به سبب آن نمی پذیرد؟» و در ادامه همچون روایت قبلی پس از ذکر اقرار به توحید، نبوت و ولایت از انتظار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نام می برد. (۲)

روایات بسیاری در فضیلت و اهمیت انتظار وارد شده و به سبب دشواری و عظمت آن، اجر بزرگی برای آن درنظر گرفته شده است. (۳) علاوه بر این، انتظار همچون یک فریضه و امر واجب در زمان غیبت کبرا مطرح شده است. از امام جواد علیه السلام نقل است که فرمود:

همانا قیام کننده از ما، همان مهدی است که انتظار او در زمان غیبتش واجب است. (۴)

با این وجود توجه به ماهیت انتظار، در شناخت بهترین مسأله راه گشا خواهد بود. آنچه در این رابطه از روایات اسلامی برداشت می شود، گویای آن است که انتظار، یک عمل و یک اقدام است:« أفضل أعمال

۱- کافی، ج۲، ص۲۳.
۲- غیبت نعمانی، ص۲۰۱.
۳- ...عن أمیر المؤمنین علیه السلام قال : المنتظر لأمرنا ک المتشحط بدمه فی سبیل الله. (کمال الدین، ج۲، ص۶۴۵) .
۴- کمال الدین، ج۲، ص۳۷۷.

شیعتنا انتظار الفرج »(۱) و صرفاً به یک حالت روحی و روانی محدود نمی شود؛ از این رو فروکاستن انتظار به وضعیتی منفعلانه که با نفی هر گونه اصلاح و تغییر همراه باشد، با روح این آموزه که می باید در عمل محقق شود، منافات دارد.

همچنین برای درک عمیق و بنیادین مسأله انتظار، تفکیک حوزه اراده الهی و اراده انسانی ضروری است. در حقیقت آنچه در مسأله غیبت و انتظار رخ داده است، از یک سو به اراده الهی و خواست قطعی پروردگار بازمی گردد که چنین وضعیتی را رقم زده است، و از سوی دیگر به واکنش مردمان بازمی گردد که بسته به اقبال و ادبار آنان و منتظرشدن و بی توجه بودن آن ها شرایط متفاوت می شود. این تفکیک میان اراده الهی و انسانی، در روایات باب انتظار به چشم می آید و توجه به آن در بازشناسی تفاسیر دوگانه ای که از مفهوم انتظار به عمل آمده است، اهمیت بسیار دارد. در واقع وظیفه انسان منتظر، تطبیق خواست و اراده خود با خواست و اراده الهی است و در این مسیر، همواره می باید برابر اراده الهی تسلیم باشد و منتظر آنچه خداوند اراده کرده است، قرار گیرد. (۲)

ص:۵۴

۱- کمال الدین، ج۲، ص۳۷۷.

۲- تأویل الآیات الظاهره، ص۴۳۲. در قطعه پایانی این تفسیر، امام معصوم علیه السلام به ضرورت تسلیم برابر اراده الهی و به انتظار اوامر و نواهی او بودن اشاره می فرماید.

سنت های الهی و تجربه های امت های پیشین در رابطه با انتظار موعود، گویای آن است که در صورت تسلیم اراده مؤمنان و منتظران برابر خواست خدا و استقبال از آن، امر ظهور، نزدیک تر شده و شدت و محنت غیبت از بین می رود. (۱)

از این رو در مسأله انتظار و برداشت صحیح از آن، می باید توجه داشت روایاتی که به تأمل، صبر و اعراض از امور ایجابی اشاره دارند، در مقام انذار و هشدار درباره اراده الهی هستند و از خطر دوری از مسیری که خداوند اراده کرده است، بر حذر می دارند؛ به بیان دیگر مضمون این روایات بر ثبات هرچه بیشتر افراد و جامعه منتظر، بر آموزه ها و سنت های دینی تأکید می کند که ماندن بر صراط مستقیم و مسیر هدایت را به دنبال دارد.

در طرف مقابل، دسته ای دیگر از روایات که به توقّع و تهیأ و زمینه سازی مربوط می شوند و بر ابعاد ایجابی انتظار تأکید می کنند، به حوزه اراده انسانی مربوط می شوند و گویای این مهم هستند که خواست خداوند بر غیبت امام تعلق گرفته است؛ اما انسان های مؤمن می باید با حفظ اعتقاد صحیح خود و رعایت ورع، به انجام واجبات و ترک محرمات فردی و اجتماعی ــ که از مهم ترین آن ها امر به معروف و نهی از منکر است و در گسترده ترین معنای خود به لزوم ایجاد حکومت و ساختارهای منسجم اجتماعی می انجامد ــ بپردازند و از زیر بار این

۱- مستدرک الوسائل، ج۵، ص۲۲۴.

مسؤولیت بزرگ شانه خالی نکنند. در نظر گرفتن این تفکیک جمع میان این روایات در قالب آن نه تنها به فهم عمیق تر آموزه انتظار کمک می رساند، بلکه فرد و جامعه منتظر را از آسیب های افراط و تفریط در این زمینه برکنار می سازد.

به نظر می رسد عدم توجه به اراده الهی مبنی بر آزمایش بندگان و رقم زدن دوران غیبت و نیز وظایفی که بر عهده مردمان منتظِر ــ به خصوص در بعد اجتماعی و سیاسی ــ گذاشته شده است، به برداشتی از مفهوم انتظار می انجامد که به عنوان یک آسیب درباره این آموزه قابل شناسایی و بررسی است. مسیر درستی که می باید با قرارگرفتن در آن از این آسیب مصون ماند، همانا توجه به سختی ها و محدودیت های عصر غیبت در کنار ضرورت انجام وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی است. این نکته در روایتی که بیانگر تلاش شیعیان برای کسب تکلیف از امام معصوم درباره زمان غیبت است، به خوبی روشن می شود و از رهگذر مقایسه دینداری در پنهانی و همراه با امام غایب با وضعیت ظهور امام و دین داری در محضر او، رهیافت های قابل توجهی به دست می آید. (۱)

همچنین درباره روایاتی که به نهی از قیام قبل از ظهور امام، اشاره می کنند باید گفت: این روایات به معنای شرکت نکردن در قیام های باطل با انگیزه های غیر الهی یا حرکت هایی است که به عنوان قیام مهدوی شروع می گردد، و قیام ها و انقلاب هایی که به هدف اصلاح و

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۵.

احیای امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود را در بر نمی گیرد. دلیل این مدعا نیز برگرفته از متن روایات است؛ چه اینکه با مطالعه روایت: «کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت»(۱) مشخص می شود که این دسته از روایات در کنار روایاتی که به بطلان ادعای مدعیان امامت و مهدویت اشاره می کنند، قرار گرفته و این، گویای آن است که منظور، پرچم ها و قیام هایی است که ادعای امامت و مهدویت دارند، نه آن ها که به زمینه سازی برای ظهور و حکومت معصوم دعوت می کنند؛(۲) از این رو می باید برابر این آسیب که به شبهه نامشروع بودن حکومت های اسلامی و شیعی در زمان غیبت منجر می شود، آگاه بود و در صدد توضیح و تبیین آن برآمد.

۴ _۲. آمیختگی نشانه های ظهور با شرایط ظهور

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط و نشانه هایی دارد که از آن ها به عنوان زمینه های ظهور و علایم آن یاد می شود. تفاوت این دو آن است که زمینه ها در تحقق ظهور، تأثیر واقعی دارند؛ به گونه ای که با فراهم شدن

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۱.

۲- برای مثال، فصل پنجم از کتاب غیبت نعمانی تحت عنوان«باب ما روی فیمن ادعی الإمامه و من زعم أنه إمام و لیس بإمام و أن ك ل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» باب بندی شده است و در ضمن روایاتی که به مجازات مدعیان دروغین امامت اشاره می کند، روایات مربوط به برافراشتن پرچم ها قبل از قیام قائم نیز آورده می شود.

آن ها، ظهور امام اتفاق می افتد و بدون آن ها ظهوری نخواهد بود؛ ولی علایم در وقوع ظهور نقشی ندارند؛ بلکه تنها نشانه هایی هستند که به وسیله آن ها می توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می توان دریافت که زمینه ها و شرایط، نسبت به علایم ونشانه ها، از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ بنا براین لازم است بیش از آن که به دنبال علائم باشیم، به زمینه ها توجه کنیم و در حد توان خود در تحقق آن ها بکوشیم.

یکی از آسیب های فکری در جامعه منتظر، خلط میان این دو مقوله است؛ یعنی امت منتظر دچار برداشت غلط می شوند و به جای فراهم کردن شرایط و زمینه های ظهور، به دنبال پی گیری علایم ظهور می باشند که تنها جنبه اعلام و کاشفیت دارند؛ در حالی که هر پدیده ای در جهان با فراهم آمدن شرایط و زمینه های آن به وجود می آید و بدون تحقق زمینه ها، امکان وجود برای هیچ موجودی نخواهد بود؛ یعنی باید شرایط را ایجاد کنیم تا مشروط بیاید، همانند فراهم کردن شرایط لازم برای به دست آمدن محصول خوب. قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که بزرگ ترین حرکت جهانی است، پیرو همین اصل می باشد؛ یعنی تصور نشود که حرکت اصلاحی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط از راه معجزه و بدون اسباب و عوامل مادی به سر انجام می رسد؛ بلکه بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم: سنت الهی بر این قرار گرفته که

ص:۵۸

امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد.(۱)

در روایت است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض می کند: « می گویند زمانی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند همه امور بر وفق مراد او خواهد بود.

حضرت فرمودند:

هر گز چنین چیست! قسم به آن کس که جانم در دست او است! اگر بنا بود کارها برای کسی، خود به خود درست شود، همانا برای رسول خدا چنین می شد. (۲)

بنا براین جامعه منتظر باید زمینه های ظهور را بشناسد و در راه تحقق آن، گام بر دارد؛ نه آنان که وقت خود را صرف پیدا کردن تعدادی از حوادث کنند؛ مانند: خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی، صیحه آسمانی، دجّال، قتل نفس زکیه که هیچ نقشی در وقوع ظهور ندارند؛ لذا میان شرایط و علایم، فرق های زیادی وجود دارد.

۵ _۲. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد

در ادامه برداشت غلطی که از مفهوم انتظار صورت می گیرد و حرکت و اقدام را از انتظار سلب می کند، شبهه دیگری امکان بروز می یابد که ناشی از همان بی دقتی و انحراف از اصل انتظار است؛ اما به سبب اینکه

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: «یأبی الله الا اَنِ تجری الامور باسبابها» خداوند امتناع دارد. از اینکه امور اجز از راه اسباب آن فراهم آورد.» شرح اصول کافی، ج۳، ص۱۷۸.

۲- غیبت نعمانی، باب ۱۵، ح ۲، ص۲۸۴؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۵۸.

درباره آن، حساسیت و پرسش زیادی وجود دارد و تأثیر مخرب و غیر قابل کنترل از این آسیب ناشی می شود، نیازمند بررسی مجزا می باشد.

این گزاره که «ظهور امام موعود با اصلاح جهان از فسادها و ظلم ها همراه خواهد بود و پایان این تباهی ها و نابهنجاری ها به دست ایشان رقم خواهد خورد» سبب شده است برخی گمان برند، قبل از ظهور ایشان هر تلاش و کوششی برای اصلاح امور و مقابله با ظلم ها و فسادها بی نتیجه بوده است؛ از این رو نسبت به این گونه مسایل حساسیتی ابراز ندارند. این بی توجهی سبب به وجود آمدن این ذهنیت شده که منتظران ظهور امام برابر تباهی ها و ناهنجاری های پیش آمده در عصر غیبت و فتنه های آخرالزمان، وظیفه ای ندارند و این رویه تا آنجا ادامه یافته که شایعه ای مبنی بر ترغیب به ترویج بدی ها و زشتی ها، برای ایجاد زمینه ظهور موعود، از سوی عده ای افراد جاهل و منحرف شنیده شده است.

آسیبی که متوجه مسأله «پرشدن دنیا از عدل و داد پس از پرشدن آن از ظلم و جور»(1) شده، مربوط به اشتباهی است که میان واقعیات و وظیفه ها رخ می دهد. در واقع، اینکه ظهور حضرت پس از پرشدن دنیا از ظلم و جور است، با عملکرد منتظران ارتباط منطقی ندارد و به نظر می رسد نوعی مغالطه در این میان به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر ظهور حضرت پس از پرشدن عالم از ظلم و جور است؛ اما عکس این

۱- من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۱۷۷.

گزاره صحیح نیست و نمی توان معتقد شد راه تحقق ظهور امام، گسترش ظلم و جور می باشد و بر این اساس با ترویج ظلم و فساد، به استقبال ظهور شتافت.

در باره مسأله مورد بحث نیز باید گفت پرشدن دنیا از ظلم و جور، جزوه علایم و نشانه های ظهور است و با علت ظهور ارتباطی ندارد. بر این اساس، تفسیری که درباره بی تفاوتی در میان شیوع ظلم و فساد و یا کمک به ترویج آن شکل گرفته است، از این پندار ناشی شده که شیوع ظلم، علتِ ظهور و نه نشانه آن است؛ حال آنکه علّت ظهور به فراهم شدن مقدمات و از بین رفتن موانع این واقعه مبارک مربوط می شود و به طور کلی در اختیار و در گرو اراده پروردگار است.

برای توضیح تفاوت نشانه ها و شرایط (علل) ظهور امام مهدی علیه السلام و به طور کلی تفکیک مفهوم علامتِ شیء و علّت شیء می توان از یک تمثیل بهره برد؛ فرض کنید در یک ایستگاه قطار، تابلویی درست کرده اند که چند دقیقه قبل از ورود هر قطار به ایستگاه، آمدن آن را اعلام می کنند و البته بعد از این اعلام، قطار به ایستگاه وارد می شود. این اعلام، علامت آمدن قطار است و نه علت آمدن آن و اگر ما بخواهیم به آمدن قطار کمک کنیم، باید به موتور محرک آن و از بین بردن موانعی که در مسیر آن وجود دارد و نه به دست کاری کردن در تابلوی مذکور بیندیشیم. هر قدر این تابلو، تغییر داده شود، به خودی خود، در آمدن قطار، تغییری ایجاد نمی شود.

بحث شیوع ظلم نیز این گونه است و مواردی از این دست، مانند

فتنه دجال و مدعیان دروغین مهدویت در همین چارچوب، قابل فهم و ارزیابی است؛ به عبارت دیگر، تأکید بر علامت های ظهور امام مهدی علیه السلام تلاشی بیهوده و غیرمفید برای نزدیک ساختن ظهور است و به جای پیگیری وقوع آن ها، باید در انجام تکالیف و وظایفی کوشید که بر عهده منتظران است.

در روایاتی که به سختی های دوران غیبت اشاره می کنند و از عمق بلاها و آزمون های سرنوشت ساز آن سخن می گویند، همواره میان دو گروه از انسان ها _ دسته ای که برابر این مصائب تسلیم شده اند و دسته ای دیگر که با پرهیزگاری و بصیرت، برابر این آسیب ها مصون مانده اند _ مرزبندی شده است. (۱) این دسته از روایات گویای آن است که میان کسانی که در انتظار ظهور امام به سر می برند و از آزمون تشیع و ولایت سربلند بیرون آمده اند نیز دو دستگی و امتحان دیگری ایجاد خواهد شد تا آن ها که در برابر شبهات و آسیب ها مصون مانده اند، از دیگران مشخص شوند(۲) و این نکته، وجود انسان هایی پرهیزگار در آخرالزمان را گوشزد می کند.

بر این پایه، به نظر می رسد شبهه زمینه سازی از راه گسترش ظلم و جور نیز همچون آزمونی سخت در زمانه غیبت، معیار سنجش افراد و جماعات منتظر راستین از مدعیانی است که درصدد توجیه وضع

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

موجود می باشند. این سؤال اساسی در مسیر مبتلایان به این آسیب خطرناك وجود دارد که در صورت رضایت و مشارکت در ظلم و گناه، چه تفاوتی میان به اصطلاح منتظران و افراد آلوده به معاصی و مظالم وجود خواهد داشت؟ دیگر اینکه بر فرض، ظهور امام از طریق گسترش ظلم و فساد محقق شود، در این صورت باید پرسید که امام با افرادی که در سیاهی ها و ظلمت های عصر غیبت مشارکت جسته اند، چگونه برخورد خواهد کرد؟

جالب آنکه این نوع نگاه به مسأله انتظار و ظهور امام مهدی علیه السلام ، امری نوظهور بوده، در هیچ یک از ادوار تاریخی به آن اشاره نشده است؛ از این رو چنین برداشتی، نوعی بدعت محسوب می شود که در فرهنگ تشیع از ابتدای غیبت کبرا تا قرون اخیر نمی توان نشانی از آن به دست آورد.

به نظر می رسد این تفسیر از انتظار، ناشی از شکست های اجتماعی مسلمانان و شیعیان در سده های اخیر بوده و در رویارویی با جریان تجدد و استعمار و تأثیرات مخرب اجتماعی و روانی ناشی از آن ایجاد شده است؛ از این رو با رشد حرکت های اصلاحی و نهضت های سازنده اسلامی در قرن اخیر – و در رأس آن ها انقلاب اسلامی ایران ــ که بر پایه احساس مسؤولیت جامعه اسلامی نسبت به تحولات جدید شکل گرفته اند، گام هایی در جهت اصلاح این آسیب برداشته شده است. (۱)

ص:۶۳

۱- بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی در نقد این دیدگاه فرموده است: «ما اگر دستمان می رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست. منتهی ما نمی توانیم. این که هست، این است که حضرت، عالم را از عدالت پر می کند ؛ نه شما از این تکلیفتان دست بردارید، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید». آن مرحوم همچنین در ادامه بیانات خود فرموده است: «آیا ما بر خلاف آیات شریف قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و گناهان را توسعه بدهیم برای اینکه حضرت بیایند؟!». (صحیفه نور، ج ۲۰، ص۱۹۷).

آموزه های قرآنی بر این مطلب اشاره دارند که جریان مقابله با ظلم و طاغوت می باید توسط خود انسان ها انجام پذیرد. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۱) و این آن ها هستند که باید برابر ظلم بایستند و به اقامه عدل و قسط مشغول شوند. جریان اصلاح نهایی و ریشه ای و فراگیر ظلم و ستم در هستی، تنها به دست امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد؛ اما تلاش برای احقاق حق و از بین بردن ظلم و ستم و عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است که متوجه افراد و جامعه منتظر می باشد. نباید همچون یهودیانی که جهاد را به پیامبر و خدای او حواله می دادند، (۲) از زیر بار تکلیف شانه خالی کرد و کاری که بر عهده

ص:۶۴

۱- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». (سوره حدید(۵۷): ۲۵).
۲- « قالُوا يا مُوسى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَها أَبَداً ما دامُوا فِيها فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقاتِلا إِنَّا هاهُنا قاعِدُون ». (سوره مائده(۵): ۲۴) .

منتظران است را به ظهور موعود موکول کرد. (۱)

همچنین برپاکردن قسط در نگاه قرآنی، یک امر جمعی است و خداوند سبحان به همه مؤ منان دستور می دهد در تحقق بخشیدن به این امر اجتماعی و انسانی، بسیج شوند و بر آفت بی توجهی به آن هشیار باشند. (۲) پرواضح است این امر بدون مدیریت اجتماعی و توجه جدی به محیط جامعه، امکان پذیر نیست. نیز خداوند به مؤ منان دستور اقامه دین داده و از تفرق پرهیز داده است(۳) این مهم می باید در همه حوزه های زندگی فردی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد و محدود به زمینه ای خاص و گروهی اندک نباشد که در این وضعیت می توان به بسیج نیروها پرداخت و برای ظهور امام آماده شد. (۴)

ص:۶۵

۱- شایسته است که خطاب منتظران درباره اصلاح امور و تلاش برای مبارزه با ظلم به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند سخن یاران راستین رسول خدا در غزوه بدر باشد. (بحارالأنوار، ج۱۹، ص۲۴۸).
۲- « یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کونُوا قَوّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلی أَنْفُسِکمْ أَوِ الْوالِدَیْنِ وَ الْأَقْرَبِینَ إِنْ یَکنْ غَنِیًّا أَوْ فَقِیراً فَاللَّهُ أَوْلی بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوی أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً » . (سوره نساء(۴): ۱۳۵) .
۳- « شَرَعَ لَکمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْک وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کبُرَ عَلَی الْمُشْرِکینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ » . (سوره شوری(۴۲): ۱۳) .
۴- « وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّکمْ وَ آخَرِینَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَیْ ءٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ یُوَفَّ إِلَیْکمْ وَ أَنْتُمْ لا تُظْلَمُونَ » . (سوره انفال(۸):۶۰).

۶_۲. توقیت

از آسیب هایی که به طور جدی افراد و جوامع منتظر را تهدید می کند و صریحاً در روایات اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده، « توقیت» است. این مفهوم از نظر لغوی به معنای مشخص کردن زمان و محدود نمودن آن برای یک شیء می باشد(۱) و در اصطلاح به تعیین زمان ظهور امام غایب گفته می شود. پیش تر گفتیم که زمان ظهور امام مشخص نیست و علم آن تنها در اختیار خداوند متعال است. از تفاوت های غیبت کبرا با غیبت صغرا، به نامحدود بودن زمان آن در مقایسه با اتمام زمان غیبت صغرا مربوط می شود.

آسیبی که در مسأله توقیت نهفته است، همچون برداشت انحرافی از انتظار، به خلط و دخالت اراده الهی و اراده انسانی مربوط می شود. در واقع، همان گونه که رقم خوردن وضعیت غیبت به اراده الهی مربوط می شود هنگامه قیام و ظهور حضرت صاحب علیه السلام نیز تنها بر اساس اراده الهی مشخص شده و به صورت ناگهانی و دفعی به وقوع خواهد پیوست.(۲)

۱- فالتَّوْقِيتُ و التَّأْقِيتُ: أَن يُجْعَل للشيء وَقْتٌ يختض به، و هو بيانُ مقدار المُدَّه . (لسان العرب، ج۲، ص۱۰۷) _ و التَّوْقيت: تحديدُ الأَوقات.(لسان العرب، ج۲، ص۱۰۸).

۲- قابل توجه است که در روایات معصومان این چنین آمده که زمان وقوع امر فرج برای امامان معلوم بوده است که با تغییر آن و حصول بداء در این باره، زمان دیگری برای ایشان مشخص نشده و علم آن تنها در اختیار خداوند است. (کافی، ج۱، ص۳۶۸).

بی زمـانی و دفعی بـودن زمـان ظهور، به طور صـریح در روایـات ذکر شـده است که در قـالب انتظـار صـبح و شـام از آن یـاد شده(۱) است. نیز در ادعیه ای که در بـاب فرج و انتظـار موعود وارد شـده، به ماننـد هنگـامه قیامت و مشابه با آن، اشاره شـده است. (۲) در این راسـتا، واکنش صـحیح این است که برابر اراده الهی تسـلیم بوده و به جای سـعی در دخالت و تغییر مقدرات پروردگار به وظایف خود مشغول شد و در مسیر فهم و به کار بستن اوامر و دستورات خداوند قرار گرفت.

در کنار وضعیت مطلوب تسلیم برابر اراده خداوند، درباره موضوع ظهور و زمان وقوع آن، می توان از عکس العمل توقیت نام برد که در روایـات به شـدت از آن نهی شـده است ـ کتاب کافی، به نام کراهیه التوقیت به وجود آمـده است ـ و ضـمن بیان اینکه اهل بیت علیهم السـلام نیز زمانی را برای ظهور مشـخص نمی کنند، به عاملان این امر نسبت دروغ داده شده است؛ برای مثال، هنگامی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در باره قائم سوال می کند، امام در پاسخ می فرماید:

۱- غیبت نعمانی، ص۱۵۹.

۲- مصباح کفعمی، ص۱۷۷.

تعیین کنندگان وقت دروغگو هستند و ما خاندانی هستیم که تعیین وقت نمی کنیم. (۱)

علاوه بر این، معصومان علیهم السلام امر فرموده اند که هر کس چنین نسبتی به آنان روا داشت، تکذیب شود. (۲) ایشان ضمن خودداری از تعیین وقت، امر ظهور را موکول به زمانی دانسته اند که نشانه هایی پدیدار شود و از این رو باب توقیت و تحدید زمان را بسته اند. (۳)

در نگاهی دیگر اساساً توقیت، هیچ گاه به نتیجه نخواهد رسید؛ چرا که تعیین کنندگان وقت ظهور، سعی در مشارکت در علم الهی داشته، آنچه در محدوده علم پروردگار است و دست آدمیان از آن کوتاه می باشد را طلب می کنند. از سوی دیگر، سنت های الهی و اصل آزمایش بندگان در جریان است و خداوند از طریق تغییر در زمان هایی که توسط مردم مشخص می شوند و توقع وقوع امر پروردگار در آن ها بیشتر است، به آزمایش ایشان می پردازد و زمان تعیین شده را تغییر می دهد. (۴)

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۸۹.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۹۰.

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۰. بر این اساس بداء صورت می گیرد و زمان واقعی یک امر به آگاهی بندگان نمی رسد تا با رسیدن به آن زمان و عدم وقوع آن امر، مردمان آزمایش شده و مؤمنان از کافران جدا شوند.

پیغام بردن نزد پروردگار خود رفت، قوم خود را به سی روز وعده داد و چون خداوند ده روز بر این ایام افزود، قوم او گفتند: «موسی با ما خلف وعده کرد» و از این رو به انحراف گراییدند. پس از ذکر این مطلب، امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر ما به شما خبری دادیم و طبق گفته ما شد، بگویید خدا راست فرموده است و اگر به شما خبری گفتیم و برخلاف گفته ما واقع شد، بگویید خدا راست فرموده تا دو پاداش گیرید. (۱)

مشاهده می شود که امام معصوم، ضمن این بیان به اراده الهی و نحوه رویارویی با انکشاف این اراده، اشاره فرموده اند.

توقیت در زمان غیبت امام غایب هیچ ثمره مفیدی نخواهد داشت و در نهایت به هلاکت شخص وقت گذار منتهی می شود و با گذشت زمان، تکذیب آنان را همراه خواهد داشت. در روایات نیز آمده است غیبت، به حیرت جاهلان، هلاکت مبطلان و تکذیب وقّاتون می انجامد(۲) و تنها راه نجات از تکذیب و هلاکت و رسیدن به نجات، تسلیم برابر اراده الهی است. (۳)

آسیب توقیت، علاوه بر تعیین زمان مشخص برای ظهور، در قالب تطبیق علایم ظهور بر مصداق های خاص نیز واقع می شود. برخی از

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.
۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.
۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۹.

افراد، مستقیماً به تعیین وقت نمی پردازند؛ اما با توجه به نشانه هایی که برای ظهور امام مهدی علیه السلام بیان شده است و معمولاً کیفیت دقیق و خصوصیات آن ها روشن نیست، آن ها را به بستری برای تحلیل ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی خود بدل کرده و هر از چند گاهی، در پی تطبیق علایم ظهور بر پدیده های حادث شده بر می آیند و بدین وسیله از نزدیکی ظهور خبر می دهند. چنین جریانی غالباً به توقیت می انجامد و از آنجا که نشانه های ذکر شده برای ظهور در بستر زمانی مشخصی پیش گویی شده اند، تطبیق یک حادثه با نشانه ای از ظهور، در بستر این تقویم زمانی به توقیت می انجامد.

جریان توقیت، از عمده ترین آسیب های جامعه منتظر است که به روشن ترین وجه ممکن به یأس و ناامیدی از ظهور می انجامد و در درازمدت به تزلزل و تردید در اعتقادات و باورهای جامعه منجر می شود. با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می کنند که کمترین اثر آن بروز احساس ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده ولی خلاف آن را مشاهده کرده اند.

آسیب توقیت برای کسانی که اهل سوء استفاده نبوده و واقعاً مشتاق ظهور امام هستند، ناشی از نا آرامی ای است که با افزودن بر میزان معرفت امام، قابل درمان است. بر این اساس مجموعه ای از روایات معصومان وارد شده است که معرفت امام را راه درمان تشویش و نگرانی از تقدیم و تأخیر امر ظهور می داند. امام معصوم به منتظران دستور می دهند که امام خود را بشناسید؛ چرا که اگر شناختید، تقدم یا تأخر

این امر به زیان شما نخواهد بود. (۱) چنین منتظرانی با دیرشدن زمان ظهور، چیزی از دست نمی دهند و در جهاد بزرگ امام، همراه او خواهند بود. (۲)

۷_۲. تطبیق

تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص نیز از آسیب هایی است که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است. تطبیق یعنی مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان؛ به این معنا که عده ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را بر افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند، بدون تشخیص صحیح بودن آن ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، آسیبی که همواره سلامت جامعه منتظر را تهدید می کند. البته خود تطبیق روایات برحوادث، آفت وآسیب نیست. ؛ بلکه آفت، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن یک یا دو روایت و بدون بررسی آیات و روایات ومطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحیح و ناصحیح، به اظهار نظر می پردازند با اینکه در روایات، تشخیص نشانه ها وعلایم سپاه حق و باطل، به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان ها که درعصر غیبت کبرا به عنوان نواب عام، عهده دار امور گشتند.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

متأسـفانه در زمان ما، هر از چنـد گاه، به بهانه ایجاد شوق ظهور، موجی انحرافی فضای فکری و رفتاری مردم را دچار تشویش کرده، با ایجاد برخی انتظارات و توقعات کاذب، آسیب جدی به جامعه منتظر می زند.

مباحث مهـدویت،ماننـد دیگر معارف دینی، از پشـتوانه عقلی و نقلی برخوردار است وکسـی در نقل روایات حق نـدارد بدون توجه به ضعف سند و اشکال در محتوا ومتن حدیث، آن را دستمایه حرف های خود قرار داده و نشانه های ظهور را [بدون در نظر گرفتن نشانه های حتمی و غیر حتمی] برافراد مختلف وحوادث زمان تطبیق دهد.

به نقل روزنامه جمهوری اسـلامی، کتاب دهه ظهور در سه هزار نسـخه در سال ۸۴ ش نوشـته شده و مجوز چاپ می گیرد. در آن کتـاب، سـید حسـنی، سـید خراسـانی، یمانی وسـفیانی بر افراد مختلف تطبیق داده می شود وگفته می شود که تا پایان دهه (۸۰) امام ظهور خواهد کرد. دهه ۸۰ به پایان رسید ودهه ۹۰ شروع شده است. اکنون نویسنده آن کتاب چه پاسخی برای مردم دارد؟ تکلیف باورهـا واعتقـادات مردم چه می شود؟ شـخص دیگری در تریبون عمومی به صـراحت به مردم خطاب می کنـد: «شـما را به خـدا قسم! وقتی خدمت آقا مشـرّف می شوید سـلام ما را هم به ایشان برسانید». این، مصداق بارز جنگ نرم است؛ جنـگ نرم، جنگی است که ریشه اعتقـادات را سـست می کنـد و مقوله مهم و بزرگ وسـرنوشت سازی ماننـد اعتقاد به وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را تا این اندازه کوچک و سـست جلوه می دهد و راه را برای دشمنان دین باز می

کند. (۱)

بار دیگر فیلم یک ساعت وپانزده دقیقه ای تهیه می شود وبه صورت لوح فشرده در سطح کشور پخش می گردد و برای اثبات اینکه در چند سال آینده ظهور اتفاق می افتد، نشانه های ظهور را بر افرادی تطبیق می کند؛ برای مثال، شعیب بن صالح را در این فیلم، به فردی منطبق می کند که قبل از این در طی سی سال بعد از انقلاب اسلامی ایران، بر سه نفر تطبیق داده شده است و معلوم نیست در آینده به چه اشخاصی نسبت داده خواهد شد؟در صورتی که درباره شعیب بن صالح که به عنوان نشانه ظهور مطرح شده است، حتی یک روایت صحیح و قابل اعتماد به صورت تفصیلی نداریم. آیا طرح این گونه سخنان ومباحث غیر ضروری، باعث ناامیدی و بی اعتمادی مردم نمی شود؟ تطبیق به عنوان قطع ویقین مشکل است. ما اصولاً منتظرامام هستیم، نه منتظر علامات؛ به خصوص اگر از علایم ونشانه های غیر حتمی باشد (یعنی امکان عدم وقوع آن باشد). به یقین این اتفاقات، مصداق بارز حوادث واقعه است که طبق دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به علما ومراجع رجوع کرد. نظر مبارک آنان، ملاک عمل است و علما هم به اجماع، این گونه مسائل تطبیقی را برای امت اسلام خطری بزرگ دانسته اند.

روایاتی که فرمان می دهند مردم در امور گوناگون باید به فقها رجوع

ص:۷۳

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره۹۱۵۵، سال سی ودوم، شنبه۲۷فروردین ۱۳۹۰.سرمقاله «جنگ نرم این است».

کننـد، بیـانگر این راهکارنـد که در باره علایم و اشـخاص بیان شـده در روایات، بایـد به آنان مراجعه کرد و از تطبیق ناصواب دوری جست. امام هادی علیه السلام جایگاه شیعیان را در عصر غیبت چنین بیان می کند:

لولا من یبقی بعـد غیبه قائمکم۷من العلماء الـدّاعین الیه والـدّالّین علیه والـذابّین عن دینه بحجـج الله ... لما بقی احدٌ الّا ارتدّ عن دین الله عزوجل؛(۱)

اگر بعـد از غیبت قـائم شـما، نبودنـد علمایی که مردم را به سوی او می خواننـد و به سوی او راهنمایی می کننـد یا برهان های الهی از دین او را پاسداری می کنند... هر آینه کسی باقی نمی ماند، مگر اینکه از دین خداوند عزوجل بر می گشت.

تطبیق، پیامـدهایی چون توقیت و تعجیل دارد. همچنین یأس به دلیل عدم تحقق تطبیق های مطرح شده، باعث بی اعتقادی افراد به اصـل ظهور می گردد و افراد، در اصل ظهور و روایات، به شک و تردیـد می افتنـد. ریشه ها و زمینه های این آسـیب، توهم زدگی است. هوا و هوس و دخـالت افراد غیر متخصـص در مسائـل فنی وعـدم روشـنگری کافی توسط علما، عـدم تبیین علایم حتمی و نداشتن واکنش مناسب در مقابل مدعیان می باشد.

امام رضا علیه السلام در برابر تطبیق ناصواب یارانشان درباره ظهور سفیانی در عصر بعد از بنی العباس فرمود:

۱- احتجاج، ج۱، ص۱۸.

كذبوا انه ليقوم و ان سلطانهم لقائم؛(۱)

دروغ می گویند. او قیام می کند؛ در حالی که سلطنت آنان بر پا است.

همچنین روایات «رایات سود» (پرچم های سیاه) که از نشانه های ظهور است، بعضاً بدون عنوان مهدی آمده است؛ مثل روایات «کعب الاحبار» که از نظر اهل سنت هم متهم می باشد؛ از جمله آورده است: «روزگار به پایان نمی رسد مگر پرچم های سیاه بنی عباس از مشرق بیرون آید...». که این نوعی تطبیق ناصواب است.

در بعضی از متون علمای عصر صفویه، مطالبی به چشم می خورد که بیانگر تطبیق ناصواب است؛ یعنی بعضی از روایات را به طور صریح بر دولت صفوی تطبیق داده است؛ مثلاً آورده است:«در اثنای جمع احادیث، دو حدیث به نظر قاصر رسید که ائمّه: به اتصال این سلطنت به دولت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، شیعیان را بشارت فرموده اند».

حدیث اول از قول نعمانی (محدث بزرگ) در کتاب غیبت، از امام باقر علیه السلام آورده است که ترجمه آن چنین است:

گویی می بینم گروهی را که از جانب مشرق ظاهر شوند و دین حق را از مردم طلب کنند و مردم را به آن دعوت نمایند. پس، از ایشان قبول نکنند. پس بار دیگر طلب نمایند و قبول نکنند. پس چون این آیه[نشانه عدم اطاعت] را ببینند، شمشیرها را بردوش ها گذارند

۱- غیبت نعمانی، ص۳۰۳، ح۱۲.

و جهاد کنند؛ پس مردم به دین حق درآیند. پس ایشان به این راضی نشوند تا اینکه بر ایشان پادشاه و والی شوند و پادشاهی ایشان بماند وبه کسی ندهند مگر به صاحب شما [یعنی حضرت صاحب الزمان] عجل الله تعالی فرجه الشریف، هر کس با ایشان کشته شود، در جنگ شهید شده است و ثواب شهیدان را دارد.

آن گاه آن عالم، در ذیل حدیث می گوید:

بر صاحب بصیرت ظاهر است که از جانب مشرق، کسی که دین حق را طلب نمود و مردم را به دین حق دعوت کرد و پادشاهی یافت، به غیر سلسله صفویه نبود و در این حدیث شریف، شیعیان خصوصاً اعوان و انصار این دولت، توأمان را بشارت هاست که بر عاقل پوشیده نیست.(۱)

البته از این دست تطبیق ها درگذشته ایام، موارد دیگری هم داشته است؛ برای مثال، علی بن یوسف، برادر بزرگ علامه حلی (ره) در حدود هفتصدسال قبل در کتابش می آورد:

قَدظَهر مِن العلامات عدَّهٌ کَثیرهٌ مثلُ خراب حائطِ مسجد الکوفه وَقَتل اهل مِصرَ اَمیرَهُم وَزَوال مُلکِ بنی العباس علی یَد رجلٍ خرج علیهم مِن حیث بدا مُلکهم وَ مُلک عبدالله اخر مُلوک بَنی العباس (مُستعصم) وَخراب الشامات وَمَدِّ الجِسر ممّا یلی الکَرخَ

۱- به نقل از وبلاگ «خبر آنلاین»، رسول جعفریان _ سه شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۰، کد مطلب ۱۴۰۹۳۸. البته در کتاب بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۴۳ اشاره کوتاه به حدیث اول و تطبیق آن بر صفویه دارد، با این عبارت: (لا یبعد ان یکون اشاره الی الدوله الصفویه).

بغداد کُلَّ ذالک فی مُدهٍ یَسیره وانشِقاق الفرات وسیصل الماء اِن شاءاللهُ الی اَزِقَّه الکوفَه؛(۱)

همانـا تعـداد زیـادی از علامـات (نشـانه هـای ظهور)ظاهر شـده است. مثل خراب شـدن دیوار مسـجد کوفه وکشـتن اهل مصـر پادشاهشـان را و از بین رفتن پادشاهی بنی عباس به دست مردی که بر ضـد ایشان قیام کرد، از همان جایی که فرمانروایی شان شروع شـد و مرگ عبدالله آخرین پادشاه بنی عباس (مسـتعصم) وخراب شدن شامات(۲) وکشـیده شدن (ساخته شدن) پلی که پـایین دست منطقه کرخ بغـداد است. همه این هـا در مـدت کمی اتفـاق می افتـد و همینطور به دو نیم شـدن فرات و اگر خـدا بخواهد به زودی آب به کوچه های کوفه متصل می شود.

جالب است که ایشان نیز گمان می کرد نشانه ها در مـدت کمی جمع شده اند؛ اما تاریخ ثابت کرد گمان وی صـحیح نبوده و جمع شدنی در کار نبوده است.

۸_۲. طرح مباحث غیرضروری

از آسـیب هایی که ممکن است جریان آموزش و ترویـج معارف دینی و به طور خاص، آموزه های مهـدوی را تحت تأثیر قرار دهـد، طرح مبـاحث و جزئیـات غیرضـروری و اصـرار بر پی جویی آنان است. به طور کلی از آنجا که گستره علوم و دانش ها بسیار وسیع و عمر و ظرفیت آدمی محدود

۱- عددالقویه، ص۷۷.

۲- طبق نقل مورخان، مثل ذهبی، به دلیل زلزله، مناطق شامات تخریب شد.

است، به حکم عقل باید به مهم ترین و مفیدترین علوم پرداخت و درصدد کسب آن ها برآمد.

از این رو دسته ای از علوم و آگاهی ها برای انسان مفید نیستند، در عین اینکه به کسب مجموعه ای از دانستنی ها می انجامد، در مقایسه با مسایل اصلی و کلی، پیگیری آن ها نه تنها سودی نداشته که ممکن است به سبب اتلاف وقت آسیب زا باشد. (۱) در روایتی آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و مشاهده کرد جماعتی گرد مردی را گرفته اند. فرمود: «چه خبر است؟» گفتند: «علامه ای است». فرمود: «علامه چیست؟» گفتند: «داناترین مردم به دودمان عرب و حوادث ایشان و نیز به روزگار جاهلیت و اشعار عربی است».

پیامبر فرمود:

این ها علمی است که نادانش را زیانی ندهد و عالمش را سودی نبخشد. سپس فرمود: همانا علم سه چیز است، آیه محکم، فریضه عادله و سنت پا برجا و غیر از این ها فضل است. (۲)

در روایات دیگر نیز از علم بی فایده نام برده شده و آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از علم بی فایده (علم لاینفع) به خدا پناه برده اند. (۳)

علم غیر مفید و آنچه پیامبر در روایت پیشینیان را «لایُضُّر من جهله

۱- نهج البلاغه، ص۳۹۴؛ بحارالأنوار، ج۱، ص۲۱۹.

۲- کافی، ج۱، ص۳۳.

۳- کنزالفوائد، ج۱، ص۳۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج۵، ص۷۰.

ولایُنفِع من عَلِمَه»(۱) نامید، اشاره به مباحثی دارد که پرداختن به آن ها مانع از پرداختن به مسایل مهم و اساسی خواهد شد؛ از این رو به بروز آسیب هایی منتهی می شود. در جریان آموزش و ترویج فرهنگ مهدوی نیز، معارف فراوانی وجود دارد که به عنوان اصل و اساس و ضروریات این آموزه، پرداختن به آن ها یک ضرورت شمرده می شود و نقش اساسی برای آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت، بسیار مهم است.

در مقابل، مسایل دیگری وجود دارد که نه تنها به پرکردن خلأ علمی در این زمینه کمک نمی کند که فایده ای عملی و احساسی نیز نداشته و پرداختن به این مسایل، اذهان جامعه منتظر را به مسایل غیرضروری و انحرافی سوق می دهد؛ برای نمونه، پرداختن به مباحثی چون مکان دقیق زندگی امام در عصر غیبت، جزئیات مربوط به ازدواج و خانواده ایشان، و پیگیری جزئیات مربوط به سلاح و ادوات جنگی و شکل و شمایل یاران و دشمنان ایشان و مسایلی از این قبیل، فرهنگ انتظار را از روح اصلی خود که بر اساس معرفت امام و اراده الهی در هدایت تاریخی بشر شکل گرفته است، جدا می سازد.

دامن زدن به چنین مباحثی، از آنجا که منابع و گزاره های دقیقی در این باره وجود ندارد و صحبت از این ها در حد ظنون و اوهام غیرعلمی باقی می ماند، باعث می شود آموزه های اصلی فرهنگ مهدوی، رفته رفته

۱- امالی، ص۲۶۸.

در حاشیه قرار گرفته و به سبب جذابیت کاذبی که این مسایل به وجود می آورد، آسیب ها و انحرافاتی در سطح جامعه منتظر ایجاد شود. ترغیب و تشویق فراوان و به شکل افراطی به این موضوع، پیامدهای ناگواری دارد، حال آنکه در هیچ روایتی از معصومان علیهم السلام به شناخت این مسایل و اصرار در پرداختن به آن ها اشاره نشده است و بر عکس به لزوم کسب معرفت به امام و ارتقای بصیرت در برابر فتنه ها و شرایطی که در زمان غیبت به وجود آمده، تأکید شده است.

مهم، تبیین وظایف منتظران، در عصر غیبت امام است تا اگر توفیق ملاقات با امام دست داد، در حالت رضایتمندی آن بزرگوار باشد. اینکه گاهی افراد و مجموعه ها در قالب گفتار و مقاله ها و نشریات و حتی کنفرانس ها به بحث هایی روی می آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آن ها احساس نمی شود و حتی گاهی سبب ایجاد شبهه ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می گردد، مفید به نظر نمی رسد و ممکن است به بروز آسیب هایی بینجامد. عمده ترین و کلی ترین آسیبی که در این زمینه به وجود می آید، عدم رعایت نظم و رتبه بندی در اهمیت دادن به مباحث مهدوی است که ممکن است پرداختن به این مسایل بی اهمیت، باعث کم اهمیتی مسایل اساسی دیگری شود؛ چرا که فرموده اند هیچ بدعتی رخ نمی دهد، مگر آنکه به ترک سنتی می انجامد. (۱)

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۹.

بر این اساس شایسته است پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت یا وجود فرزند برای آن بزرگوار یا محل زندگی حضرت و مانند آن _ که از نمونه های بحث های غیر ضروری به شمار می روند _ جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار بدهد؛ برای مثال گفت و گو درباره شرایط و زمینه های ظهور، بر بحث های علایم ظهور که عموماً برای تطبیق علایم با اوضاع فعلی صورت می گیرد، تقدم یابد؛ از این رو آشنایی با شرایط ظهور، مشتاقان امام را به حرکت در راستای تحقق آن شرایط ترغیب کند.

در طرح مباحث مهدویت، جامع نگری لازم است و مقصود این است که هنگام گفت و گو درباره یک موضوع، مجموعه معارف مهدویت مورد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا گاهی بعضی افراد، با مطالعه برخی روایات و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تحلیل های نادرستی از جریان مهدویت بیان می کنند.

۹ _۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف

ناکامی بشر، از نابالغی او سرچشمه می گیرد و از آن جایی که «لم یُمتثل امرُ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من الهادین بعد الهادین»(۱)دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دربارهٔجانشینانش، یکی پس از دیگری پیروی نکردند. بلکه «والأُمّة

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

مُصرّةٌ علی مَقته»(۱) و امت به دشـمنی با آنان پافشاری ورزیدند و «مُجتمعه علی قَطیعه رَحِمِه و اِقصاء وُلده»(۲) بر قطع رحم او و دور کردن مقام و منزلت فرزندانش یک پارچه شدند. با این نابالغی، محرومیت و ناکامی خود را رقم زدند و در غربت عصر غیبت هبوط کردند.

از این رو بـا غیبت آن وجود لطیف آسـمانی، فـترت و فاصـله ای از حجت الهی به وجود آمـد. این فترت به دنبـال خود حیرت زایی خواهد داشت و مردم را در گرداب و سـرگردانی ها به بازی خواهد گرفت و تا سرحد تهاجم (فتنه ها) خواهد کشاند؛ به گونه ای که انبوه فتنه هـا او را به حصـار خود در آورده، به بنـد خواهـد کشـید و تـا او را به تـاریکی ها و شب دیجور (یأس)، ننشاند، آرام نخواهد گرفت.

با نگاهی گـذرا به مجموع روایات، چالش های چهارگانه «فترت»، «حیرت»، «فتنه» و «یأس» را در عصـر غیبت می توان به تأمل و دقـت کشانیـد. از این رو عالمـان دینی براسـاس راهبردهـای چهارگـانه ای که در عصـر غیبت، فراسویشـان است، به مصـاف چالش های چهارگانه عصر غیبت می روند تا از این معبر به سوی مهندسی بلوغ اجتماعی راه بگشایند.

عالمـان در عصـر غیبت بـا «دعوت» خویش به مصـاف «فترت» می رونـد و در حـد و انـدازهٔ خود آن را پوشـش می دهنـد و با «دلالت» خویش به

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

مصاف «حیرت ها» می رونـد و حیرت زدایی می کننـد و با «ذبّ و دفاع» به مصاف فتنه ها می رونـد و گره های کور آن را از ذهن، دل و دست و پای مردم می گشایند، تا امواج طوفان فتنه ها ایشان را در شـهوات و شبهات فرو نبرند، و با «انقاذ و نجات» خویش به مصاف «یأس» می روند تا آن ها را از قعر هلاکت برهانند.

بدین سان، نظام راه بردی عالمان دینی در عصر غیبت براساس فقه آنان شـکل می گیرد. ماجرای فقه و تفقه را می توان از بار مفهومی این کلید واژه دریافت که به معنای «فهم، دقت و تأمل» است. لذا ناچار از مهندسـی بلوغ اجتماعی هستیم تا زمینه های ظهور آن موفورالسـرور را فراهم کنیم. این مهم میسور نشود، مگر آنکه طلا۔یه داران این سـاحت و فقهـای عظیم الشـأن به این عرصه درآینـد و زمـام قلوب و انـدیشه جامعه را به دست گیرنـد و با این سـکان داری خویش آنان را به ساحل رشـد و بلوغ و بالندگی رهنمون شوند.

امام هادی علیه السلام فرمود:

بحجج الله والمنقذین لضـعفاء عبادالله من شـباک ابلیس و مروته و من فخاخ النواصب لما بقی احد الّا ارتد عن دین الله و لکنّهم الذین یُمسکون ازمّهٔ قلوب ضعفاءِ الشیعه کما یُمسک صاحب السّفینهٔ سکّانها اولئک هُمُ الافضلون عندالله عزّوجل؛(۱)

ص:۸۳

۱- احتجاج، ج۲، ص۴۹۸.

اگر در روزگـار غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف عالمانی نبودنـد که ظهور و فرج او را یاد کننـد و مردم را به سوی او راه نمایند و از دین او، با اسـتدلال های محکم، به دفاع برخیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از تور ابلیس و پیروانش و از شـکار ناصبیان و دشـمنان اهل بیت علیهم السـلام رهایی بخشـند، هیـچ کس باقی نمی مانـد، مگر آنکه راه ارتداد پیش می گرفت؛ ولی آنـان زمـام دل هـای شـیعیان را در دست می گیرنـد، چونان ناخـدای کشتی، سـکان کشتی را، اینان نزد خـداوند عزوجل برترین مردم هستند.

لـذا وظیفه عالمـان در عصـر غیبت، ترویـج و توسـعه معـارف مهـدویت و گل واژهٔ انتظار است. تا به وسـیلهٔ دعوت و دلالت به حجت خدا، از مرزهای دین امام خویش دفاع کنند و جوامع بشـری به میزان فاصـله ای که از فرهنگ وحیانی پیدا می کنند، به قعر مشکلات و فتنه های خطرناک فرو نروند.

یکی از شایع ترین و مهم ترین آسـیب هایی که ریشه در عدم کارکرد مطلوب جریان ترویج فرهنگ مهدوی دارد، معرفی امام قهر به جای امام مهر می باشد که به ترسـیم چهره ای خشن و نامعقول از امام عصر می انجامد. این مسأله از یک سو به پالایش نشـدن روایات مهدوی مربوط شده، و مسأله ای تخصصـی قلمداد می شود و از سوی دیگر به بررسـی درون متنی و برون متنی این روایات ارتباط می یابد که نیازمند بررسی و امعان نظر است.

روایات فراوانی از پیشوایان معصوم درباره دادگستری و

معنویت گرایی حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده است؛ اما روایات مجعول و موهومی از سوی افراد مجهول یا غیرموثق جعل شده است که با روایات اصیل مهدویت خلط شده و شخصیت بی نظیر آن امام را زیر سؤال برده است؛ لذا در نگاه و برداشت عمومی مردمان منتظر از سیمای آن امام همام، چهره ای خشن، خون ریز و سنگ دل ترسیم کرده است. این دسته روایات، یا بر اثر جعل و انتشار احادیث افرادی کذاب، حقه باز و طردشده از جامعه تشیع حاصل شده و یا توسط افراد مجهول و ناشناخته، به مجامع روایی راه یافته و یا از سوی افراد وابسته به مذاهب باطل رواج یافته است.

برای مثال، دسته ای از این روایات به فعالیت شخصی به نام محمد بن علی کوفی ملقب به ابوسمینه بازمی گردد که چهره ای ناموجّه و منحرف است. مرحوم نجاشی از پیشوایان علم رجال درباره او می نویسد:

... مردی بسیار ضعیف و فاسدالعقیده است. در هیچ چیز نمی توان به او اعتماد کرد. پس از آنکه در کوفه به دروغ پردازی شناخته شد، وارد قم گردید و مدتی بر احمد بن محمد عیسی وارد بود و سپس به غالی بودن مشهور شد و مورد آزار قرار گرفت. احمد بن عیسی او را از قم بیرون کرد.... (۱)

تعدادی از روایاتی که ابوسمینه آن ها را نقل کرده، در کتاب غیبت نعمانی آمده که از این قرار است؛ زراره می گوید: «از امام باقر علیه السلام

ص:۸۵

۱- رجال نجاشی، ص۳۳۳.

پرسیدم آیا قائم از سیره پیامبر پیروی می کند؟» فرمود: «نه! هرگز با سیره آن حضرت رفتار نمی کند». گفتم: «چرا جانم به فدایت؟» فرمود: «رسول خدا، میان امت با منت نهادن بر اسیران و آزادکردن آنان رفتار نمود تا میان مردم الفت ایجاد کند؛ ولی قائم با کشتار رفتار می کند. در نامه ای که در دست اوست، به او امر شده که کشتار را پیشه سازد و توبه احدی را نپذیرد. وای بر کسی که با او به دشمنی برخیزد». (۱)

امام صادق علیه السلام از قول حضرت علی علیه السلام فرمود: «من حق داشتم فراری ها را بکشم و زخمی ها را از پای درآورم؛ ولی برای مصلحت اصحابم این کار را انجام ندادم؛ تا اگر زخمی شدند؛ کشته نشوند؛ ولی برای قائم روا است که فراری را بکشد و زخمی را از پای درآورد». (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر مردم می دانستند [حضرت قائم]، هنگام خروج چه رفتاری دارد، بیشتر دوست داشتند که هرگز آن روز را نمی دیدند؛ به دلیل کشتاری که انجام می دهد. او از قریش آغاز می کند. فقط شمشیر مبادله می کند، تا جایی که بسیاری از مردم گویند او از آل محمد نیست؛ اگر از آل محمد بود، رحمی بر دل داشت». (۳)

امام باقر علیه السلام فرمود: «حضرت قائم با فرمانی جدید، کتابی جدید و داوری جدید قیام می کند. پذیرفتنش بر عرب بسیار سخت است. او

۱- غیبت نعمانی، ص۲۳۲.

۲- غیبت نعمانی، ص۲۳۲.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۳۴.

کاری جز شمشیر ندارد. توبه احدی را نمی پذیرد. از نکوهش کننده ای پروا ندارد».(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن هنگام که شخصی بالای سر حضرت قائم مشغول امر و نهی است، فرمان می دهد که او را بچرخانند. پس او را به طرف پیش روی آن حضرت می آورند، و دستور می دهد او را گردن بزنند. پس دیگر کسی در شرق و غرب جهان نمی ماند، جز اینکه از او می ترسد». (۲)

در بررسی این احادیث و روایات مشابه درمی یابیم که از مجموع حدود پنجاه حدیثی که امام موعود را مرد خون و شمشیر معرفی می کند و هر یک از آنان به گونه ای عدالت و عطوفت موعود را مورد حمله قرار می دهند، بالغ بر سی حدیث، حاصل دروغ پردازی شخص محمد بن علی کوفی است که البته وضعیت اعتبار او نزد علمای رجال گذشت. علاوه بر مشکلات سندی این گونه روایات که به تنهایی برای رد آن ها کافی است، محتوای درون متنی آنان نیز قابل خدشه است. روایاتی که سیره امام را همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می کنند، (۳) روایاتی که سیره معصومان را مهربانی با مجروحان و فراریان در جنگ

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۳۴.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۴۰.

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۴۱۱؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۱.

می داند، (۱) روایاتی که شوق و شادمانی جهانیان از ظهور امام را گزارش می کنند،(۲) احادیثی که امام را پذیرنده توبه کافران و بدکاران معرفی می کند و بیانگر این هستند که از این رو هیچ طالح و کافری در زمان ایشان نمی ماند، (۳) گویای کذب مدعای چنین روایاتی به شمار می روند.

بخش دیگری از روایات مجعول، به فعالیت افرادی مجهول بازمی گردد که نام و نشان درستی از آنان میان راویان حدیث به چشم نمی آید؛ برای مثال، از احمد بن محمد ایادی به صورت مرفوعه در ضمن یک حدیث طولانی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «گروهی از بنی امیه از لشکر قائم شکست خورده به پادشاه روم پناهنده می شوند. آن ها به این شرط به آن ها پناه می دهند که به آیین مسیحیت وارد شوند، صلیب بر گردن بیفکنند، زنار به کمر ببندند، از گوشت خوک استفاده نمایند، مشروب بخورند و با آن ها ازدواج کنند ... حضرت قائم، آن ها را از چنگ مسیحیان در می آورد، مردانشان را می کشد و شکم زنان حامله شان را می شکافد و صلیب هایشان را بر فراز نیزه می زند». (۴)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۶، ص۲۲۸؛ کافی، ج۵، ص۱۲؛ نهج البلاغه شریف رضی، نامه۱۴.
۲- کمال الدین، ج۲، ص۶۵۳.
۳- احتجاج، ج۲، ص۲۹۱.
۴- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۸۹.

بیان و انتشار روایاتی از این دست که نه تنها از نظر رجالی از درجه اعتبار ساقط است، بلکه محتوای قبیح و دروغینی دارد، (۱) برخاسته از عدم توجه متولیان امر به پالایش روایات مهدویت است و زمینه بروز آسیب های فکری و ذهنی در جامعه منتظران را به وجود می آورد.

نیز احمد بن محمد ایادی به صورت مرفوعه در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «قائم به قدری می کُشد که به سوق برسد». (۲) در باره کلمه «سوق» دو احتمال داده اند؛ نخست آنکه جمع ساوق به معنای ساق پا باشد و دیگر آنکه جمع سوقه، به معنای افراد معمولی قلمداد گردد. بر این اساس اگر معنای اول را درنظر بگیریم، باید گفت امام به حدی می کشد که خون به ساق پا می رسد و اگر معنای دوم را لحاظ کنیم، معنای روایت چنین می شود که امام به قدری می کشد که نوبت به افراد عادی و غیرنظامی می رسد. بدیهی است که با وجود و انتشار چنین روایتی که علاوه بر ضعف سندی (راوی روایت، مجهول است) به کلی با سیره امام مهدی و سایر معصومان علیهم السلام در تعارض است، (۳) ذهنیت ها و شبهه های بسیاری در سطح

۱- این رویه در جنگ، در واقع مربوط به عملکرد سفیانی است که به سوی مدینه آمده، قریش را قتل عام می کند و شکم ها را می شکافد و کودکان را از دم تیغ می گذراند. ر.ک: الملاحم و الفتن، ص۵۷، ب۱۰۷.

۲- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۸۷.

۳- هدف کلی قیام موعود، اصلاح و ارشاد است، نه قتل و فساد. علاوه بر این، اوج شادمانی مردمان از ظهور موعود حاکی از نوع برخورد رحیمانه و کریمانه امام با آن هاست؛ چه اینکه مؤمنان در قبر نیز از ظهور ایشان خشنود می شوند. (کمال الدین، ج۲، ص۶۵۳).

افراد جامعه منتظر به وجود می آید و چهره واقعی امام، به کلی مخدوش می شود.

در کنـار آسـیب هایی که با توجه روایات جعلی و برداشت های انحرافی از آنان در سـطح جامعه منتظر امکان وقوع می یابنـد، ضعف و ناکارآمـدی روش هـای انتقـال پیـام و عـدم بهره گیری از ابزارهـای نوین ارتبـاطی و اطلاـع رسانی در جهت فرهنگ سازی مهـدویت می توانـد در جایگاه یک آسـیب، حیات پویای جامعه منتظر را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این رو شایسـته است متولیان امر شناخت و ترویج فرهنگ مهدوی در این زمینه نیز کوشا بوده، به نوآوری و اصلاح روش های گذشته بپردازند.

۳. آسیب های رفتاری

۱ _۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید

عصـر غیبت، آنچنـان که در روایات اشاره شـده است، سـرشار از حیرت و سـر گردانی است. دلیل عمـده این وضـعیت به عـدم ظهور امام و محرومیت شیعیان از این برکت باز می گردد؛ از این رو در نگاهی آسیب شناسانه به عصر غیبت، می بایست فصل مفصلی برای آسیب های

مرتبط با بروز هرج و مرج ها و فتنه ها و اختلافات شدید اختصاص داد.

برخی روایات معصومان به پیشگویی اوضاع عجیب و حیرت انگیزی مربوط می شود که در زمان غیبت برای جامعه منتظر و شیعیان به وجود می آید و زندگی آنان را بیش از پیش با مشکل مواجه می سازد. امام باقر علیه السلام ضمن تشبیهی، به حیرت و سرگشتگی عصر غیبت چنین اشاره می کند:

شما پیوسته در انتظار خواهید بود و آن انتظار، چنان به درازا می کشد تا آنکه مانند بُزی می شوید که در دست قصاب اسیر است و برای قصاب مهم نیست آن بز به کجا می گریزد؛ چون هیچ پناهی ندارد. شما نیز هیچ جایگاه مطمئنی که به آن پناه ببرید، ندارید و هیچ تکیه گاه و پشتیبانی نمی یابید که در کارهایتان از او یاری بجویید. (۱)

سختی آزمون غیبت و عمق فتنه هایی که در آن رقم می خورد، در روایات مورد اشاره قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در ذکری از امام موعود، از آزمونی دشوار و رخدادی غمبار خبر می دهد که در آن، اعتقاد مردمان به امام عصر علیه السلام به مخاطره می افتد؛ آن حضرت می فرماید:

آگاه باشید، به خدا سوگند! بی تردید من و این دو پسرم، حسن و حسین، کشته می شویم و خداوند حتماً مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان برمی انگیزد که انتقام خون ما را می ستاند. بی تردید او از میان مردم غایب می شود؛ برای آنکه گمراهان از صف راه یافتگان

۱- غیبت نعمانی، ص۱۹۳؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص ۱۱۰.

جدا شوند و این غیبت آن چنان به درازا می کشد که فرد نادان به این باور می رسد که می گوید خداوند[در برپایی دین و استواری آیین] هیچ حاجتی به آل محمد ندارد. (۱)

همچنین روایاتی درباره دشوار بودن نجات و سلامت از چنین وضعیتی وارد شده است و در باره اینکه ثبات بر دین و مذهب انتظار تا حد زیادی ناممکن به نظر می رسد، سخن گفته اند. امام باقر علیه السلام به شیعیان فرمود:

همانا این حدیث شما [شیعیان که به غیبت امام معتقد هستید] چنان است که دل های برخی مردم آن را برنمی تابد و ناپسند می شمارد. شما مطلبی را به آنان بگویید، هرکس پذیرفت بر او بیفزایید و هر کس نپذیرفت رهایش کنید... ناگزیر، فتنه ای خواهد بود که در آن، کسی که بر اثر شدت تیزبینی و زیرکی، مویی را هم به دو نیم می کند، می لغزد و سقوط می کند تا آنکه جز ما و شیعیان ما کسی باقی نمی ماند. (۲)

حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت، به اختلاف و چندپارگی اعتقادات و مذاهب فکری منتج می شود؛ از این رو یکی از آسیب های اصلی و اساسی جامعه منتظر، دچار شدن به اختلاف در افکار و رویارویی گروه ها برابر یک دیگر است. زراره که یکی از شیعیان راستین است، نقل می کند:

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۴۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۰۲.

امام صادق علیه السلام پس از ذکر غیبت موعود و حکمت آن فرمود:

او امامی است که در انتظار ظهور اویند. او کسی است که مردم درباره ولادتش دچار تردید می شوند. عده ای می گویند: پدرش از دنیا رفته و کسی را به جانشینی معرفی نکرده است. گروهی می گویند: او هنوز در رحم مادر است و به دنیا نیامده، برخی می گویند مهدی غایب است و دیگران گویند که اصلاً به دنیا نیامده است. عده ای گویند او دو سال قبل از فوت پدرش به دنیا آمده است. آری؛ اینان همه در انتظار اویند، جز آنکه خداوند واجب فرموده که شیعیان امتحان شوند. آزمونی که یاوه گویان دروغ زن، دچار تردید می شوند. (۱)

این وضعیت ریشه در امتحان و آزمونی دارد که سرنوشت حتمی افراد و جوامع عصر غیبت به شمار می رود. در واقع، زندگی در زمان غیبت با آزمون ها و ابتلائات بسیاری همراه است که در نتیجه، افراد نیک و بد از یک دیگر جدا شده تا منتظرانی که به راستی در مسیر صحیح انتظار قرار گرفته اند از دیگران متمایز گردند.

با این وجود، حضور در زمان غیبت و زندگی در بستر آن، با ابتلائات و آزمایش های سختی همراه بوده و این موارد همه انسان ها و جوامع و حتی شیعیان را در برمی گیرد؛ اما وجه آسیب زای این آزمون ها این است که منتظران نیز به دام آن ها افتاده، حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت به انحرافات، چند دستگی ها و تشتت و هرج و مرج منتهی شده و

۱- کمال الدین، ج۲، ص۳۴۲؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۶.

به رویارویی آن ها برابر یک دیگر بینجامد. این وضعیت نابهنجار، در بعضی روایات مطرح و در باره آن هشدار داده شده است. برخی روایات، حاکی از اختلافات شدید میان شیعیان، برائت جویی آن ها از یکدیگر، محکوم ساختن دیگران به کفر و از همه بدتر، لعن هم کیشان می باشند. (۱)

ابتلاـ به چنین آسیب هایی علاوه بر مشکلاتی که در زندگی معقول و دینی افراد و جامعه منتظر به وجود می آورد، سبب خروج از دین و دور افتادن از مسیر حقیقی حیات دینی می شود. در روایتی آمده است که سختی امتحان و گزینش در عصر غیبت، تا بدان جاست که ممکن است انسان در فاصله صبح تا شام یا شب تا بامداد، دین خود را از دست بدهد و از مسیر امر معصوم خارج شود. (۲) با این توضیح به نظر می رسد شناخت چنین وضعیتی و تلاش برای دور ماندن از آسیب های آن، امر مهمی در حیات جامعه منتظر به شمار آید؛ از این رو می باید همچون غریقی که در دریای حیرت و سرگشتگی گرفتار آمده است، به فکر نجات و سلامت بود. آن چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

در آینده، شبهه شما را فرا می گیرد؛ به گونه ای که حیران و سرگردان باقی می مانید، بی آنکه نشانه نجاتی دیده شود که راه بنمایاند و نیز امام هدایت گری باشد که هدایتتان کند. آن روزگار،

۱- غیبت نعمانی، ص۲۰۶.

۲- غیبت نعمانی، ص۲۰۷.

کسی از آن شبهه رهایی نمی یابد، جز آن کس که دعای غریق را بخواند. (۱)

۲_۳. استعجال

از آسیب های جدی دیگر که متوجه جامعه منتظر در فرهنگ مهدویت است، استعجال ظهور می باشد. استعجال از ریشه «ع ج ل» و به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت و تحقّق زمینه های لازم برای آن است. (۲) انسان های عجول به دلیل ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقّق پدیده ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسأله انتظار امام غایب، انسان و جامعه منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می کند؛ ولی هرگز عجله نمی کند. هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی دهد؛ بلکه برخلاف شوق فراوان به

۱- کمال الدین، ج۲، ص۳۵۱؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۴۹.
۲- عجل: العجل : العجله و ربما قیل]رجل[عجل و عجل، لغتان. و استعجلته، أی: حثثته و أمرته أن یعجل فی الأمر. کتاب العین، ج۱، ص۲۲۷ _ عجل: العَجَلُ و العَجَله: السرْعه خلاف البُطْء. لسان العرب، ج۱۱، ص۴۲۵ _ الاسْتِعْجال و الإِعْجال و التَّعَجُّل واحد: بمعنی الاسْتِحْثاث و طَلَبِ العَجَله. استعجلته: طلبت عجلته. (مجمع البحرین، ج۵، ص۴۱۹) .

ظهور، برابر اراده پروردگار و خواست او، کمال تسلیم را از خود نشان می دهد و برای تحقّق همه زمینه های لازم برای ظهور می کوشد و بردباری می کند.

در مقابل، ممکن است عده ای درصدد استعجال برآمده و بی توجه به اراده الهی و مصالح بزرگ تاریخی و جهانی که ظهور موعود به آن ها نظر دارد، خواستار ظهور آن حضرت باشند. نتیجه قطعی چنین رویکردی، بدون شک هلاکت و اضمحلال است. آن چنانکه در روایات اسلامی آمده است، مُتَمنّون و کسانی که در مورد امر خداوند استعجال می ورزند و برابر اراده الهی تسلیم نیستند، پیش از آنکه به مطلوب خود راه یابند و ظهور را درک کنند، هلاک می شوند. در مقابل، آن ها که اهل صبر و تسلیم بوده و به مرتبه ایمان راه یافته اند ــ هرچند گروه کمی را شامل می شوند ــ پایدار می مانند. (۱) از این رو استعجال به عنوان یکی از آسیب های جامعه منتظر، در روایات معصومین علیهم السلام مورد نکوهش و تقبیح قرار گرفته است.

در برخی روایات، از کسانی که استعجال می ورزند تحت عنوان محاضیر و کسانی که هلاک می گردند نام برده شده و از آن ها در مقابل مقرّبون و نجات یافتگان ذکری به میان آمده است. (۲) در بعضی دیگر از روایات آن ها را کنار متمنّون قرار داده، همان سرنوشت هلاکت را برای

۱- غیبت نعمانی، ص۱۹۶.

۲- غیبت نعمانی، ص۱۹۷.

آن ها پیش گویی کرده اند. امام صادق علیه السلام در پاسخ مهزم اسدی که از زمان وقوع امر ظهور پرسیده بود فرمودند:

ای مهزم! آرزوگرایان، دروغ می گویند و آنان که استعجال می ورزند هلاک می شوند و تسلیم شوندگان نجات می یابند و به سوی ما باز می گردند.(۱)

این روایت، گویای آن است که همان گونه که اصحاب و یاران معصومان نسبت به امر قیام و احیای امر اهل بیت علیهم السلام محکوم به تسلیم و دوری از استعجال و تمنی بوده اند، جامعه منتظر نیز می بایست تلاش خود را برای کناره گیری از این آسیب ها به کار گیرد.

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن دلیل است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسانِ منتظر پیدا می شود، آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می شود و از تأخیر ظهور، بی قرار می گردد. این بیماری را به دیگران نیز سرایت می دهد و گاهی به سبب استعجال ظهور، به حالتِ انکار وجود امام گرفتار می شود. گفتنی است منشأ استعجال ظهور، آن است که نمی داند ظهور از سنت های الهی است و مانند همه سنت ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه ها انجام گیرد، بنابراین برای وقوع آن عجله می کند. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه:اتی اَمْرُ

ص:۹۷

۱- غیبت نعمانی، ص۹۸.

اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ(۱)؛ «هان امرخدا رسید، پس درآن شتاب مکنید» که حاکی از سنتی الهی است، فرمود: «این همان امر موعود ماست که به استعجال در نمی آید». (۲)

منتظران حقیقی موعود با درک و شناخت اراده و تدبیر الهی آرام می گیرند و در انتظار این وعده خداوند باقی می مانند و دامن از کف نمی دهند؛ چرا که این امر برای آن ها همچون صبح روشن است. (۳) البته در ذیل آسیب استعجال، می توان به آسیب های رفتاری دیگری نیزاشاره کرد که در متون ادعیه، برای دفع آن آسیب ها، از خداوند طلب صبر شده است:

فَصَبِّرنی عَلی ذلِکَ حَتّی لا اُحبُّ تعجیل ما اَخَّرتَ وَ لا تأخیر ما عَجَّلتَ وَلا کَشفَ ما سَتَرتَ، وَلا البَحثَ عَمّاکَتَمتَ، وَلا اُنازِعَکَ فی تَدبیرِکَ، وَلا اَقوُلُ لِمَ وَکَیفَ؛(۴)

پس مرا صبر و شکیبایی ده درامرغیبت آن حضرت که دوست نداشته باشم پیش انداختن چیزی را که پس انداختی و پس انداختن چیزی را که پیش انداختی و نه آشکار ساختن آنچه را پوشاندی و نه کنجکاوی از آنچه پنهان داشتی و کشمکش نکنم با تو در تدبیرت و نگویم چرا و چگونه و برای چیست؟

۱- سوره نحل (۱۶) : آیه۱ .

۲- غیبت نعمانی، ص۱۹۸.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۰۱.

۴- مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان(عج) .

در چنین وضعیتی است که جامعه منتظر می باید بر انجام واجبات و تکالیف، استقامت کند و برابر دشمنان صبر بورزد و رابطه خود با امام موعود را بیش از پیش مستحکم نماید و به فرمان الهی که در قرآن آمده است: اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا(۱) گوش سپارد. (۲)

روایات دیگری به راه نجات از استعجال نیز اشاره کرده است. مضمون کلی این روایات، به روح انتظار و ارزش و فضیلت آن باز می گردد. امام صادق : فرمود:

کسی که در این انتظار و بر مسیر آن بمیرد، مانند کسی است که در خیمه امام منتظر بوده باشد. (۳)

این مفهوم، بیانگر آن است که وظیفه افراد و جوامعی که در عصر غیبت زندگی می کنند، انتظار ظهور و نه استعجال آن است؛ از این رو کسانی که به این فریضه عمل کنند و در انتظار به سر برند، در همین برهه به مقصود رسیده اند. این مفهوم بلند و متعالی در روایات دیگری پیگیری و ابعاد گوناگون آن معرفی شده است. امام صادق علیه السلام دربیانی دیگر می فرماید:

«آیا شما را نسبت به آنچه خداوند عملی را جز به وسیله آن از بندگان قبول نمی کند خبر ندهم؟» ابا بصیر پاسخ مثبت می دهد و

۱- سوره آل عمران (۳) : آیه ۲۰۰.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

امام می فرمایـد: «شـهادت به یگانگی خداونـد و اینکه خـدایی جز او نیست و اینکه محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم بنـده و فرسـتاده اوست و اقرار به آنچه خداوند امر کرده است و ولایت ما و برائت از دشـمنان ما و تسلیم در برابر ائمه و پرهیزگاری و کوشش و تلاش و طمأنینه و ثبات و انتظار برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ».

سپس امام فرمود:

«همانا برای ما دولتی است که خداوند آنچه بخواهد به وسیله او می آورد».

در ادامه فرمود:

«آنکه از همراهی و یـاری قـائم خشـنود می شـود؛ پس بایـد انتظـار پیشه کنـد و به پرهیزگـاری و حسن خلق روی آورد که در چنین صورتی او منتظِر است و اگر در این حـالت بمیرد و قائم پس از او قیام نمایـد، اجر اوماننـد کسـی است که قائم را درک کرده است؛ پس تلاش کنید و انتظار کشید که این گوارایتان باد». (۱)

با این دیـد وسـیع و نگاه جامع، زمینه آسـیب اسـتعجال از بین می رود و توجه به چنین وظیفه و وضـعیتی، نقش سازنـده ای در حیات پویای جامعه منتظر خواهد داشت. بنابراین آنچه می بایست مورد توجه و اهتمام و تلاش منتظران قرار گیرد، پرهیزگاری و کوشش و حسن برخورد در مسیر انتظار است تا از این طریق آسیب استعجال برطرف شود.

ص:۱۰۰

۱- غیبت نعمانی، ص۲۰۰.باب۱۱، ح۱۶.

۳ _ ۳. ظهور مدعیان دروغین

در زمینه ای که حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت امام آشکار می شود و جغرافیای فکری و فرهنگی، جوامع مسلمانان را در برمی گیرد، زمینه سوءاستفاده برخی افراد سودجو و کم اطلاع فراهم آمده تا با دعوی امامت و مهدویت، افکار و گرایش های پاک مذهبی مردم را به سوی خود جلب کنند و چند زمانی بر مسیر اهداف و مطامع خود پیش روند؛ از این رو شاید بتوان آسیب عمده دیگر جامعه منتظر را گرفتاری در دام مدعیان دروغین مهدویت دانست.

تاریخ اسلام نشانگر آن است که افراد بسیاری به دلیل دستیابی به قدرت و یا به دلیل هدف شخصی خاصی از عنوان مقدس مهدی موعود: سوء استفاده کرده اند. این سوء استفاده از همان قرن اول هجرت آغاز شد و در دوره خلافت عباسیان _ از سال ۱۳۲ هجری قمری به بعد _ به اوج خود رسید. البته این موضوع نه تنها به اصل مطلب و قیام با شکوه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسیبی نمی رساند؛ بلکه بیانگر اصالت و واقعیت و ریشه داری آن در سنت و آموزه های اسلامی است.

از آنجا که مسأله مهدی موعود و قیام و انقلاب جهانی او، و اینکه او پس از ظهور، سراسر جهان را که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می کند، مکرّر از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام و همه امامان: ذکر شده و از امور قطعی انکار ناپذیر است. از همان قرن اول هجری، سوء استفاده از این نام و ادعای دروغین مهدویت آغاز شد و عدّه ای خود را همان مهدی موعود دانسته یا آنکه جمعیتی به مهدی موعود بودن

شخصی _ با اینکه آن شخص چنین ادّعایی نداشت _ اعتقاد یافتند.

جدای از برخی نهضت های جهان اسلام که جنبه حق طلبی داشته و ربطی به مسأله آسیب های اجتماعی سیاسی ندارد _ مانند زید بن علی بن حسین علیه السلام که خود ادعایی نداشت اما پیروان او وی را منجی موعود خواندند وپیروان مختار بن ابن ابی عبیده ثقفی هم وی را منجی خواندند و همینطور، مهدویت را به محمد بن حنفیه نسبت دادند و مختار را نایب او معرفی کردند _ نوعی از نهضت ها با نام مهدویت پدید آمده اند. از مهم ترین آن ها می توان به نهضت های محمد نفس زکیه، مهدی عباسی (عباسیان)، عبدالله بن میمون، عبیدالله المهدی (فاطمیون)، حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی، ابودلف کاتب، محمد بن احمد بغدادی، محمد بن عبدالله تومرت (موحدون)، شیخ شرف الدین (قیام مردم فارس)، سیدمحمد مشعشع (قیام خوزستان)، محمد مهدی سنوسی، محمد احمد سودانی، (مهدیون سودان، محمد بن احمد بن عبدالله سودانی). غلام احمد قادیانی (قادیانیه، احمدیه)، سیدعلی شیرازی (بابیت)، میرزا حسینعلی بهاء (بهایی گری)، مهدی کُرد و محمد بن عبدالله قحطانی (عربستان) اشاره کرد.

شمار دقیق مدعیان مهدویت مشخص نیست؛ اما هریک از این نهضت ها و تحرکات، دارای عوامل و انگیزه های متفاوتی بوده اند. بعضی به انگیزه ریاست طلبی و مقام شکل گرفته و بعضی دیگر به طمع منافع

ص:۱۰۲

مـالی شـیعه به وجود آمـده و گروهی دیگر به تحریـک اسـتعمار گران و دسـیسه های سیاسـی امکان وجود یافته انـد. در طرف مقابل زمینه های پذیرش این دعاوی از سوی مردم به وجود عوامل مختلفی باز می گردد.

وضـعیت سـخت اقتصادی و سیاسـی که در تلاطم انتقال قـدرت به وجود می آیـد، به عاملی تبـدیل می شود که زمینه پذیرش هر گونه ادعـای نجـات که بـا کمـترین آینـده نگری و عقلانـیت از سوی افراد مختلف ارائه شود را به وجود می آورد. از سوی دیگر، طرفـداران یـا تحریـک کننـدگان این افراد برای آن ها روایاتی نیز جعل کرده انـد تا در نظر مردم، عمل آن ها را مطابق روایات بنمایند یا کارهایی انجام داده اند که با روایات رسـیده درباره موعود اسـلام مطابقت کند. کوته فکری و عدم بصـیرت کافی به دین و آموزه های مأثور از معصومان علیهم السـلام نیز عامل دیگری در به ثمر رسیدن این تحرکات محسوب می شود که اگر با سـکوت انـدیشه ورزان و علمای آگاه به زمان توأم گردد، آسـیب های جبران ناپذیری را به جوامع اسـلامی و منتظر (در عصـر غیبت) و اساساً به اندیشه انتظار وارد می سازد. نخستین گروه از روایات اسـلامی مربوط به جانشـینان پیامبر و امامان معصوم درباره رهبری و امامت جامعه، به روایاتی مربوط می شود که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است و در آن ها تعـداد جانشـینان ایشان دوازده نفر_ به تعـداد نقبای بنی اسـرائیل _ ذکر شده است. این دسـته از روایات که از طرق عامه و از قول کسانی

همچون عبد الله بن مسعود، (۱) أنس بن مالك، (۲) جابر بن سمره السوائی، (۳) أبو جحیفه(۴) عبد الله بن عمرو بن العاص(۵) و ... نقل شده است، راه طغیان و ادعا را بر افراد و جریان های مدعی خلافت و امامت می بندد؛ اگر چه متأسفانه واقعیت های تاریخی جوامع اسلامی چیزی جز این بود و به این بیانات رسول خدا بی توجهی شد. کارکرد این گونه روایات تنها به محکومیت جریان های غیرشیعی مربوط نمی شود؛ بلکه برابر فرقه ها و گروه هایی که خود را شیعه نامیده و به امامانی جز اهل بیت علیهم السلام قائل شده اند راهگشا به نظر می رسد.

دسته دیگری از روایات، هرگونه ادعای دروغین مربوط به امامت را محکوم کرده و بنا به مستندات قرآنی، مجازات سختی برای این امر در نظر گرفته اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه شصت از سوره زمر آمده است که:

مقصود از این افراد دروغ گو، کسی است که گمان برده امام است و حال آنکه چنین نیست. (۶)

نیز در روایت دیگری از ایشان چنین آمده است که:

۱- غیبت نعمانی، ص۱۱۷.
۲- غیبت نعمانی، ص۱۱۹.
۳- غیبت نعمانی، ص۱۲۲.
۴- غیبت نعمانی، ص۱۲۶.
۵- غیبت نعمانی، ص۱۲۷.
۶- غیبت نعمانی، ص۱۱۲.

در روز قیامت، خداوند به سه گروه نظر نمی کند و برای آن ها عذاب دردناکی در نظر گرفته شده است؛ کسی که گمان برد امام است و امام نباشد، کسی که معتقد به امام حقی نباشد و حال آنکه در واقع او امام باشد و دیگر آن کسی که گمان برد برای این دو مدعی نخست نصیبی از اسلام وجود دارد. (۱)

جالب آنکه این مسأله، علویان، فاطمیان و فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز در بر می گیرد و درباره آن، سخت گیری شده است. (۲) چنین روایاتی برابر کسانی که در عصر معصومان ادعای امامت می کردند، صادر شده و در ادامه به وضعیت کسانی که تنها به برخی امامان حق، ایمان آورده و امامان بعدی را تصدیق ننمایند، اشاره شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که اعتقاد به تعدادی از امامان و جحد ورزیدن به دیگر امامان حق و اوصیای الهی به مانند اقرار به نبوت یکی از پیامبران و انکار نبوت دیگر پیامبران است. (۳)

بخش دیگری از روایات که به زمان غیبت مربوط می شوند، ظهور هرگونه ادعا مبنی بر امامت و مهدویت را غیرمشروع خوانده و صاحبان این حرکت ها را مشرک یا کافر نامیده است.

۱- در روایت مشابهی قطعیت این حکم تقویت شده است و آمده که روز قیامت، خداوند با این گروه ها سخن نگفته و آنان را تزکیه نمی کند. (غیبت نعمانی، ص۱۱۳).
۲- غیبت نعمانی، ص۱۱۳و۱۱۵.
۳- غیبت نعمانی، ص۱۱۳.

امام باقر علیه السلام صاحب هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود را طاغوت خوانده است. (۱) پیش تر گذشت که این روایـات، به حرکت هـای سازنـده زمینه ساز ظهور امام مربوط نمی شود(۲) و به مـدعیان امامت و مهـدویت اشاره کرده است. (۳)

در نهایت آنچه به جریان نیابت امام در عصر غیبت نیز خاتمه می دهد، توقیع شـریفی است که امام عصـر علیه السلام در پایان عصـر غیبت صغرا به آخرین نائب خود ارسال داشته اند. در ضمن این توقیع که خبر از آغاز غیبت طولانی مدت امام می دهد، امام می فرماید:

کسانی از پیروان ما خواهنـد آمد که مدعی مشاهده می شوند، آگاه باشـید که هر کس پیش از خروج سـفیانی و وقوع صـیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغگو و افترا زننده است. (۴)

در جای خود نیز اشاره شده که مشاهده در این روایت، به معنای نیابت و وساطت است نه صرف دیدار. (۵) با این بیان روشن، آسیب مربوط به ظهور مـدعیان دروغین مهـدویت و امـامت، زمینه شـیوع نمی یابـد و بـدین ترتیب افراد و جامعه منتظر وظیفه دارند، مدّعیان ارتباط و نیابت

۱- غیبت نعمانی، ص۱۱۵.

۲- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۸۸.

۳- این روایـات در ابوابی که به مـدعیان امامت مربوط می شود آمـده است و در میان روایاتی از جمله این حـدیث واقع شـده اند. (غیبت نعمانی، ص۱۱۵).

۴- غیبت طوسی، ص۳۹۶.

۵- ر.ک: فصلنامه انتظار، شماره سوم، ص۳۳و۳۴.

خاص را تکذیب کرده، راه نفوذ و سودجوئی این فرصت طلبان و دنیا خواهان را ببندند.

بـا این وجود، دروغگویـان بسـیاری در زمـان غیبت ادعـای نیـابت کرده و بعضـی از آن ها نیز پا را فراتر نهاده و پس از ادّعای نیـابت، مـدّعی مهـدویت شـده انـد و در پی این ادّعای باطل، مکتب و فرقه ای انحرافی را بنیان نهاده، و زمینه انحراف اعتقادی عدّه بسـیاری را فراهم کرده اند. با مطالعه تاریخچه این گروه ها روشن می شود بسیاری از آن ها با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده اند.

روشن است که شکل گیری فرقه ها و گروه های منحرف و پیوستن و اعتماد کردن افراد به مدّعیان مهدویت یا نیابت، در جهل و نادانی آن ها ریشه دارد و شوق فراوان به دیـدار امام بـدون معرفت و آگاهی کافی به آن حضـرت و غفلت از وجود شـیادان در این عرصه، زمینه ساز ارتباط با مدّعیان دروغین می شود.

نیز در روایـات دیگری راه هـای نجـات از آسـیب ادعای دروغین، چه برای اشـخاص مـدعی و چه برای تشـخیص آنان توسـط مردم، ارائه شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

کسـی که خروج کند و مردمان را دعوت کند؛ در حالی که در میان آن ها فردی با فضـیلت تر و بهتر از او وجود داشـته باشد، آن فرد

گمراه و بدعت گذار است و کسی که ادعای امامت از جانب خدا داشته باشد و این مقام را نداشته باشد، کافر است. (۱)

این ملاـک که در روایت اخیر ذکر شـد، بـاعث می شود زمینه برای ادعـای نیـابت و امامت توسط افراد از بین رفته و ایشان در مقـایسه خود بـا دیگران، دست از این حرکت انحرافی بردارنـد. همچنین مردمـان و جامعه منتظر نیز می تواننـد با اسـتناد به این روایت از پـذیرش ادعـای شخصـی که افراد بهـتر از او وجـود دارنـد، خودداری کننـد. همچنین راه دیگر به دور مانـدن از این آسـیب، آزمودن فرد مدعی است. چه اینکه فرموده اند برابر کسی که ادعای این امر را دارد، می بایست به برهان روی آورد و در باره علم به حلال و حرام الهی او را آزمود. (۲)

۴ _۳. ملاقات گرایی

دربـاره امکـان و مطلوبیت دیـدار با امام موعود در زمان غیبت کبرا، دو گرایش افراطی و تفریطی وجود دارد که هردو نگاه ــ چه از جهت اعتقـادی و چه از جهت آثـار عملی ــ به بروز مجمـوعه ای از آسـیب هـا می انجامـد. گرایش افراطی بر این بـاور است که دیدار امام، شـرط لازم ارتباط با حضرت در زمان غیبت می باشد و برای بهره وری از ایشان مهم ترین پایه و اساس به شمار می رود؛ بنابراین همه کمالات دیگر به

۱- غیبت نعمانی، ص۱۱۴.

۲- غیبت نعمانی، ص۱۱۴.

نوعی فرع و شاخه این امر تلقی می شود و منتظران ظهور هم بیش از هر چیز به این امر تشویق و ترغیب گردند.

در این گرایش، ملاقات با امام غایب علیه السلام امر بسیار رایج و عادی و برای هرکس در هر شرایطی ممکن و آسان دانسته می شود. معتقدان به این گرایش تصور می کنند با شیوع این طرز تفکر، علاقه و محبت عموم مردم به وجود مقدس امام زمان علیه السلام روز به روز بیشتر می شود. اگر انسان ها رسیدن به وصال محبوب را سخت و استثنایی بدانند، آن وقت امید زیادی به آن نمی بندند و همین مسأله باعث دلسردی و فروکش کردن شعله محبت امام در دل های آنان می شود؛ از این رو با نیت خیر و به قصد محبوب کردن بیشتر آن حضرت، باید باب امکان ملاقات با ایشان را بسیار گسترده و سهل دانست تا شوق لقاء امام همگانی شود. این رویکرد تا آنجا پیش می رود که گاهی برخی از مروجان این دیدگاه به این اعتقاد می رسند که اگر کسی با این نیت مقدس، ماجرایی هرچند ساختگی و دروغ درباره ملاقات با امام عصر علیه السلام برای مردم نقل کند، کار اشتباهی نکرده؛ بلکه به دلیل ایجاد شوق و محبت حضرت در دل های ایشان، مستحق حق شناسی و سپاس گزاری نیز می باشد!

در برابر این تفکر افراطی، بینش دیگری وجود دارد که در باره گرایش به دیدار امام عصر علیه السلام دچار تفریط شده اند. اعتراض این گروه به معتقدان افراطی ملاقات گرایی این است که با سهل انگاشتن دیدار امام در زمان غیبت، مهدویت و اعتقاد به امام به سطحی نازل سقوط می کند و از اهمیت و ارزش آن کاسته می شود. همچنین زمینه بروز مدعیان

دروغین در مسیر ملاقات گرایی به وجود می آید که این خود به مشکلات و آسیب های دیگری منجر خواهد شد.

در بررسی روایی این موضوع چنین به نظر می رسد که نقطه کانونی این مسأله پیرامون آخرین توقیع امام عصر علیه السلام در زمان غیبت صغرا و عبارت مشهوری که در آن نامه آمده، شکل گرفته است. آن گونه که پیش تر گذشت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ضمن بیان فرا رسیدن غیبت تام، ادعای هرگونه مشاهده توسط افراد را کذب و افترا خوانده اند: «ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذّاب مفتر»(۱).

درباره معنای مشاهده در این توقیع، وجوه گوناگونی ذکر شده است؛(۲) اما به نظر می رسد مقصود کلی از این عبارت، تکذیب کسی است که با ادعایی از جمله ادعای نیابت از جانب امام همراه باشد. بنا به عرف زمان غیبت صغرا، مشاهده توسط کسی صورت می گرفت که نایب امام باشد و این نخستین معنایی است که در این باره به ذهن متبادر می شود. (۳)

در مقابل مشاهده منفی که مورد تکذیب واقع می گردد، آن است که

۱- ر.ک: غیبت طوسی، ص۳۹۶.

۲- ر.ک: عبقری الحسان، ج۲؛ یاقوت الاحمر، ص۲۰۵-۲۰۸.

۳- الاصل عند ما تطلق المشاهده؛ یعنی با نیابت. عند ما تطلق المشاهده فی الغیبه الصغری یعنی معها النیابه. ر.ک: فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، سال اول، شماره دوم، گفتگو با استاد شیخ علی کورانی.

همراه با ادعای ارتباط با امام و نیابت از جانب ایشان همراه شود که در چنین صورتی می باید شخص مدعی مشاهده و نیابت را تکذیب کرد. وجه دیگر این عبارت متضمن آن است که مشاهده اختیاری و اینکه فرد در هر زمان که بخواهد بتواند به دیدار امام نائل شود، امکان ندارد. امام علیه السلام هر گاه که خود صلاح بداند می تواند به دیدار افراد بیاید. چه در زمان غیبت صغرا نیز مشاهداتی نقل شده که وجهی تنبیهی و توبیخی داشته است. از این رو چه بسا کسی واقعاً به دیدار امام برسد؛ اما از آن سوء استفاده کرده و بر اساس آن ادعای نیابت و ارتباط با امام داشته باشد.

تشرفاتی که در کتاب های عالمان شیعه از جمله جنهالمأوی و مکیال المکارم ذکر شده است، مربوط به کسانی است که در نهایت تقوا و علم قرار داشته و امکان دروغ گویی آنان بسیار بعید به نظر می رسد. دیگر آنکه هیچ یک از این بزرگواران ادعای نیابت خاص و ارتباط همیشگی با امام عصر نداشته و برابر انتشار این خبر نیز حساس بوده اند تا آنجا که از برخی نزدیکان خود قول گرفته اند که تا زمانی که زنده ام موضوع ملاقات با امام را فاش نکنند.

حاصل آنکه درباره امکان دیدار امام در زمان غیبت می بایست طریق اعتدال را پیش گرفت؛ نه هر گونه ملاقات با امام را منکر شد و راه دیدار با ایشان را به کلی مسدود دانست و نه ادعای کسی که دعوی ارتباط و سفارت و نیابت امام را دارد پذیرفت. هر یک از این دو نگرش، آسیب های خاص خود را دارا بوده و به افراط و تفریطی جاهلانه و غیرعلمی می انجامد.

درباره مطلوبیت دیدار با امام موعود در زمان غیبت نیز می بایست از آسیب های ناشی از افراط و تفریط دوری کرد. تقاضای دیدار امام و دعا برای تحقق این امر، موضوع مستحب و مطلوبی است که منتظران در اوج آرزوها و حوائج خود می توانند به آن توجه کنند. با این وجود، به کنار گذاردن جریان عادی زندگی و به طور تصنعی در پی ملاقات با امام بودن و از زیر بار وظایف شانه خالی کردن، امر نامطلوب و آسیب زایی است که با روح آموزه انتظار و غیبت در تضاد است. غیبت، با محرومیت و وضعیت سخت و دشوار همراه است؛ اما ناشی از تدبیر و اراده خداوند بوده و اصل بر این است که این مرحله از حیات تاریخی بشر و هدایت الهی در این مرحله از مسیر غیبت واقع شود.

بنابراین باید در برابر تدبیر خداوند تسلیم بود و در این تسلیم به انجام وظایف و تکالیف عصر غیبت که مهم ترین آن ها کسب معرفت به امام غایب است، پرداخت. در مقام جمع بندی، بیان مرحوم نعمانی درباره عدم لزوم فحص و جست و جویی که به انکار غیبت می انجامد و عموماً توسط جاهلان صورت می گیرد جالب به نظر می رسد، که به طور ضمنی موضوع ملاقات گرایی را هم رد می کند.(۱)

۵_۳. بروز کسالت، سستی و بی حالی

ادعیه و زیاراتی که از ناحیه مقدس معصومان علیهم السلام رسیده و در کتب

ص:۱۱۲

۱- غیبت نعمانی، پایان فصل ۲.

علمی و دینی علما و دانشـمندان شـیعه ضبط شده است، گنجینه ای از معارف و آموزه های دینی به شمار می رود که می توان بخش مهمی از آسیب های فکری و رفتاری افراد و جوامع و راه های درمان آن ها را در این گنجینه جست و جو کرد. دعاها و زیـارت هـایی که دربـاره امـام موعود صـادر شـده یـا توسـط آن امـام انشـاء شـده انـد ــ ضـمن آنکه روح کلی تعالیم دینی و اعتقادات بنیادین اسـلامی را در بر گرفته و منتقل می کنند ــ به واقعیات عصـر غیبت و مشـکلات آن پرداخته و راه نجاتی برای خوانندگان خود فراهم می آورند. از جمله دعاهایی که از ناحیه مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده و در حقیقت دعاهای ایشان درباره جامعه منتظر را در بر می گیرد، دعای معروفی است که با عبارت: «اللّهم ارزقنا توفیق الطاعه» آغاز می شود.

در این دعای شـریف که در متون روایی و ادعیه روایت شده است، (۱) به آسیب های محتملی که افراد جامعه بدان ها گرفتار می آینـد و به راه های درمان آن ها اشاره شده که علاوه بر طلب اجابت درمان آن ها توسط خداوند، امکان بهره مندی علمی از آن نیز مهیا می باشد.

امـام منتظَر در ضـمن عبـارات این دعـا، آسـیب هـای دوری از اطـاعت، عـدم خلوص نیت، عـدم آگـاهی به محـارم الهی و بی توجهی به آموزه های دینی، دوری از صبر و اسـتقامت، فاصـله گرفتن از سخنان خیر و حکمت انگیز، خالی شدن قلوب از علم و معرفت، پرشدن شکم ها و

۱- مصباح کفعمی، ص ۲۸۱؛ بلدالأمین، ص ۳۵۰.

سفره هـا از مال حرام و شـبهه ناک، گرفتاری در دام ظلم و سـرقت، چشم پوشـی نکردن از زشتی ها و ارتکاب خیانت و رواج سخنـان بیهوده و غیبت را برای جامعه منتظر معرفی می کنـد و از خداونـد توفیق اطاعت، اخلاص و صـداقت در نیت، شـناخت محرمات و طلب هدایت، بهره مندی از حکمت، علم و معرفت را طلب می کند. این موارد که در صدر این دعا قرار گرفته اند، بیانگر آسیب های رفتاری کلی در رابطه با جامعه منتظر است که لزوم تلاش برای کناره گیری از آن ها و درمان آن ها بدیهی به نظر می رسد.

در ادامه دعـا، امـام منتظر همچون رهبری آگاه و دلسوز به ترسـیم وضـعیت و وظیفه هر یک از اقشار جامعه منتظر پرداخته و با این رویکرد ضـمن اشـاره به آسیب های ممکن، از خداونـد جبران و درمان این آسـیب ها را طلب می کنـد. امام برای علما و دانشـمندان زهـد و نصـیحت، برای دانش آموزان تلاش و رغبت، برای شـنوندگان پیروی و گوش سـپردن و پنـدگرفتن، برای بیمـاران مسـلمان شـفا و راحتی و برای اموات ایشـان رأفت و رحمت، برای پیران و سالخوردگـان وقار و آرامش، برای جوانان توبه و بازگشت به مسـیر هـدایت، برای زنان حیاء و عفت، برای ثروتمنـدان تواضع و وسـعت، برای تهی دسـتان صبر و قناعت، برای رزمنـدگان پیروزی و نصـرت، برای اسـیران رهایی و آزادی، برای امیران و حاکمان عدل و شـفقت، برای مردم انصاف و خوش اخلاقی و برای حاجیان جامعه منتظر بار و توشه کافی و آرزوی توفیق در انجام واجبات را می پسـندد و از خداونـد می خواهد.

ص:۱۱۴

از این رو می توان به بررسی گسترده و آسیب شناسانه ای رسید که بر اساس این فقرات شکل گرفته و تمام اقشار جامعه منتظر را در بر می گیرد. چه سستی و کوتاهی در انجام هر یک از این وظایف به بروز آسیب در جامعه منتظر می انجامد؛ از این رو بخش مهمی از آسیب های رفتاری آموزه انتظار به عدم انجام وظایف و تکالیف مربوط می شود.

همچنین در دعای دیگری که توسط امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به آن امر شده است، (۱) پس از ذکر کلیات مهمی درباره امام منتظر و مروری بر آرمان ها و اهداف قیام و انقلاب آن امام، به وظایف و تکالیف منتظران اشاره شده و نسبت به برخی آسیب های رفتاری جامعه منتظر نکاتی آمده است. در فقراتی از این دعای شریف از زبان منتظران امام، اینچنین از خداوند درخواست می شود:

خدایا! به دست امام موعود، ما را به راه راست هدایت کن و به مسیر عظیم الشأن و طریقت عدل و صحیحی که هر غالی (بلندپرواز و متجاوز از حدود حقیقی امامت) و هر تالی (کوته نگر و تفریط گر در امر امامت) باید به آن بازگردند، راهبری فرما. ما را بر اطاعت آن حضرت قوت و موفقیت عطا فرما و بر پیروی از ایشان ثابت قدم بدار و بر نعمت متابعت از او بر ما منت گذار. ما را از سپاهیان آن حضرت که به فرمانش قیام کنند و با او شکیبا و صابر باشند و در یاری و مدد رسانی به ایشان خشنودی و رضای تو را

۱- جمال الأسبوع، ص۵۰۷.

طلب می کنند قرار ده؛ تا آنکه روز قیامت در صف یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت ایشان محشور شویم.

پروردگارا! امر ما را خالص از هرگونه شک و شبهه و ریاء و دورنگی قرار ده تا غیر از او بر کسی اعتماد نکنیم و تو را جز از راه او نجوییم؛ تا آنکه ما را به مقام او وارد کنی و در بهشت رضوان با او در جوار آن بزرگوار قرار دهی.

خداوندا! ما از خستگی و بی میلی و کسالت در کار دین و سستی در طاعت به تو پناه می بریم. ما را از کسانی که برای احیای دین خود از او نصرت خواهی و با یاری حجتت عزیز می داری قرار بده و ما را به غیر از ما مبدل مگردان که البته این تبدیل برای تو آسان است؛ اما برای ما بسیار گران می نماید.

مفاهیم و مضامین بلند و عمیق این دعای شریف ابواب مفصلی از مسایل مهم و ضروری در استمرار و پویای حیات جامعه منتظر می گشایند و به آسیب ها و پیامدهای بدی که ممکن است منتظران بدان ها گرفتار آیند اشاره می کنند. خطر انحراف از صراط مستقیم امامت و گرفتاری در دام افراط و تفریط در حق معصومان، خطر لغزیدن از مسیر اطاعت امام و از دست دادن ثبات انتظار، خطر برکناری از یاری عملی امام، خطر بروز شک و شبهه و از آن مهم تر ریاورزی و سالوس گری در رابطه با امام و انتظار او که باعث انحراف از اعتقاد انحصار هدایت در ایشان می شود، بروز خستگی و کسالت و جدایی (السامه، الکسل و الفتره) و در نهایت خطر بزرگ استبدال و ترک رسالت تاریخی از جمله خطرات و آسیب های مهمی به شمار می روند که در

این متن مقـدس به آن اشـاره شـده است. لزوم تلاـش برای کـاهش و رفع آنان وظیفه اصـلی افراد و جوامع منتظر محسوب می شود.

۶_۳. نمادگرایی افراطی

نمـاد، آن چیزی است که در پسِ خـود چیز دیگری نشـان دهـد. «چیزی که جـای چیز دیگری را می گیرد و بر آن دلاـلت می کند».(۱)

چنان که امیرالمؤمنین علیه السـلام می فرماید: «ما لِلّه آیه اکبر منّی؛(۲) برای خـدا آیه و نشانه ای بزرگ تر از من نیست». یعنی با نگاه به حضرت و رفتار او می توان به خدا رسید و خدا را در وجود حضرت یافت. بنابر برخی روایات فرموده اند: «با افرادی دوست شوید که دیدن آن ها شما را به یاد خدا اندازد».

بنابر این روایات، انسان های مؤمن، نماد و نشانهٔ خدا هسـتند. (۳) در عصـر ما مسجد مقدس جمکران نمادی دینی و مذهبی و مربوط به مـذهب است و در پس خود انسـان را به معنویت و عـالم مـاوراء طـبیعت ره می نمایـد؛ چون نـام مسـجد آشـکارا بر بندگی در برابر خدا اشاره دارد و از سویی نام آن مکان به نام صاحب الزمان علیه السـلام است؛ لذا بسیاری از افراد و مشتاقان، به عشق حضرت عازم آن مکان مقدس می شوند.

اما آسیب، آن گاه خود را نشان می دهد که جنبهٔ نمادین آن بر

ص:۱۱۷

۱- کنش اجتماعی، ص ۹۵.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳- بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۴۷.

سیمای حقیقی اش چیرگی یابد و واقعیتی که در پسِ آن، وجود دارد از دید فرد پنهان بماند. آن مکان مقدس در ورای خود باید خدا و بندگی او، شناخت حجت وی و سرانجام نزدیکی به وجود مقدس آن حجت را نشان دهد؛ چنان که اصل هدف از دستور آن حضرت برای تأسیس آن مکان نیز همین بوده است. در فرمان حضرت به حسن بن مثله جمکرانی برای تأسیس مکان مزبور نیز به همین موضوع اشاره شده است:

به مردم بگو تا به این مکان روی بیاورند و آن را عزیز و گرامی بدارند و در آن چهار رکعت نماز به جای آورند...هر کس این نماز را بخواند، مانند آن کسی است که در کعبه نماز خوانده باشد. (۱)

نمونه هایی از نمادگرایی افراطی در امر مهدویت عبارتند از:

۱. اصل شدن مکان مقدس وغافل شدن از دلیل اصلی تقدس آن ها؛ یعنی بدون توجه به اینکه مکان، فقط می تواند زمینه رسیدن به رشد فکری و معنوی و رفتاری باشد. اگر این زیاده روی در نمادگرایی فزونی یابد، گاه تا آنجا پیش می رود که مکان های دیگر نیز به عنوان جمکران ثانی شمرده می شود؛ هم چنان که در برخی مکان های ایران این اتفاق افتاده است.

۲. اصل شدن زمانی خاص مثل حضور در شب چهارشنبه در مسجد جمکران، اگرچه در میان مومنان رایج شده است، ولی هیچ وجه علمی ندارد.

ص:۱۱۸

۱- نجم الثاقب، ص۳۸۵.

۳. یکی از آفات این است که شخص بعد از توجه به نماد، دیگر وظیفه ای در وجود خود احساس نکند و همین را برای خود غنیمت شمارد، و به همان راضی باشد؛ به طوری که آن قدر جذب نماد شود که از محتوا غافل بشود.

۷_۳. ارتباط گسسته و مقطعی

از جمله آسیب های اجتماعی در گرایش به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رابطهٔ موقت و گسسته با حضرت است؛ اعم از ارتباط مقطعی در زمان خاص، مثل روز جمعه یا شب چهارشنبه یا روز و شب نیمه شعبان، یا ارتباط در مکان های خاص، مثل مسجد مقدس جمکران، مهدیه، مسجد سهله، محل برگزاری دعای ندبه و....

بنابر روایات، این گرایش باید پیوسته باشد و در همهٔ عرصه های زندگی حضور داشته باشد، لذا بنابر روایت: «انتظروا الفرج صباحاً و مساءاً؛ (۱) هر صبح و شام منتظر فرج باشید» و روایاتی که به انتظار سفارش کرده اند، قید زمانی و مکانی نداشته، شامل تمام زمان ها و مکان ها می شوند.

حضور در جمکران، مهدیه، دعای ندبه، خواندن دعای فرج وسلامتی حضرت و... از مصادیق انتظار است، نه تمام آن. همچنین است سفارش به پیگیری و خواندن برخی دعاها درعصر غیبت، مثل

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کمال الدین، ص ۳۳۹.

«دعای اللهم عرفنی نفسک...». (۱)

در رفتار برخی از منتظران و مهدی یاوران، گرایش به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همین تظاهرات بیرونی خلاصه شده است نه اینکه مهدی گرایی پیاپی در سطح رفتارهای آنان، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، جاری باشد.

۸ _۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی)

رفع نیازهای یک دیگر، از اهداف زندگی اجتماعی و برقراری روابط میان انسان ها است. جامعه شناسان، همبستگی و انسجام اجتماعی را برای پایایی و پوپایی سازمان اجتماعی، ضرورتی انکار ناپذیر دانسته اند. (۲)

برخی جامعه شناسان جامعه را چنین تعریف کرده اند: «عده ای از افراد که برای ارضای نیازهایشان با هم روابط اجتماعی دارند». (۳)

در همهٔ انسان ها نیازهایی وجود دارد که به تنهایی نمی توانند آن ها را برآورده سازند. هرچه وابستگی بین عده ای بیشتر و روابط شدیدتر باشد، افراد احساس نزدیکی بیشتری به هم می کنند و انتظار رفع نیازها نیز بیشتر می شود. (۴)

مذهب و آموزه های دینی، از عواملی است که روابط اجتماعی را

۱- غیبت نعمانی، ص۱۶۶؛ مصباح المتهجد، ص۴۱۱؛ کافی، ج۱، ص۳۳۷.

۲- آفتاب ولایت، ص۲۸.

۳- آناتومی جامعه، ص۳۵.

۴- آناتومی جامعه، ص ۷۸.

فزونی می بخشد؛ از این رو دین اسلام بحث حقوق متقابل برادران دینی را مطرح کرده، بسیار بر آن تأکید می نماید. چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ به درخواست شخصی که اصرار بر بیان حقوق برادران دینی را داشت فرمود: «می ترسم بگویم و تو نتوانی انجام بدهی». آن گاه راحت ترین حق را این چنین بیان می کند:

هر آنچه بر خود می پسندی، بر او هم بپسند و هرچه بر خود نمی پسندی، بر او هم مپسند. (۱)

این روایت و امثال آن، هشدار مهم به آسیب تشتّت و افتراق میان مؤمنان به خصوص منتظران است؛ زیرا انتظار برای رفع نیازهای متقابل نیز شدید است؛ بنابراین مهدی باوران که در اعتقاد و باور به حضرت اشتراک دارند و در ابراز این علاقه به حضرت و نمود ظاهری آن نیز مشترک شده اند، باید در رفع نیازهای یکدیگر بیشتر کوشا باشند. روایات نیز به این نکته اشاره دارد:

هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. (۲)

اما متأسفانه روابط اجتماعی مهدی یاوران و منتظران که باید براساس اندیشهٔ مهدوی، نزدیک و صمیمی باشد، حتی در اماکن مقدس مثل مسجد جمکران آن گونه نیست که انتظار می رود و این خود آسیب

ص:۱۲۱

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۵۶۳.
۲- مکیال المکارم، ج۲، وظایف منتظران.

جدی است. نمونه آن نزاع های لفظی میان برخی زائران، آن هم به دلیل مسایلی چون محل نشستن، مکان پارک ماشین و غیره است.

روایات اسلامی در گرایش خود از عصر پیش از ظهور، به وجود گسست اجتماعی در میان افراد و گروه های اجتماعی اذعان می کند. بنابر روایات، مردم و اجتماعات پیش از ظهور در آتش تفرقه و جدایی خواهند سوخت و بشر یک دل و یک سو نخواهد بود. همواره بیشتر جامعه در اندیشه و عمل با یک دیگر در تضاد، تنش و ناسازگاری خواهند بود؛ به عبارت صریح تر باید گفت، جامعهٔ پیش از ظهور، جامعهٔ هم بسته و منسجم و هم گرا نیست. در ظاهر، استوار و آراسته اند و به حیات خود ادامه می دهند؛ اما در باطن و زیربنای جامعه، از هم پاشیده و متزلزل هستند. نوع مردم در جوامع پیش از ظهور به جای هم یاری و هم فکری، به کوبیدن یکدیگر مشغول می شده، به نابودی هم دیگر کمر همت می بندند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف جامعهٔ گسل خورده و از هم گسیخته پیش از ظهور می فرماید:

ووا اسفی من فَعلات شیعتی من بعد قُرب مودّتها الیوم کیف یَستذلُّ بعدی بعضها بعضاً و کیف یقتل بعضها بعضاً... کل حزبٍ منهم آخذ منه بِغُصنٍ اینما مال الغُصن مال معه؛(۱)

ای افسوس از رفتار شیعیان ما. پس از امروز که این گونه به هم دوستی نزدیک دارند. چگونه پس از من برخی از آنان، برخی دیگر

۱- بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۲۲.

را خوار سازند و بعضی برخی دیگر را می کشند. هر دسته و گروه از آنان به شاخه ای درمی آویزند و به هر سوی که شاخه بچرخد، آنان نیز می چرخند.

در برخی روایات، از امام حسین علیه السلام چنین آمده است:

لا یکون الامر الذی تنتظرونه حتی یَبرَأ بعضُکُم من بعض و یَتفُل بعضُکم فی وجوه بعض و یَشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یَلعنَ بعضکم بعضا؛(۱)

امری [ظهور] را که انتظارش دارید، تحقق نخواهد یافت تا آن هنگام که از یک دیگر بی زاری جویید و آب دهان به روی یک دیگر بیندازید و برخی از شما برخی دیگر را کافر خوانند و برخی، برخی دیگر را لعنت کنند.

امام باقر علیه السلام نیز تیرگی روابط اجتماعی و کنش های ناهنجار در جوامع پیش از ظهور را این گونه توصیف می کنند:

لایقوم القائم الّاعلی خوف شدید و زلازل و فتنه و بلاء یصیب الناس...و اختلاف شدید بین الناس و تشتُّت فی دینهم و تغیُّر فی حالهم حتی یتمنّی المتمنّی الموت صباحاً و مساءاً من عظم ما یری من کلب الناس و اکل بعضهم بعضاً؛(۲)

قائم قیام نمی کند، مگر زمانی که ترس شدید و زلزله و فتنه و بلایی بر مردم عارض شود، زمانی که مردم دچار اختلاف شدیدی شوند و در دینشان پراکندگی و در حالشان دگرگونی ایجاد شود؛ به

۱- غیبت نعمانی، ص۲۰۶.

۲- غیبت نعمانی، ص۲۳۵.

گونه ای که شخص صبح و شام از درنده خویی مردم آرزوی مرگ می کند.

این روایات سازمان اجتماعی پیش از ظهور را گزارش می دهند. جامعه ای که به تشتت و پراکندگی فکری و کنشی دچار است و روابط اجتماعی در آن از هم گسیخته و اتحاد و یکپارچگی در آن جای خود را به تفرقه و جدایی داده است.

۹ _۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی

از معیارهای مهم برای تشخیص جامعه انسانی از گونه های دیگر اجتماعی زیستن میان موجودات دیگر، وجود پیوندهای عمیق و عواطف سرشار انسانی است.

در این برهه از زمان، پیوندهای اجتماعی بر محور حق و عدالت و ارزش های انسان نمی چرخد؛ بلکه ضابطه در این پیوندها خودخواهی، خودپسندی، ستم و بی توجهی به حقوق و ارزش های انسانی او است.

از روایات در توصیف روزگار پیش از ظهور و آسیب های عصر انتظار به دست می آید که پیوندها به گونه ای ظهور و بروز می یابد که نمایانگر گسستی عمیق در روابط اجتماعی انسان ها است.

قطع روابط خویشاوندی، کم ارج شدن جایگاه پدر و مادر و بزرگ ترها در نزد فرزندان و در مقابل بی توجهی بزرگ ترها به فرزندان و اعضای فروتر خانواده، عدم توجه به حقوق همسایه، دروغ گویی، کینه توزی و دشمنی، حسادت، رواج غیبت و بهتان و افترا، هر کدام

گسلی بر روابط اجتماعی و عواطف انسانی است که احادیث، آنها را بیان کرده اند. اکنون به بیان برخی از این ناهنجاری ها می پردازیم:

قطع رحم:

صلهٔ رحم به معنای محبت و ارتباط داشتن با خویشان است که در اسلام به آن توصیه و در زمرهٔ واجبات شمرده شده است. قطع آن به معنای بی توجهی و گسست پیوند خویشاوندی است. بنابر روایات، در روزگار پیش از ظهور، این پدیده در میان مردم به گونه ای شیوع می یابد که دست نیاز خویشاوندان محتاج را نیز بر نمی تابند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «رأیت الارحام قد تقطّعت؛(۱) وقتی دیدی پیوندهای خویشاوندی، گسسته شده است».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

قیامت برپا نمی شود تا آنکه زمانی فرا رسد که مردمی [از شدت فقر] به اقوام و بستگان خود مراجعه کنند و آنان را به پیوند خویشاوندی سوگند دهند تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی دهند.(۲)

بی حرمتی انسان ها به یک دیگر:

در آموزه های دینی به اعضای جامعه اسلامی سفارش شده است که به یک دیگر احترام بگذارند و از بی حرمتی به یکدیگر اجتناب کنند.

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۵۶.

۲- الامالی شجری، ج۲، ص۲۷۱.

اما در جامعه پیش از ظهور، این ارزش اسلامی زیر پا نهاده می شود و افراد، خود را به رعایت آن ملزم نمی دانند. پیامبر اسلام در توصیف این آسیب می فرماید:

در آن روزگار، بزرگ ترها به زیردستان و کوچک ترها، با مهربانی رفتار نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. (۱)

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

رأیت العقوق قد ظهر واستُخِفّ بالوالدین؛(۲)

وقتی که دیدی عاق والدین آشکار گشته و جایگاه پدر و مادر سبک شمرده شده است.

فرآیند حرمت زدایی از پدر و مادر تا بدان میزان پیش خواهد رفت که برطبق روایتی:

پدر و مادر، بدترین جایگاه را نزد فرزند خواهند داشت و فرزند از بهتان زدن به آن ها نه تنها باکی نخواهد داشت؛ بلکه خرسند نیز خواهد بود(۳).

و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه نزد فرزندان آنان است.

بی توجهی به حقوق همسایگان:

با توجه به سفارش اکید اسلام در باره همسایگان، جامعه منتظر

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۸۰.

۲- وسایل الشیعه، ج۱۶، ص۳۷۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۵۹.

۳- منتخب الاثر، ص۴۳۱.

پیش از ظهور به سبب ضعیف شدن نیروی عواطف انسانی، نه تنها برای همسایه خویش احترام قائل نمی شوند، بلکه در آزار دادن وی تلاش می کنند.

در روایات آمده است:

در آن روزگار، همسایه از همسایهٔ خود یاری می طلبد و او را به حق خویشاوندی سوگند می دهد؛ اما به او کمک نمی کنند. (۱)

امام صادق علیه السلام نیز در خصوص دوری جستن از آسیب های آخرالزمان به این انحراف چنین اشاره می کند:

رأیت الجار یُؤذی جاره و لیس له مانع؛ (۲)

زمانی که... دیدی همسایه، به همسایه اش آزار می رساند و هیچ مانعی برای او نیست.

۱۰ _۳. شیوع ناهنجاری های رفتاری

از آموزه های دین دربارهٔ روزگار پیش از ظهور برداشت می شود که در جوامع بشری آن عصر، کج روی های اجتماعی به گونهٔ بهت انگیزی گسترش می یابد و عمق گرایش به کج روی ها در آن روزگار به میزانی است که بسیاری از مردم در جامعهٔ اسلامی، ارزش های اسلامی را ضد ارزش و ضد ارزش های اسلام را برای خود ارزش تلقی خواهند کرد. (۳)

۱- الامالی شجری، ج۲، ص ۲۷۱.
۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.
۳- منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

در روایـات به انواعی از کـج روی که در جوامع پیش از ظهور انتشـار می یابـد، اشـاره شـده است. از آن میان می توان از کج روی هـایی چون هم جنس بـازی، فحشاء، بی عفتی و بی حجابی، قماربازی، رشوه خواری، شـرب مشـروبات الکلی، سـرقت و کم فروشی، نام برد.

۱. هم جنس بـازی (homosexuality)؛ بنـابر روایـات، در روزگار پیش از ظهور گرایش تشـکیل خانواده، رو به افول می نهد و به جای آن زنان و مردان برای ارضای نیازهای جنسی خود به هم جنس بازی روی می آورند.

محمـد بن مسـلم به امام باقر علیه السـلام عرض کرد: «ای فرزنـد رسول خدا ! قائم شـما چه وقت ظهور خواهد کرد؟» حضـرت فرمود: «هنگامی که مردها خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان کنند. آن گاه که مردان[در ارضای نیاز جنسی خود] به مردان و زنان به زنان اکتفاء کنند».

براساس برخی روایات، فرآینـد گرایش به همجنس بازی به میزانی شـدت و حدّت می یابد که مردان، مردان دیگری را که به زنان تمایل دارند، نکوهش می کنند. (۱)

۲. فحشـاء؛ برآوردن خواهش هـای جنسـی در برابر پول را، می توان فحشـا دانست؛ امـا مراد در این بحث، معنـایی گسـترده تر است که شامـل همـهٔ شـیوه هـایی می شود که از طریق آن ها خواهش های جنسـی را به صورت نامشـروع ارضا می کننـد. در روایات بی شماری به این ناهنجاری ها

ص:۱۲۸

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۵۷.

اشاره شده است.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

در واپسین سال های دنیا و نزدیک برپایی قیامت که بدترین زمان ها است، زنانی ظاهر می شوند که برهنه اند و خودنمایی می کنند، از راه دین منحرفند و به فتنه و گناه و شهوترانی تمایل دارند، حرام را حلال می کنند. جای آنان در دوزخ است. (۱)

در برخی روایات نیز وارد شده که برخی مردان از طریق عرضهٔ زنان خود به عنوان کالاهای جنسی ارتزاق می کنند یا بدن های خود را به عنوان کالای جنسی عرضه می کنند. (۲)

روایات دینی در گزارش خود از گسترش فحشاء و روسپی گری به رواج زنا و به دنبال آن زیاد شدن فرزند نامشروع اشاره کرده و بر این نکته اشاره نموده اند که برآیند آسیب های اجتماعی در روزگار پیش از ظهور به سست شدن نهاد خانواده و افزایش نرخ طلاق که خود نوعی از کج روی در روابط اجتماعی است منجر خواهد شد. (۳)

دسته ای دیگر از روایات، به فراگیری و شیوع انحرافات اشاره دارد تا اندازه ای که دیگر حساسیت چندانی به آن نشان نخواهند داد.

۳. سرقت؛ سرقت، از انحرافات بزرگ اجتماعی است که جوامع با آن

۱- من لا یحضره الفقیه، ص ۳۹۰.
۲- بحار الانوار، ج ۵۲ص۲۵۷، معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص۲۱۶.
۳- معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص ۲۱۹.

دست به گریبان بوده اند. در عصر پیش از ظهور نیز این آسیب به صورت گسترده و پیچیده ای در جوامع جریان خواهد داشت.

در برخی روایات که به توصیف روزگار پیش از ظهور پرداخته اند، به سرقت در غالب کم فروشی و رانت خواری اشاره شده است. (۱) در آن دوران سیاه، گناهان بزرگی چون کاستن پیمانه ها و ترازوها و کم فروشی و حق مردم را پایمال کردن، رواج می یابد و اساس مبادلات و داد و ستدها، به کاستی و تجاوز به حقوق دیگران استوار می شود و کار و تلاش و مبادله ای که از غیر از این راه ها صورت گیرد؛ نوعی زیان و ضرر و عقب ماندگی حساب می شود. امام حسن عسکری علیه السلام آن دوران را این گونه ترسیم فرمود:

«اغنیاؤهم یسرقون زاد الفقراء؛ اغنیا و توانگران جامعه، ارزاق [وسایل معیشتی و امکانات زندگی] بی نوایان را می ربایند». (۲)

آسیب سرقت در این حدیث، فقط سرقت های رسمی نیست که جرمی جزایی و مدنی به حساب می آید؛ زیرا این گونه دزدی ها با پایگاه اجتماعی سرمایه داران تناسب چندانی ندارد؛ بلکه منظور، به کار بردن شیوه های مبادلاتی و ایجاد تورّم مصنوعی، رانت خواری، توزیع غیرعادلانه و تولیدهای استثماری و ظالمانه است.

۴. رباخواری و رشوه گیری؛ براساس روایات، بر اثر تغییر ارزش های

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۵۸.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

اموری در عصر غیبت، جوامع پیش از ظهور به سوی نوعی سرمایه داری لجام گسیخته و پول پرستی افراطی گرایش پیدا خواهند کرد؛(۱) به گونه ای که ملاک برتری در این گونه جوامع، تجمع ثروت و مال اندوزی است. روابط اجتماعی افراد، براساس دارایی و ناداری تنظیم و برقرار می شود. در این آشفته بازار، افراد فرودست برای نیل به پایگاه اجتماعی و یا دسترسی به منابع کمیاب قدرت و ثروت، ناگزیرند به ربا و رشوه روی آورند تا بتوانند به حیات اجتماعی خود ادامه دهند.

حضرت علی علیه السلام در توصیف این فضای مسموم می فرماید:

نشانهٔ دجّال، فرا رسیدن زمانی است که مردم ربا بخورند و رشوه بگیرند. (۲)

شیوع انحرافات اجتماعی در روزگار پیش از ظهور هرگز به این معنا نیست که مردم حق دارند بر مفاسد و انحرافات اجتماعی دامن بزنند و خود را بیالایند و در گسترش آن بکوشند تا شرایط ظهور فراهم شود؛ بلکه بدان معناست که جامعه با ترک آموزه های دینی و اخلاقی، ناگزیر بدان سمت و سو حرکت می کند.

وقتی در جامعه ای ارزش ها تغییر کند، بی گمان هنجارهایی که براساس آن ارزش ها ساخته و پرداخته شده اند، فرو خواهند ریخت. در این فرایند یا جامعه بر اثر فقدان نظمِ ارزش و هنجاری، دچار هرج و

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

۲- کمال الدین و تمام النعمهٔ، ص ۵۲۵.

مرج خواهد شد و یا ارزش ها و هنجارهایی نوین بر رفتار و کردار جامعه، حاکم خواهد شد که پیامد آن، گسترش انحرافات خواهد بود.

۱۱_۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی

براساس روایات، انگیزه ها در روزگار پیش از ظهور، الهی و انسانی نیست. دوستی ها و محبت ها خالص و واقعی نیست؛ بلکه ملاک بسیاری از پیوندها و دوستی ها، مسائل پوچ و زودگذر است.

غالب پیوندها، براساس دست یابی به عیش و نوش و لذت و فساد و آلودگی است و ابراز صمیمیت ها از حد زبان فراتر نمی رود؛ اما هنگام نیاز واقعی، یاری دهندگان اندکند.

حضرت علی علیه السلام در توصیف این فضا می فرمایند:

... و تواخَی الناس علی الفجور و تهاجرُوا علی الدین و تحابُّوا علی الکَذِب... وَاستُعمِلَتِ المَوَدَّة باللّسان و تشاجرُوا الناس بالقلوب؛(۱)

مردم با انگیزهٔ گناهکاری با هم برادر می شوند و در راه دین از یک دیگر جدا می گردند. دوستی ها دروغین است... و دوستی به زبان و دشمنی مردم به دل ها است.

درادامه همین روایت حضرت علی علیه السلام فرمود: «مردمان چون گرگ به دنبال دریدن یکدیگرند». در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است :

«به یمحق الله الکذب و یُذهب الزمان الکَلِب؛(۲) به دست مهدی، خداوند

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸.

۲- بحارالانوار، ج۵۱، ص ۷۵.

دروغگویی [در روابط اجتماعی] را محو می کند و روزگار آزمندی [سختی و فشار] را به سرمی آورد». معلوم می شود جامعه قبل از ظهور پر از دروغ و آزمندی است که به وسیلهٔ وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محو خواهد شد؛ یعنی مفهوم روایت، فضای دوران پیش از ظهور را بازگو می کند.

۱۲_۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار

مطابق روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، آن حضرت، مفاسد آخرالزمان را که برخی جنبهٔ سیاسی و اجتماعی دارد، بیان فرموده و در پایان با تأکید برخودسازی و تربیت اخلاقی و سیاسی خطاب به راوی می فرماید:

درچنین موقعی مواظب خود باش، نجات را از خداوند بخواه. باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آن ها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می بینند، بیرون آیی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند»(۱) «انّ رحمت الله قریبٌ من المحسنین». (۲)

اگر انسان بخواهد در حوادث و پیچیدگی های زندگی اجتماعی و سیاسی فریب نخورد، لازم است از عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، برخوردار گردد.

فعال سیاسی به سه نوع شناخت برای حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیازمند است که عبارتند از: حق شناسی، باطل شناسی و

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۵۶ _ ۲۶۰.

۲- سوره اعراف (۷): ۵۶.

راه شناسی. و قرآن، به هر سه نوع شناخت و بصیرت اشاره کرده است. (۱)

در طول تاریخ، مسأله اساسی و مهم در جریان مبارزه حق و باطل، کمبود معرفت وکمبود بصیرت بوده است؛ به همین دلیل قرآن کریم به مسأله معرفت و بینش تأکید فراوان دارد.

اگر انسانی نفهمد تنها راه سعادت، راه ولیّ خدا است، در شبهات و فتنه ها غرق می شود؛ از جمله عوامل باز ماندن از جبهه حق و همراهی با ولی خدا، شبهه ها و فتنه ها هستند.

شبهه ها، فتنه ها را کارساز می کنند؛ زیرا شبهه فضا را تاریک می کند و در فضای تاریک، فتنه ها تأثیرگذار می شوند.

لذا اگر انتظار در جایگاه واقعی خود که همانا معرفت حجت حق است قرار نگیرد، در فتنه ها و گرداب ها می افتد که این آسیب جبران ناپذیر است؛ و لذا باید برای رفع این فتنه ها به باطل شناسی روی آورد، تا سره را از ناسره و حق را از باطل باز شناسد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

ای ابوخالد! همانا مردم زمان غیبت که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه زمان هایند؛ زیرا خدای متعال، به آنان آن اندازه از عقل و شناخت داده که غیبت برای آنان، به منزلهٔ شهود شده است. (۲)

۱- سورهٔ انعام (۶): ۵۰ ؛ سوره زمر (۳۹): ۹.

۲- کمال الدین، ص ۳۳۰.

۱۳ _۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر

بحران کیفیت، از مسائل و مشکلات نظام های آموزشی کشورها در دوران کنونی است. این آسیب در بخش آموزش و تعلیم، دامن گیر آموزش ها و معارف دینی از جمله مهدویت گرایی نیز شده است. چنانکه سطح معلومات و معرفت بیشتر مهدی باوران دربارهٔ حضرت و وظایف خود در عصر غیبت، بسیار پایین تر از معمول در دوران آخرالزمان است؛ چرا که هرچه بحران ها شدیدتر باشد و عوامل ایمان زدا فراگیرتر شود، _ چنان که براساس روایات در آخرالزمان این گونه است و در این باب روایات فراوانی وجود دارد مثل کتاب الفتن ابن طاووس _ عمق بخشیدن به باورهای دینی از جمله مهدویت ضروری تر است؛ زیرا در زمانه ای هستیم که به قول روایات: «یُصبح الرجل مؤمناً و یُمسی کافراً». امروز همان روزگاری است که ایمان ها خیلی راحت از دست می رود. (۱)

تکرار صدبار (ایّاک نعبد و ایّاک نستعین در نماز مخصوص امام زمان علیه السلام در هر رکعت بیانگر این نکته است که در دوران غیبت، حفظ ایمان بسیار سخت است.

ضعف معرفت و شناخت متناسب با زمان در امر مهدویت و نمودهای این آسیب در رفتارهای زائران و مشتاقان حضرت که به مسجد مقدس جمکران می آیند، به چشم می آید. گرایش کم زائران به تهیه محصولات فرهنگی و کتاب، به ویژه در مقایسه با تهیه غذای نذری بسیار به چشم می آید.

۱- آفتاب ولایت، ص ۹۷.

به گفته یکی از مسؤولان فرهنگی مهدویت، در هر شب چهارشنبه، بیست تا بیست ودو هزار نفر برای دریافت غذای نذری مراجعه می کنند؛ اما در بررسی همراه با مشاهده معلوم شد که در هر ده دقیقه، آن هم در شلوغ ترین زمان ممکن (بین ساعت ۹ _ ۱۱ شب) حدود صد نفر آقا و خانم فقط وارد کتاب فروشی می شوند که البته نصف ایشان کتابی تهیه نمی کنند.

بنابراین بی تناسبی میان معرفت و شناخت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آموزه مهدویت نزد معتقدان به آن حضرت با این دوران، آسیبی در حیطهٔ رفتار است که جای تأمل دارد.

۱۴ _ ۳. ابهام در آثار روانی مهدویت

در رویکرد روان شناسی دینی، مفاهیم مهدویت نیز مانند دیگر مسائل دین، از لحاظ علمی، تجزیه و تحلیل می شود. مفاهیمی مانند منجی گرایی، نجات طلبی، امید به آینده، آرمان گرایی و...، جزء ذات انسان مسلمان و از عناصر پایای روان وی هستند؛ لذا روان شناسی باید بحث درباره آن ها را بپذیرد. به اعتقاد یونگ:

مذاهب، آن چنان که هستند محتویات و کلامشان چنان با روان بشر پیوند یافته که روان شناسی به هیچ وجه نباید از آن غفلت ورزد. (۱)

ص:۱۳۶

۱- روح و زندگی، ص ۱۸۰.

مهدویت چند بعدی است و ابعاد شناختی، شهودی و درونی، عاطفی و رفتاری را در بر می گیرد. این مجموعه چند بعدی، می تواند در مجموعه سرفصل های روان شناسی گنجانده شود. گرچه هنوز، بعضی از روان شناسان مطمئن نیستند که پرداختن به دین، جزو حوزه مطالعاتی و کاری آنها باشد و طبیعتاً نمی توانند میان روان شناسی حرفه ای خود و مهدویت ارتباطی بیابند. برخیروان شناسان از این نکته غافلند که اسلام، دین زندگی است و برای سعادت انسان، طرح و برنامه دارد؛ چنانکه تعبیرقرآن از تبیاناً لکل شیءٍ؛(۱) قرآن روشنگرهرچیزی است» بیانگر این معنا است.

در مرحله بعدی، این الگوی زندگی را با امامت تکمیل کرد. «الیوم اکملتُ لکم دینکم؛(۲)در این روز [غدیر] دین را بر شما کامل کردم» یعنی دین سعادت بخش، با امامت همراهی داشته و هدف، مسیر و روش زندگی با این الگو مشخص و کامل می گردد.

البته این گونه نیست که مهدویت، جزئی از اسلام باشد و مؤلفه های دیگر، اجزای دیگر را تشکیل دهند؛ بلکه تفسیر مهدوی از زندگی، مدخل و منظری است که از تمامی شاخصه ها و آموزه های دین، تفسیری عمیق و ژرف دارد و علاوه بر اینکه خود، شاخصی از شاخصه های دین است، ساختار و بنیادی به شمار می آید که دیگر آموزه های

۱- سوره نحل (۱۶): ۸۹.

۲- سوره مائده(۵): ۳.

دین، توسط آن، قرائت می پذیرند و از آن دیدگاه نگریسته می شوند.

همچنین این گونه نیست که تربیت دینی، پیش نیاز تربیت مهدوی باشد؛ بلکه هر دو یکی است و تربیت دینی با رویکرد مهدوی باید اجرا شود. و اگر علمی بخواهد به دین اسلام بپردازد، باید آن را با همین رویکرد مطالعه کند؛ یعنی روان شناسی اسلامی در واقع همان روان شناسی مهدوی است؛ زیرا در این مکتب، انسان با این ایدئولوژی و به منزله عبد خدا و مأموم برای امام، تعریف می شود و چیزی جز این تعریف و تفسیر، ارزش انسان شناسی ندارد؛ لذا نیاز روان شناسی به مهدویت، همان نیازی است که انسان به مهدی دارد.

فعالیت روان شناسی با مبنای مهدوی، در واقع همان زمینه سازی برای ظهور است، پس نیاز روان شناسی به مهدویت، در واقع همان نیاز به زمینه سازی کردن است؛ زیرا چنانکه گفته شد توسعه مهدویت با تحقق زمینه سازی مساوی است.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بکُم ینفّس الهم و یکشف الضّر؛ ناراحتی ها و فشارها، فقط با شما اهل بیت رفع می شود»؛(۱) یا در فراز دیگر می خوانیم: «بموالاتکم... اصلح ما کان فسد من دنیانا؛ خدا مفاسد امور دنیوی ما را به سبب اعتقاد و اطاعت از شما، اصلاح می کند». (۲)

نتیجه می گیریم یکی از آسیب های مهم در زمینه سازی ظهور، عدم

۱- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

تلفیق علم و دین است. جدایی جریان مهدویت از روان شناسی می تواند زمینه سازی به سمت ظهور را کُند کند و این خود در نوع خودش آسیب به حساب می آید؛ زیرا در غیر این صورت، روان شناسی انسانی جایگاه حقیقی خود را از دست می دهد، و زمینه سازی ظهور نیز از کمک روان شناسی باز می ماند.

برای برون رفت از این آسیب، پیشنهاد می شود مراحل و درجات مختلف انتقال فرهنگ مهدوی، از منظر روان شناسی تدوین شود.

و نظام روان شناسی، باید متخصّصان خود را در جهات دانش های راهبردی مهدویت و کاربردهای روان شناختی آن ارتقا بخشد تا روان شناسان خود، پیش تاز مهدی شناسی و مهدی گرایی شوند و بتوانند تکلیف خود را برای زمینه سازی ظهور انجام دهند.

۱۵ _۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر

براساس آیات قرآن کریم، هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، به دست خداوند و با ارادهٔ او محقق می شود و اوست که اراده اش در ایجاد تغییر و تحول، یا ایجاد مانع بر سر راه آن، به عنوان علت تامه، نقش مستقیم ایفا می کند. البته علت تامه تغییر، خدا است؛ اما مقدمات و زمینه سازی ایجاد آن، در اختیار انسان است.

در مشهورترین آیه در این زمینه که از غرر آیات الهی است، تغییر سرنوشت یک ملت را وابسته به عمل آن ها و منتسب به ذات مقدس خویش می داند و تصریح می کند.

«ان الله لا يُغيّر ما بقوم حتّی یُغیّرُوا ما بانفُسِهم. »(۱)

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

تـا زمـانی که مـا تحولی نداشـته باشـیم و زمینه هـا را فراهم نکنیم، در بیرون، چیزی رخ نمی دهـد، این مسأله شـرطی است «ان تنصرُوالله ینصرکُم». (۲) یعنی کسانی که امداد الهی را می خواهند باید از توانمندی های خودشان استفاده کنند. به تعبیر زیبای قرآن، نگاهتان به دست خودتان باشد. «ما قَدَّمَت یَداک»(۳)

با این وصف کسـی که منتظر منجی و حجت خـداست، اگر تغییری در رفتار و حالات خود ایجاد نکند، گرفتار آسـیب بزرگی است؛ زیرا ظهور حضـرت، امری تکوینی نیست؛ بلکه وعدهٔ الهی است و تحقّقش به اذن و فرمان خاص خدا بستگی دارد. اگر مقدماتش فراهم شد، به اذن و فرمان او انجام خواهد شد. البته تغییر مقدماتی به دست انسان، باید با تغییر عصـر ظهور هم سـنخ بوده و همینطور فراگیر و جهانی باشد.

امام حسن عسـکری علیه السـلام ، از تغییر مبارکی که به دست حضـرت ولی عصر علیه السلام محقق خواهد شد، این گونه یاد می کند:

به یدفع البلاءِ عن اهل الارض، و به ینزّل الغیث، و به یخرج برکات الارض؛

۱- سوره رعد(۱۳): ۱۱.

۲- سوره محمد (۴۷): ۷.

۳- سوره حج(۲۲): ۱۰.

به واسطهٔ او بلا از اهل زمین برداشته می شود و باران نازل شده، برکات زمین خارج می گردد.(۱)

به نظر می رسد این بیان شریف امام حسن عسکری علیه السلام به آیهٔ شریفه «و لَو اَنَّ اهلَ القُری امنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحنا علیهم برکاتٍ من السَّماءِ والارض»، (۲) اشاره دارد؛ پس قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییری بنیادین را در سرنوشت بشریت رقم خواهد زد، همانند آنچه که در آیهٔ شریف ذکر شده است، به شرطی که ایمان و تقوا دچار آسیب نشود.

۱۶ _۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی

در روایات متعدّدی به ضرورت زمینه سازی اشاره شده است. از آسیب های جدی در این حوزه، وقتی است که انتظار را به عنوان یک حالت تلقی کرده، به شعار انتظار بسنده کنیم؛ در حالی که انتظار اقدام و انجام وظیفه یک شیعه، در فراهم ساختن زمینه های ظهور است. چنانچه در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام آمده است:

لیعدّن احدکم لخروج القائم و لو سهماً...؛

هر یک از شما باید برای قیام قائم آماده کند ولو یک تیر را. (۳)

برای رسیدن به ظهور باید حرکت کرد؛ مثل قلّه ای که باید به سوی آن حرکت کرده، به آن برسیم. این قله و این هدف، رفتنی است نه

۱- کمال الدین و تمام النعمۀ، ج۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۲- سوره اعراف (۷): ۹۶.

۳- غیبت نعمانی، ص۳۲۰، ح۱۰.

آمدنی؛ لذا ظهور، تحصیلی است نه حصولی. البته حقیقت آسیب در این نیست که اگر ما به وظیفه مان عمل نکنیم، امام ظهور نمی کند؛ بلکه جامعه آکنده از ظلم، خودش می تواند زمینه ساز ظهور نور باشد؛ چون: «اِنّ الباطل کان زَهُوقاً»؛(۱) بی تردید باطل رفتنی است ».

پس رسالت ما، آوردن حق است، ما هستیم که باید زمینه های ظهور را فراهم کنیم، در غیر این صورت محروم می شویم.

ظهور مشکل فاعلی ندارد، مشکل قابلی دارد؛ یعنی هنوز جامعه قابلیت پذیرش امام را ندارد.

به تعبیر خواجه طوس: «و عدمُهُ منّا»، مانع، ما هستیم و از ماست که بر ماست. (۲)

یعنی می توان گفت: بزرگ ترین آسیب و مانع در حوزه مهدویت، خود ما هستیم و بی قابلیتی ما است.

این نفس آلوده ما است که مانع حضور او است. ما کوتاهی کرده ایم و نتوانسته ایم از او حمایت کنیم که غایب شد.

در روایت آمده است:

«مَن سرّه ان یکون من اصحاب القائم فَلینتظرْ ولْیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛(۳) کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید

۱- سوره اسراءِ(۱۷):۸۱.

۲- کشف المراد، ص۵۰۷.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۰۰.

انتظار بکشد و از محرمات و گناه دوری کند و آراسته به زیبایی های اخلاقی باشد».

منتظر بودن، شاخص دارد. یک منتظر واقعی باید دو شاخص مهم داشته باشد؛ ورع، یعنی کف نفس و دوری از گناه. این مسأله حالت سلبی دارد. از آن طرف، ویژگی اثباتی هم باید داشته باشد که «محاسن الاخلاق» است. باید آراسته به زیبایی ها و سجایای اخلاقی هم باشد.

۱۷ _۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آسیب های مهم در جامعه منتظر، فهم غلط نسبت به جایگاه ولی فقیه است و این باعث می شود در اطاعت پذیری مردم از ولی فقیه در عصر غیبت اثر منفی بگذارد.

براساس مبانی ولایت فقیه و نظر امام راحل رحمه الله و برخی از فقهای معاصر _ که حق هم همین است _ شأنی که امام معصوم علیه السلام در فضای مجتمع دارد؛ ولی فقیه هم دارد. البته نه اینکه هر شأنی که امام معصوم علیه السلام به لحاظ فردی دارد، ولی فقیه هم دارد. امام، دارای مقام عصمت است؛ اما ولی فقیه معصوم نیست. بر امام معصوم، ملائکه در شب های قدر نازل می شوند؛ اما بر ولی فقیه نازل نمی شوند. محل گفت و گوی ما این گونه مقام ها و شؤون شخصی نیست؛ بلکه محل گفت و گو این است که در فضای جامعه و اداره مجتمع، هر شأنی که امام معصوم علیه السلام دارد، ولی فقیه هم دارد؛ بنابراین اگر ولی فقیه برای ادارهٔ

ص:۱۴۳

جامعه دستوری بدهد یا حکمی بکند، باید مردم نسبت به ولایت فقیه اطاعت پذیرتر از کنیز به صاحبش باشند. (۱)

اگر به تعبیر قرآن، تجلّی محبت خدا در اطاعت از رسول است. تجلّی محبت امام زمان علیه السلام نیز در اطاعت از ولی فقیه است. این اساس اعتقاد ماست، ولایتمداری یک شعار صرف نیست بلکه باید با آن زندگی کرد و این اساس یک مکتب است.

و لذا اگر می گوئیم امام زمان علیه السلام را دوست داریم، تجلی اش در اطاعت از ولی فقیه است، زیرا رابطه امام و مأموم، بیش از رابطه پدر و فرزند است.

۱۸ _۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام

در فرازهایی از دعای افتتاح که از جانب امام زمان علیه السلام است، می خوانیم:

«اللهّم انّا نشکو الیک فقد نبیّنا و غیبهٔ ولیّنا؛ خدایا ما به تو شکایت می کنیم از نبودن پیامبران و از غیبت مولایمان».

معتقدیم باید شاخص های کلان فرهنگی یک دولت، این باشد که نبود امام و مشکلات آن، برای مردم چه در داخل و چه در گستره جهانی توضیح داده شود. ما از نبود امام شکایت داریم و ناراحتیم. این وضعیت باید تبیین و تحلیل بشود. در حقیقت باید نشان بدهیم که

۱- هُم اَطوع له من الَأمهٔ لسیّدها.

زمین، نیازمند آسمان است.

اما متأسفانه امروز جامعه منتظر عملاً چنین نشان می دهد که ما شکایتی نداریم و راضی به وضع موجودیم؛ زیرا هنوز مصیبت های فقدان امام علیه السلام برای خیلی ها تبیین نشده است. در حالی که در آن دعا آمده است:

«الهی عظم البلاءِ» آیا واقعاً نبود امام برای ما بلایی عظیم است؟ اینکه می گوییم: «الهی عظم البلاءِ و برح الخفاءِ وانکشف الغطاءِ وانقطع الرّجاءِ و ضاقت الارض و مُنعت السّماءِ و انتَ المُستعان و الیک المُشتکی». (۱) آیاهنوز ما در دنیا با غیبت امام در تنگنا قرار نگرفته ایم وبه مرز اضطرار و شکایت به درگاه الهی نرسیده ایم، تا ظهورش را بخواهیم؟ اگر چنین است، معلوم می شود هنوز از عصر ظهور که عصر همه زیبایی ها است و از امام زیبایی ها و اهدافش، هیچ شناختی نداریم.

وقتی نتوانستیم برای بچه های خود، این امام زیبایی ها را که تجلّی رحمت واسعه و اسمای حسنای الهی است، تبیین کنیم، چطور انتظار داریم در گستره جهانی، گرایش به حضرت یافت شود؟ وقتی نتوانستیم بی اساس بودن بسیاری از روایات که قهر امام را به صورت افراطی بیان می کند ــ از جمله روایت وارده که می گوید: تا زانوی اسب حضرت، در خون فرو می رود ــ را معلوم کنیم؟ چطورتوقع داریم جوانان ما به

ص:۱۴۵

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۲۷۵وج ۹۹، ص۱۱۹ به نقل از کنوزالنجاح والمزارالکبیر ص۱۹۶و المزار، ص۶۴-۶۵؛- المصباح کفعمی، ۲۸۰.

حضرت و دولت کریمه اش رغبت و اشتیاق(۱) داشته باشند؟ باید نشان داد که مهدویت، نه یک راه؛ که تنها راه است «السلام علیک یا سبیل الله الذی مَن سلک غیره هلک». (۲)

۱- مصباح المتهجد، ص۵۸۱.

۲- المزار، ص۲۰۴؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف .

فصل سوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر

اشاره

ص:۱۴۷

اعتقـاد به منجی موعود در دین اسـلام، به ویژه در مکتب تشیع، یکی از مسائـل حیـاتی و بنیـادی می باشـد و به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اعتقاد، در حیات و سرنوشت انسان چنان تأثیرگذار است که به تمام اهـداف و آرمان های او سـمت و سو می دهـد؛ به همین دلیل، این موضوع همواره با افکار و ایده های مختلف اختلاط یافته و بعضاً به بیراهه کشیده شده است. جریان های گوناگونی که خواسته اند غایت بشر را موافق میل خود برنامه ریزی کرده یا خود و ایده خود را عامل نجات معرفی کنند، هر کدام آفات و مضـرّاتی را وارد این بحث کرده و شناسایی مهدویت حقیقی را برای عامه دشوار نمود ه اند.

چنین آفات و مضّـراتی که خواسـته یا ناخواسته، برخی از درون جامعه منتظر و برخی از بیرون آن بروز یافته اند، شناخت چهره و نمای مهـدویت حقیقی را تیره و تار کرده است؛ از این رو شـناخت عواملی که به پیـدایی این آسـیب ها می انجامد ضـروری است. با بررسی این عوامل که از مهم ترین آن ها در بعد فردی، می توان به خودخواهی و دنیاگرایی و در بعد

اجتماعی، به عدم معرفت و طرح مباحث از سوی غیرکارشناسان اشاره کرد، زمینه برای برون رفت از مشکلات پیش آمده فراهم خواهد شد.

۱. عوامل درون فردی

۱_۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام

از آنجا که یاد خداوند، هسته مرکزی دینداری است؛ چنانچه این مقوله را از دینداری جدا کنیم، انسان به نوعی به «فراموشی خداوند» مبتلا شده، از دین گریزان می شود. ممکن است انسان خود را به ظاهر متوسل به دین بداند؛ اما چون از هسته مرکزی دین، یعنی اعتقاد به خدا غافل مانده، به نوعی در سراشیبی دین گریزی قرار گرفته است؛ به تعبیر دیگر خدا فراموشی، زمینه سریع تری را برای گریزان شدن از دین فراهم می کند.

خداوند در قرآن می فرماید:

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند(۱).

پس سرانجام خدا فراموشی، فسق است و فسق و دینداری با هم جمع نمی شوند.

۱- « وَ لاَ تکوُ نُوا کَالَّذینَ نَسُوا اللهَ فَاَنساَهُم اَنفُسَهُم اُولئکَ هُمُ الفاَسِقُونَ » .-(سوره حشر (۵۹): ۱۹).

نیز اتصال به حبل المتّقین الهی، یعنی امامان معصوم، انسان را در مقابل حوادث بی دینی ودین گریزی مصونیت می دهد. کسانی که از این مقامات عظیم الشأن الهی تخلف ورزند، در معرض هجوم امواج بی دینی تاب مقاومت ندارند و به مسیری برخلاف مسیر هدایت و دین کشانده می شوند. امام علی علیه السلام نقش امامان را زنده نگه داشتن سنت پیامبر وجاری ساختن حدود الهی می داند:

همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیر خواهی، زنده نگه داشتن سنت پیامبر، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان و رساندن سهم های بیت المال به طبقات مردم است. (۱)

۲_۱. فقر فرهنگی

فقر و غنا در اندیشه معصومان علیهم السلام در معنای گسترده تری از تهی دستی و بی نیازی مالی به کار رفته است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل به مسائل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت واستحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام فقر فرهنگی، سخت ترین و بدترین نوع فقر است. از حضرت سؤال شد: «کدام نوع فقر

۱- نهج البلاغه، خطبه۱۰۵.

شدیدتر و بدتر است؟» فرمود: «کفر ورزیدن پس از ایمان». (۱)

غنای فرهنگی باعث مصونیت فکری و فرهنگی می شود و آسیب زدایی آفت های دینی را به دنبال خواهد داشت؛ ولی فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، آسیب پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت.

از موارد فقر فرهنگی، جدال بی حاصل در مسائل دینی، به جای مناظره صحیح و منطقی است که خود شروع یک آسیب جدی است. اینکه طرفین در واقع بر اساس موازین منطقی، مناظره ای را در مباحث دینی دنبال نکنند؛ بلکه بیشتر کارشان به جدال بینجامد، از دو جنبه در روند دین گریزی، تأثیر دارد: یکی اینکه طرفین مناقشه را سست بنیان می کند؛ چون هیچ کدام نمی توانند همدیگر راضی کنند و هر دو سعی می کنند در مقابل یک دیگر پیروز شوند و مبانی اندیشه دیگری را تخریب می کنند که هردو در نظر یکدیگر از جهت دینی سست بنیان می شوند. جنبه دوم این است که هر کسی شاهد این جریان باشد و این جدال و مناقشه های بی حاصل را مشاهده کند، او هم به نتیجه روشنی نمی رسد. این جا است که امام علی علیه السلام می فرماید: «اِیّاکُم وَالمِرَاء و الخُصُومَه؛ مراء وجدال را رها کنید».

۱- قیل له: «ای فقراشدّ؟» قال علیه السلام : الکفر بعدالایمان» (جلوه های حکمت، ص۵۱۱).

۳_۱. خودخواهی و دنیاگرایی

دنیاطلبی، به معنای اسارت در دام دنیا و تعلق بیش از حـد به آن، از موانعی است که به طور جدی فراروی منتظران موعود قرار گرفته است. آن حضـرت در زمـان ظهور خود، بـا تغییر نگـاه جـامعه به مظـاهر دنیـایی، به صورت علمی و عملی، این موانع را برطرف خواهد کرد.

دنیـا خواهی و اسـیر دنیـا بودن، یکی از عوامـل فـارق حقیقت طلبـان از باطـل جویان است. پیکره دین و نیز آمال انبیاء و اولیاء چقـدر از این عامل، متأثرشـده و چه بسـیار انسان هایی که در قبال آن، قد خم کرده و پیشانی ذلت ساییده اند. در مقابل، آنان کـه دنیـا را به خـدمت گرفته و آن را به اسـارت اهـداف بلنـد خـویش در آورده انـد و از غم و انـدوه و فکر و فریب آن، آزاد گشتند، از هر دین و مرام، بر پیشانی تاریخ درخشیده و ماندگار شدند.

از آن جا که حکومت حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف عالم گیر است و منفعت طلبان به عـدالت سوق داده می شونـد، بیشترین مخالفت ها، از دنیاطلبان و دنیاخواهانی است که در هراس از دست دادن آن، یا در شوق و عشق زیاده خواهی آنند؛ پس مبارزه و کرامتشان از آن حادثه، بیشتر و جدی تر است.

علت دیگر، اینکه در دوران غیبت امام، آنچه افراد را از اندیشه و یاری و زمینه سازی ظهورامام عجل الله تعالی فرجه الشریف و از وظـایف انتظـار بـاز می دارد، دنیـاخواهی است. حب دنیا، انسان را در گناهان فرو برده، از یاد امام و وظایف خود در دوران غیبت رها می سازد. در آیات و روایات، محبت و

دلدادگی به سرای دنیا، بسیار مذمت شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «حب دنیا، کور و کر می کند». (۱)

چه بسا دنیاخواهی، قلب را نابود و انسان را چنان شیفته خود می کند که او بنده دنیا و نیز بنده هر کسی خواهدشدکه کمی از دنیا را در اختیار داشته باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دوست داران دنیا می فرماید:

شهوات، عقل شان را زایل کرده، دنیا قلبشان را میرانـده و اسیر و عاشق دنیا شـده اند؛ پس عبد و بنده دنیایند و هر کس چیزی از آن را دارد. (۲)

نیز خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! بدان آغاز هر فتنه، دنیادوستی است». (۳)

انسان، ایـده آل و کمال طلب آفریده شده است. او در جست وجوی چیزی است که پیوندش با او بیش از یک ارتباط معمولی باشد؛ به عبارت دیگر، انسان در سرشت خویش، پرستنده و تقدیس کننده آفریده شده است و در جست وجوی چیزی است که او را منتهای آرزوی خویش قرار دهـد. این جا است که اگر انسان خوب رهبری نشود و از خود مراقبت نکند، علاقه اش به وابستگی تبدیل می شود. «وسیله» به

۱- کافی، ج۲، ص۱۳۷.
۲- شرح نهج البلاغه، ج۷، ص۲۰۰، فصل فی الکلام علی الالتفات...
۳- کافی، ج۲، ص۱۳۶.

«هـدف» اسـتحاله می شـود، «رابطه» به صورت «بنـد» و «زنجیر» در می آیـد، حرکت و تلاـش و آزادی، به توقف و رضـایت و اسـارت تبـدیل می شود. برخلاـف نظـام تکـاملی جهـان بوده، از نوع نقص و نیستی است، نه کمال و هستی. این آفت انسان و بیمـاری خطرنـاک انسـان است که قرآن و نهـج البلاـغه، انسان را درباره آن هشـدار داده، اعلام خطر می کننـد. امام علی علیه السـلام مکرر اشـاره می کنـد که دنیـا، خوب جـایی است؛ امـا برای کسـی که بدانـد این جا قرارگاه دایمی نیست؛ گـذرگاه و منزلگاه او است. (۱) تلاـش قرآن و روایـات برای این است که مادیـات را از صورت معبودها و کمال مطلوب ها خارج کنـد؛ نتیجه اینکه دنیا از نظر اسـلام، مدرسه و محل تربیت انسان و جایگاه تکامل او است. در حدیثی از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

از همه مردم گرفتارتر، مؤمن است که باید هم به کار دنیای خویش بپردازد و هم به کار آخرت. (۲)

اسارت دنیا و نگاه صـرفاً دنیایی به زندگی، آدمی را از هر کس که سـخنی غیر از دنیا بگوید، متنفر می سازد و این خود زمینه ای برای عـدم اطـاعت و همراهی و گاه نفرت از امام را فراهم می آورد. اصالت بخشـیدن به دغـدغه معاش، منتظران را از فکر دین و رهبران دین و آرمان های دینی بازمی دارد و باعث می شود حتی آنانی که از فشار اعتقادی و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

۲- مجموعه ورّام، ج۱، ص۴.

مشکلاتی که دنیاپرستان ایجاد کرده اند، فریاد فرج خواهی سرمی دهند، در واقع فریاد از مظاهر دنیا می زنند؛ از این رو دنیاخواهی در کوته نگری منتظران نیز بسیار دخیل است.

نیز دل بستگان دنیا، چون نگاهشان فقط دنیایی است و آن را اصل می دانند، دیگران را نیز از انجام تکالیف و مسؤولیت ها باز می دارند، تا از دنیا بیشتر بهره گیرند یا اینکه در طول زمان، فعالیت های غیردنیایی برای آنان معنای خود را از دست می دهد و بر این اساس از تحقق راه خدا که با خود مجاهدت، سختی، جهاد، عدالت و یاری محرومان را دارد گریزانند و در مقابل دین صف آرایی می کنند که این خود بزرگ ترین گمراهی است. (۱)

در زیارت حضرت امیر۷ به عنصر دنیاخواهی و خودخواهی و فریفتگی ناشی از این عامل اشاره شده و آمده است:

خدایا ! شکرت که مرا بر این زیارت موفق ساختی... درحالی که اهل دنیا و آنانی که آیات خدا را به تمسخر گرفته و فریفته دنیا شدند، از زیارت او سر باز زدند. شکر تو را که مرا معرفتی دادی که اهل دنیا جاهل به آن هستند و به دیگران، روی آوردند. (۲)

همچنین امام صادق علیه السلام به این عامل اشاره کرده، تأثیر آن بر

ص:۱۵۵

۱- « الَّذینَ یَسْتَحِبُّونَ الْحَیاةَ الدُّنْیا عَلَی الْآخِرَةِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ وَ یَبْغُونَها عِوَجاً أُولئِکَ فی ضَلالٍ بَعیدٍ » (سوره ابراهیم(۱۴): ۳) .

۲- بحارالانوار، ج۹۷، ص۳۳۶.

جهت گیری مردمان را بیان فرموده اند:

مردم، درباره ما سه گروه هستند؛ گروهی ما را دوست دارند، سخن ما را می گویند، منتظر فرج ما هستند؛ ولی عمل ما را انجام نمی دهند. اینان، اهل دوزخند. گروه دوم نیز ما را دوست دارند، سخن ما را می گویند، منتظر فرج ما هم هستند، عمل ما را انجام می دهند؛ اما برای رسیدن به دنیا و دریدن مردمان. اینان نیز جایگاهشان دوزخ است و گروه سوم، ما را دوست دارند، سخن ما را گفته، منتظر فرج ما هستند، عمل می کنند [برای خدا] اینان از ما و ما از آنانیم. (۱)

تاریخ اسلامی و سیره معصومان علیهم السلام در مواجهه با افراد و جریان های مختلف، تبیین همین فرمایش امام صادق علیه السلام است. چه هنگامی که حسن بصری، نامه ای به امام حسن مجتبی۷ نوشت و در آن، چنین آورد:

«شما، اهل بیت پیامبر و معدن حکمت ها هستید. خداوند، شما را کشتی های نجات در دریاهای طوفانی قرار داد. پناهِ پناه خواهان هستید. به ریسمان مستحکم شما... تمسک می جویند. کسی که پیرو شما باشد، هدایت و نجات یافته و کسی که از شما سر پیچد، هلاک شده و گمراه است. من این نامه را به دلیل حیرت و سردرگمی و اختلاف امت در بحث قضا و قدر خدمتتان نوشته ام. از آنچه خدا به شما آموخته است، به ما هم بیاموزید». امام در پاسخ او نوشت:

۱- تحف العقول، ص۵۱۵.

بله؛ چنان که نوشتی ما اهل بیت نزد خدا و پیامبرهستیم؛ اما پیش تو و اصحابت، اگر چنان بود که گفتی، دیگران را بر ما مقدم نمی داشتید. به جانم سوگند! خداوند شما را در قرآن چنین مثال زده است: «أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِی هُوَ أَدْنی بِالَّذِی هُوَ خَیْر» ؛(۱)«آیا به جای چیز بهتر، خواهان چیز پست ترید» این، درباره شما و اصحابتان است.... (۲)

همچنین در جریان قیام حسینی، گروهی از کوفه، چون مسیّب بن نجبه، رفاعه بن شدّاد و حبیب بن مظاهر که از نویسندگان نامه به امام حسین علیه السلام بودند، به هر وسیله و سختی، خود را به امام رسانده و تا آخرین نفس، از او دفاع کردند و بر پیمان خود و بیعت با امام، باقی ماندند. گروهی دیگر چون شبث بن ربعی، حجّار بن ابجر، یزید بن حارث، قیس بن اشعث، عمرو بن حجاج زبیدی، در تمام گفته ها و نوشته های خود تعبیر «جُند مجنّد؛ لشکر آماده»، آوردند؛ ولی عهد و سوگندها را فراموش کرده و در مقابل سخن و احتجاج امام حسین علیه السلام ، نامه را انکار کردند. اینان، به طمع پست و مقام و مسؤولیت آمده بودند؛ لذا به خیل نامه نگاران پیوستند و روزی با آمدن ابن زیاد از این خرقه برون آمده و خرقه و لباس جنگ با حسین علیه السلام را به تن کردند. اینان، بندگان دنیا بودند و هر کس را که ذره ای از دنیا داشت یا به آن ها وعده

۱- سوره بقره (۲): ۶۱.

۲- بحارالأنوار، ج ۱۰، ص۱۳۷.

دنیا داده می شد، بندگی می کردند. گروه دیگر، بی طرفانی هستند که شیطان، آنان را فریفته است. آن ها به زعم خود بی طرفند؛ حال آنکه با تماشا و سکوت خود، یاریگر دشمن هستند. گروهی بودند که می گریستند و دعا می کردند که خدایا ! حسین را یاری کن و به همین بسنده کردند.

عامل خودخواهی و دنیاخواهی می بایست با تبیین جایگاه دنیا با رعایت عدم افراط و تفریط، تحذیر از تجمل گرایی و شناسایی و میدان ندادن به دنیاپرستان، درمان شود. نیز توجه به این روایت کلیدی از امام صادق علیه السلام ، نقش مهمی در پالایش انتظار از انگیزه های غیر الهی دارد که در پاسخ ابابصیر که پرسیده بود فرج چه زمانی می رسد؟ فرمود:

آیا تو از کسانی هستی که خواهان دنیا هستند؟ کسی که حقیقت این امر را درک کند، به واسطه انتظارش، برای او فرج حاصل می شود. (۱)

۴_۱. اشتیاق غیر معقول

برخی ذهنیت ها در میان منتظران، متوجه این معنی است که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان علیه السلام برای عمل به انتظار کافی است. چنین کسانی می پندارند که به صرف حضور در جامعه منتظر، به رستگاری رسیده اند؛ از این رو در برابر اعمال و رفتار و وظایف خود

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

مسؤول نبوده و در قبال گناهان خود عذابی نخواهند داشت. این توهم که در قرآن و روایات نیز مردود شمرده شده است، تمنّی یا امید کاذب نام دارد. آن چنانکه اهل کتاب نیز گمان می برند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد. (۱) در روایات دیگری نیز این گروه آرزوپرداز، تکذیب شده اند و تحت عنوان «الْمُتَمَنُّون» از آن ها خبر داده شده است. (۲)

آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار، سبب بروز آسیب هایی می شود که از مهم ترین آن ها می توان به: عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن زدن به انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام و بروز توهم بی جای رضایت از خویش و بدگمانی به دیگران اشاره کرد. در باب بیان خاستگاه چنین عوامل، می توان به: عدم تمایز میان امید و رجاء واقعی با خیال پردازی و آرزوگرایی و عدم شناخت جایگاه حقیقی امید و انتظار، میدان دادن به هوای نفس و توجیه رفتار و اعمال خود و بی توجهی به احکام و شرایط و تکالیف، عدم شناخت خدایِ مهربان و حکیم و گرفتار آمدن در فضای احساسی و غیرمنطقی عدم درک قهر و مهر امام اشاره کرد. با این اوصاف، توجه

۱- « وَ قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلَّا مَنْک انَ هُوداً أَوْ نَصاری تِلْک أَمانِیُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَ کمْ إِنْ کنْتُمْ صادِقِینَ » . (سوره بقره (۲): ۱۱۱) .

۲- شرح نهج البلاغه، ج۶، ص۳۸۳؛ غیبت نعمانی، ص۱۹۷.

دادن افراد منتظر به تأمل و تدبّر در آیات و روایاتی که سلامت اعمال و رفتار را تنظیم کرده، معیارهای عمل صالح را بیان می کنند، (۱) برای مبارزه با این عامل، ضروری است.

ریشه اصلی این عامل در عدم درک جایگاه امام و امامت و خودمحوری و خودخواهی نهفته است؛ به عبارت دیگر کسی که اشتیاق نامعقول در او متولد می شود، از تفقه و شناخت کمی نسبت به دین برخوردار است و منظومه اعتقادی دین را ناقص می پندارد. توجه به آموزه های اسلامی و سنت و سیره معصومان علیهم السلام گویای آن است که در برابر کسانی که به سبب قصور و کوتاهی و دشمنی به اولیای الهی، موضع گرفته اند، گروه دیگری همواره حضور داشته و به سبب سطحی نگری و شوق نامعقول خود، موجبات زحمت و ناراحتی ایشان را فراهم آورده اند. کسانی در مسیر صحیح قرار داشته اند که امر امامت و ولایت الهی را به بهترین شکل فهم کرده و مطیع و آگاه بوده اند. به راستی چنین کسانی اراده امام را بر اراده خویش حاکم کرده، اشتیاق خود را در فرمانبری از امام و نه پیشی گرفتن از او نشان داده اند.

۱- آیاتی مانند محتوای سوره والعصر که شرایط عمل خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی را بیان می کند. [انسان ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یک دیگر را به حق سفارش کرده و یک دیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند]، از این دسته به شمار می روند.

یکی از ویژگی های ممتاز سلمان این بود که خواسته امام را بر خواسته خویش مقدّم می ساخت. منصور بُزُرْج نقل می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «سرورم! چه بسیار می شنوم از شما که سلمان فارسی را یاد کردید»! فرمود: «نگو سلمان فارسی؛ بلکه بگو سلمان محمّدی. می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟» عرض کردم: نه. فرمود: «برای سه صفت؛ مقدّم داشتن خواسته امیر مؤمنان علیه السلام بر خواسته خویش، دوست داشتن فقرا و مقدم داشتن آن ها بر ثروتمندان و دوست داشتن علم و علما». (۱)

۲. عوامل برون فردی

۲_۱. عدم معرفت عمومی

شاید بتوان اصلی ترین و جدی ترین عاملی که به بروز آسیب های اجتماعی در جامعه منتظر می انجامد را عدم معرفت عمومی دانست. این مسأله تنها به افراد منتظر محدود نمی شود؛ بلکه به سطح وسیع تری از عدم معرفت که فضای عمومی و اجتماعی را شامل می شود مربوط شده، تأثیرات عمیق تری از خود برجای می گذارد.

به عبارت دیگر، اگر بروز آسیب های فردی را ناشی از عوامل پیش گفته بدانیم، آنچه سبب پذیرش این عوامل و آسیب های برآمده از

۱- امالی طوسی، ص۱۳۳؛ بحارالأنوار، ج۲۲، ص۳۲۸.

آنان می شود، سطح پایین معلومات عموم جامعه است که به چنین ادعاها و تحرکاتی، امکان ظهور و بروز می دهد.

در چنین زمینه ای «شبهه» و «بدعت» بروز یافته، فضای حیات دینی جامعه منتظر را آلوده می سازد. شبهه که به معنای ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن و مسلم نبودن است، تفاوت چشم گیری با طرح سؤال دارد. سؤال با هدف یافتن مجهول و یافتن پاسخ مطرح می شود؛ اما شبهه با هدف ایجاد نقص و یا کاستی و از روی استهزاء و تمسخر صورت می گیرد. در واقع از آنجا که کمال و سعادت واقعی جامعه بشری در گرو رسیدن به بایدها و نبایدهای حقیقی است، ارزش ها از این زاویه نگریسته می شود؛ بنابراین، هر آنچه که ظاهری شبیه به حق دارد، اما حقیقتاً و واقعاً حق نیست، از مصادیق شبهه شناخته می شود و نام گذاری آن هم به نام شبهه، درست به همین دلیل است؛ شبهه بدین سبب شبهه نامیده شده که شبیه حق است. (۱)

«حق» که از ارزش های پایدار و اصولی در نظام فرهنگی است و خاستگاه خاص خود را دارد و هنجارها می بایست در ارتباط با آن ها باشد، با ورود شبهه ها، دچار اختلاط می گردد و نظم درونی آن ها از بین می رود؛ بنابراین، وجود شبهات و پیدایش آن ها باعث کم رنگ شدن معتقدات دینی می شود و با این کار زمینه لازم برای جامعه پذیری اعضای جامعه در یک جامعه منتظر از بین می رود؛ زیرا ارزش ها و

ص:۱۶۲

۱- نهج البلاغه، ص ۸۱.

هنجارهای حاکم در چنین جامعه ای، دینی نیست و خود موجب فاصله گرفتن اعضای جامعه از دین و حقیقت انتظار می شود؛ هرچند آن ها آن را نخواسته باشند.

همچنین هر جامعه ای از جمله جامعه منتظر، به گونه ای با نوآوری و اصلاح امور خود دست به گریبان است. شاید بتوان گفت نوآوری ها، از ضروریات نظام اجتماعی است؛ هرچند سامان یافتگی نوآوری ها هم از ضروریات نظام های اجتماعی است؛ چرا که در غیر این صورت، بقا و انسجام جامعه، دست خوش تحول و دگرگونی می شود. انتظار، به عنوان بخشی از نظام اجتماعی می باید در گیرودار تغییرات اجتماعی و پیدایش نیازهای جدید و بروز نوآوری های متعدد در سایر زمینه ها، موضعی فعال داشته باشد.

اگر این ضرورت در درون دین و حقیقت انتظار پیش بینی شده باشد، قوام و جاودانگی اش تضمین خواهد شد، در غیر این صورت عوامل بیرونی، این ویژگی را بر آن تحمیل می کنند که در بلند مدت موجب اضمحلال و نابودی دین می شود. اسلام به عنوان یک دین، دارای برنامه زندگی است و در درون خود، تغییرات و دگرگونی ها را پیش بینی کرده، اهرم هایی را برای پویایی خود در نظر گرفته است. اگر این تغییر و تحولات بیرون از خود دین بر او تحمیل گردد، بدعت شناخته می شود. بدعت در اصل«اصطلاحی فقهی» است و به هر چیزی که با سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مخالف باشد، اطلاق می شود و معمولاً به نظریه ها و عادت های جدیدی که از دیدگاه های شخصی نشأت گرفته و در جامعه اسلامی

رواج یافته باشد و نیز به نوآوری ها و عقاید مخالف با اصول دین و سیره پیامبر اسلام گفته می شود.

واژه بـدعت به معنای نسـبت دادن عقاید و دیدگاه های جدید به دین است که با مبانی کتاب و سـنت معصومان علیهم السـلام سازگاری نـدارد؛ از این رو هر چه بیرون از کتاب آسـمانی قرآن و یا سـنت معصومان علیهم السـلام باشد و به عنوان نظر دینی ارائه شود، نظر شخصـی و تفسـیر به رأی است و نمی توان و نبایـد به عنوان دین مطرح شود که در این صورت بدعت شـناخته می شود. بـدعت، هم در بعـد پیـدایش و زمینه فردی خود و هم در بعـد پذیرش و زمینه اجتماعی، معلول عدم معرفت است؛ از این رو جامعه منتظر یکی از مهم ترین عوامل آسیب زای خود را می بایست در ایجاد بدعت جست و جو کند.

اولین گام در پیـدایش بـدعت ها، نادیـده گرفتن روش ها و منابع تفسـیری دین است که ممکن است در برخی شـرایط به دلیل عـدم آگـاهی یـا عـدم رضایت به منابع و یا روش های دینی به روش ها و منابع خاص دیگری روی آورد. در چنین وضـعیتی، برخی باورها در باره بعضـی امور پدیـدار می شود و دگرگونی در سـطح ارزش ها به وجود می آیـد و باعث می شود در سایر بخش ها و لایه های اجتماعی، دگرگونی هایی به وجود آیـد. باید توجه داشت خاسـتگاه پیدایش بدعت ها، خود زمینه ساز و بستر مناسب پیدایش شبهه ها نیز می باشد که هردو عامل، معلول عدم معرفت دینی است.

۲_۲. ضعف جامعه پذیری

مفهوم جامعه پذیری

مراحل یا فرایندی است که شخص راه ها، افکار، معتقدات وسایر خصوصیات مناسبِ مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می آورد که مهم ترین پیامد آن، شناخت خود است وآن ها را جزء شخصیّت خویش می نماید. (۱)

جامعه پذیری سیاسی، روندآموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتارپذیرفتنی از نسلی به نسل دیگر کمک می کند؛ بنابراین هدف جامعه پذیری تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه باشند.

برای نمونه، در بحث های سیاسی، به عقیده سیگل:(۲)«جامعه پذیری سیاسی، یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی درحال تغییر است». (۳)

آلموند و پاول (۴)گفته اند:«درجامعه پذیری سیاسی، روند حفظ یا دگرگونی فرهنگ های سیاسی است؛ بنابراین روند، افراد وارد فرهنگ

ص:۱۶۵

۱- روحانیت و جامعه پذیری سیاسی، ص۲۴ (به نقل از rogers cruton وعلی اکبر شعاری نژاد).

۲- robert sigel

۳- بنیادهای علم سیاست، ص۱۱۸.

۴- Almond and powell

سیاسی می شوند و ستمگری هایشان نسبت به هدف های سیاسی شکل می گیرد». (۱)

رونـد جـامعه پـذیری به روالی آرام وهموارصورت می گیرد و مردم حتی از آن آگـاهی نمی یابنـد. مردم هنجارهایی را که به آن ها تلقین شده است، می گیرند.

عامـل های عمـده جامعه پـذیری عبارتنـداز: خانواده، مـدرسه، گروه های همتا، تجربه های طی دورهکار، رسانه های جمعی و تمـاس مسـتقیم با نظام سیاسـی. البته گروه های همتا یادلبسـته، تأثیر پایـدارتری از مـدارس یادانشگاه ها دارنـد. تجربیات افراد درمیان دوسـتان، درایجاد تغییری کامل در ایسـتارهای ذهنی آنان اساسی است. درنتیجه چنین تأثیراتی، ایستاری خصومت آمیز و پرخاشگرانه به آسانی ممکن است به ایستارهمکاری تبدیل شود یا برعکس. (۲)

جیمز کولمن(۳) عقیده دارد:«درجامعه های پیشـرفته ای مانند آمریکا و سوئد، تأثیرِ جامعه پذیرکننده والدین وآموزگاران، در دوره اولیه جوانی روبه کاهش می گذارد». (۴)

ص:۱۶۶

۱- بنیادهای علم سیاست، ص۱۱۸.

۲- بنیادهای علم سیاست، ص۱۲۱.

۳- G-coleman.

۴- بنیادهای علم سیاست، ص۱۲۲.

۳_۲. فقر و غنای مفرط اقتصادی

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز می تواند باعث ضعف و نقصان دین داری شود. فردی که برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی مادی خود، از صبح زود تا پاسی از شب به طور مستمر به کار سخت و طاقت فرسا تن می دهد، طبیعی است نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد. عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دین داری خواهد شد. باتوجه به این واقعیت، در اندیشه امیرالمؤمنین علیه السلام فقر از جمله علل نقصان وضعف دین داری ذکر شده است. (۱)

علاوه بر فقر اقتصادی، غنای مفرط اقتصادی نیز می تواند زمینه طغیان و فساد را فراهم کرده، از عوامل آسیب زا در دین داری تلقی شود. قرآن کریم، استغنا و بی نیازی انسان را موجب طغیان وگناه می داند. (۲)

به نظر می رسد وجه طغیان گری انسان های غنی وثروتمند، این است که این افراد در اثر تأمین همه نیازهای مادی و رفاه بیش از حد ومتعارف، فقر وجودی تصریح شده در آیه: «یا اَیُّها النّاسُ اَنتُمُ الفُقَراءُ اِلَی اللهِ وَ اللهُ هُوَ الغَنیُّ الحَمیدُ». را فراموش کرده اند که در نتیجه،

۱- نهج البلاغه، حکمت۳۱۹.

۲- سورهعلق، آیات (۹۶): کَلّا اِنَّ الاِنسانَ لَیَطغی اَن رَاَهُ استَغنیَ؛ انسان، هر گاه احساس غنی بودن و بی نیازی کند، طغیانگری و سرکشی می کند.

روحیه استکباری در آنان رشد می نماید. روحیه استکباری و طغیان گری، قید و بندهای معقول و کمال آفرین دین الهی را بر نخواهد تابید. بر نتابیدن احکام دینی و عدم تسلیم در مقابل آن ها، از عوامل آسیب زا به دین داری خواهد بود.

امام علی علیه السلام همانند قرآن، غنا و بی نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان وعصیان می داند؛(۱) نتیجه اینکه فقر وغنای مفرط اقتصادی هردو، می توانند به دینداری آسیب وارد کنند.

۱- غررالحکم ودررالکلم، ج۳، رقم۴۷۰۷.

فصل چهارم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر

اشاره

ص:۱۶۹

به طور کلی بروز آسیب، با به وجود آمدن آثار و پیامدهای منفی و مخرّبی همراه است که باعث بروز مشکلاتی در روند کلی یک ارگانیزم ایجاد می شود. آسیب های فکری و فرهنگی نیز علاوه بر دامن زدن به مشکلاتی در فرد و رشد انفرادی انسان، پیامدهای مخربی در گستره حیات اجتماعی در پی خواهند داشت که مطالعه آن ها در شناخت ابعاد گوناگون آسیب ها اهمیت بسیار دارد.

اینک درصدد شناخت آثار و پیامدهای آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر هستیم که دو گستره فرد و جامعه منتظر را شامل می شود؛ ازاین رو نخست به عمده ترین آسیب های فردی پرداخته، سپس اهم آسیب های اجتماعی را بررسی می کنیم.

ص:۱۷۰

۱. آسیب های فردی

۱_۱. ترس از امام و آرمان های او

نخستین اثر مهمی که در جریـان بروز آسـیب هـای محتمل برای جامعه منتظر در گستره فردی ایجاد می شود، به ترس از امام و آرمان و برنامه او مربوط می شود. ترس از یک چیز به سـبب کمی اطلاع از آن شـکل می گیرد و ابهام ناشی از خلأ علمی در رابطه بـا یـک موضوع، به ترس از آن می انجامـد؛ به عبـارت دیگر از آنجا که درک درستی از یک پدیـده حاصل نمی شود، احتمالات و خیالات گونـاگون امکـان بروز یـافته و از این رو با در نظرگرفتن هر یک از این احتمالات و پیش بینی وضـعیت های ناشی از هریک از آنان، آدمی به وضعیتی خارج از کنترل خود می رسد و در نتیجه، می ترسد.

مروری بر آسـیب هـای جـامعه منتظر کـافی است تا اذعان کنیم پایه اصـلی و اساس همه این آسـیب ها به عـدم درک درسـت موضوعـات و مفـاهیم اساسـی در بستر آموزه مهـدویت مربوط می شود. هر یـک از آسـیب هـایی همچون توقیت، اسـتعجال و ادعاهـای دروغین از درک نـادرست مفـاهیم غیبت و ظهور ناشـی می شود و ابهام در نسـبت اراده الهی و اراده انسانی در تمام این آسیب ها بدیهی به نظر می رسد.

چنین وضعیتی باعث می شود، چه آن ها که به طور مستقیم در جریان این آسیب ها قرار گرفته و چه کسانی که از بیرون نظاره گر این آسیب ها بوده اند به سبب درک نادرست و آگاهی کم از موضوعاتی که به

ص:۱۷۱

وجود مقدس امام عصر علیه السلام مربوط می شود، رفته رفته به ترسی پنهانی گرفتار آیند و همواره از ابهام ناشی از آسیب های پیش گفته رنج ببرند.

در یک آمارگیری که از حدود هزار دختر نوجوان صورت گرفته است، بیش تر آن ها شناختی بسیار مبهم و اندک از مهدویت داشته اند. عمده مشکل آنان این بود که آیا صحیح است وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کند پای اسب ایشان در خون آدم هایی که سر آن ها توسط آقا زده شده است، فرومی رود؟(۱)

در چنین زمینه ابهام آلود و ترسناکی، امکان ارتباط صحیح و مستمر با امام غایب برای افراد منتظر از بین رفته و در نتیجه اصلی ترین اثر آسیب ها در بعد فردی که به قطع ارتباط علمی و عاطفی با امام منتَظَر است، بروز می یابد. نکته حائز اهمیت این است که افراد به طور کلی با آموزه مهدویت آشنایی دارند و در جغرافیا و محیط مأنوس با چنین فرهنگی زیست می کنند؛ اما به سبب آنکه مفاهیم و موضوعات مطرح در این آموزه به خوبی درک نشده و مورد تبیین قرار نگرفته است، انبوهی از ابهامات و سؤالات بی پاسخ، زمینه بروز یافته و به ترس از امام منجر می شود.

این ترس باعث می شود زمینه هرگونه همراهی و استقبال از برنامه ها و آرمان های امام از بین برود. از آنجا که این موارد به درستی فهم نشده

۱- فصلنامه تخصصی انتظار، شماره ۱۲، چشم اندازی بر برخی از آسیب های تربیتی مهدویت.

است، در نتیجه، آثار مخربی در عمل افراد منتظر ایجاد می شود. با بررسی عکس العمل های مختلف و گوناگونی که در جریان نهضت امام حسین علیه السلام از سوی افراد متفاوت ابراز شد، می توان به عمق و گستره این آثار پی برد. درک نادرست و مبهم به جایگاه امام و اصول حاکم بر قیام او نه تنها باعث تنها ماندن امام و بی پاسخ ماندن دعوت او شد؛ بلکه واقعیت های تلخی در سطح اجتماع پدید آورد و به انحطاط اجتماعی جامعه منتظر امام انجامید.

۲_۱. گریز از امام و آرمان های او

یکی از ضروریات حیات بشری، زندگی در دنیا به عنوان بخشی از آن حیات و زندگی مستمر است. از آنجا که اسلام، حیات بشری را از دو مجموعه که به لحاظ شکلی و ظاهری از یک دیگر متمایز هستند می داند، زندگی در دنیا و سپس معاد را در راستای هم قرار می دهد. تأثیر و تأثر این دو بخش، لوازمی را در باورها ایجاد می کند و همین امر به سطح هنجارها کشیده می شود؛ بنابراین، باورهای ذهنی و قالب های عمل می بایست به گونه ای شکل گیرد که متناسب با آن باور اصولی و بنیادی باشد.

بر همین اساس، دنیاگرایی به معنای دلبستگی و سرسپردگی به دنیا از آنجا که باعث فراموشی آخرت می گردد، مذموم شناخته می شود. این غفلت در شکل گیری قالب های ذهنی، تعریف ارزش ها و هنجارهای عمل مؤثر می افتد. چنانکه در دوره های مختلف تاریخ – به ویژه دوران

زندگی معصومان علیهم السلام، ــ دنیاگرایی برخی عناصر، تأثیر زایدالوصفی در کنش های اجتماعی آنان داشته است که از پیمان شکنی تا کفر و خروج از دین را شامل می شد. (۱)

ترس از امام در مراحل بعدی، به ایجاد دوگانگی در تمایلات و نهایتاً بروز نفرت از امام منتهی می شود. هنگامی که افراد به وضعیت کنونی زندگی خود بسنده کرده و به کسی که می خواهد این وضع زندگی را تغییر دهد، شناخت کافی ندارند، رفته رفته از این عامل تغییر، تنفّر یافته و درصدد مقابله با آن برمی خیزند.

تأکید بر یادآوری رسالت مهم تاریخی جامعه منتظر، خود بهترین مکانیزم اجتماعی برای پیش گیری از کجروی ها و دنیاگرایی های جامعه منتظر است و به عاملی تبدیل خواهد شد که تنظیم رفتارها بر اساس هنجارهای دینی و بازدارنده از کجروی های دینی را تضمین می کند. اهرم پاداش و تنبیه در تنظیم زندگی روزمره افراد، تأثیر قابل توجهی دارد. (۲) بر این اساس، بروز آسیب های جامعه منتظر باعث می شود که رسالت تاریخی آن تحت شعاع اثرات سوء این آسیب ها قرار گرفته و در تقابل با گرایشات دنیاگرایانه، فراموش گردد.

بدیهی است در یک جامعه منتظر، روابط اجتماعی نیز می باید بر

۱- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه۳، ص۴۹.

۲- روایاتی که در فضیلت منتظران وارده شده است یا به شرافت اقوام زمینه ساز اشاره دارند، در همین چارچوب قابل فهم و بررسی است.

اساس هنجارهای انتظار صورت پذیرد تا در پرتو التزام بدان ها ضمن تأمین خوشایندی و رضایت کنش گران، آن ها را به سمت سعادت و کمال رهنمون شود. برخی قالب ها و الگوهای عمل با هنجارهای دینی ناسازگار است که از منظر دین، کجروی قلمداد می شود و به عینیت یافتن انتظار در جامعه آسیب می رساند. ناگفته پیداست چه بسا در مواردی این رفتارهای نابهنجار موجبات رضایت و خوشنودی کج اندیشان را فراهم کند.

در این خصوص، موارد متعددی وجود دارد که بعضی از آن ها برای نمونه ذکر می شود؛ از جمله دروغ و خلاف واقع سخن گفتن است که ابتدایی ترین اثر اجتماعی آن به خطر انداختن امنیت مخاطب است. او نمی تواند به گفته و ادعای گوینده، اعتماد و اعتقاد پیدا کند. سرپیچی از هنجار سخن گفتن (که همانا راست گویی است) موجب سلب اطمینان مخاطب نسبت به متکلم می شود. ایمان گوینده را نشانه می رود و آن را از میان می برد. (1) از این رو حداقل پیامدهای مخربی که آسیب هایی از قبیل ظهور مدعیان دروغین یا توقیت و تطبیق علایم ظهور با مصادیق خاص به وجود می آورند، ایجاد جو نا امن و نامطمئن در میان منتظران است.

از دیگر آفت های دینداری، دروغ در جهت گیری کنش ها است. ظاهر امر در چنین مواردی چنین است که عمل به سوی خدا جهت گیری

۱- نهج البلاغه، خطبه۸۶، ص۱۱۶.

شـده است؛ امـا در اصل و باطن، جهت گیری برای غیر خـداست که در این صورت نیز «ریا» یعنی نقطه مقابل ایمان تحقق می پذیرد. از جمله موارد دیگر «حسد ورزیدن» به دیگران است که چه بسا حسد باعث شود اعضا در مقابل یک دیگر و در مسیر راه هـای زنـدگی، موانعی ایجـاد کننـد و به جـای آنکه تعامـل آن هـا، صورت تعـاون و همکاری به خود بگیرد، رنگ و بوی تخـاصم و ممـانعت داشته باشـد. شـکل پیش رفته حسـد ممکن است در کینه توزی و دشـمنی، خود را نشـان دهـد و به ایجاد اختلاف میان منتظران منجر شود.

به طـور کلی، مواردی از کجروی که در تعامـل هـای اجتمـاعی موجب نادیـده گرفتن حقوق دیگران شود، ظلم به حسـاب می آیـد و این مفهـومی است که طیـف گسـترده ای از کنش هـا را شامـل می شـود. ممکن است ظلم به عنـوان یـک عمـل فردی صورت پـذیرد؛ اما در اینجا مقصود، آن شـکلی است که حقوق دیگران نادیـده گرفته شود. خاسـتگاه و منشأ پیدایش همه این آفت ها و کجروی ها، نادیده گرفتن الزام های دینی و به جای آن، تبعیّت از هوا و هوس های خود اسـت(۱) که با روح انتظار تغایر دارد. چیرگی و غلبه هوا و هوس ها و تمایلات شخصی، موجب می شود اعضای جامعه منتظر، هنجارهای دینی را نادیده گرفته، بر اساس میل خود راه بپیمایند که در این صورت تنها می باید به بروز اختلافات و تشتّت بسیار چشم دوخت.

ص:۱۷۶

۱- نهج البلاغه، کلام ۵۰، ص۸۸.

از دیگر پیامدهای آسیب های جامعه منتظر که بر تعاملات فردی اعضای جامعه تأثیر بسزایی دارد، تفسیرهای نادرست از کنش های دیگران و سوء ظن به آن هاست. در صورت بروز چنین حالتی، معتقدات دینی اعضای جامعه با آسیب روبه رو می شود؛ زیرا بر اساس آموزه های دینی نمی توان و نباید تفسیر نادرستی از اعمال و رفتار دیگر اعضای جامعه داشت؛ بلکه می بایست همواره رفتار آنان را در یک قالب و الگوی مقبول و متناسب با اخلاق و هنجارهای دینی تفسیر و تعبیر کرد. اگر شخص منتظر، دچار سوء ظن باشد، به ناچار کنش های کنش گران را بر اساس آن قالب و گرایش ذهنی خود تفسیر می کند و بر اساس آن تفسیر، کنش خود را به سمت آنان جهت گیری می نماید. طبعاً در چنین فضایی ارتباطات انسانی و تعاملات اعضای جامعه منتظر از شکل هنجاری خارج شده، رنگ و بوی خصومت و ستیزه جویی، هرج ومرج و... پیدا می کند.

در همه این موارد نادیده گرفتن هنجارهای دینی در تنظیم کنش های اجتماعی باعث می شود انسجام و همبستگی اجتماعی اعضای جامعه منتظر، دست خوش آسیب گردد وهمواره خصومت ها، عامل اصلی و مرکزی شناخت و تفسیرکنش ها وتنظیم روابط اجتماعی شود.

۳_۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار

انتظار، در کلیت خود به تمام ابعاد زندگی افراد منتظر مربوط می شود؛ اما برای تحقق آن در عینیت حیات فردی منتظران، می باید به

موانع آن نیز توجه داشت. روح منفعت طلبی و زیاده خواهی هر انسانی به دنبال آن است که بایدها و نبایدها را بر اساس تمایلات خود تفسیر کند. این ویژگی در بدو امر، خصوصیت طبیعی قلمداد می شود؛ اما وقتی با سایر موارد به صورت نظام وار در نظر گرفته می شود، به دلیل آسیب یا آسیب هایی که به سایر بخش ها وارد می کند، نیازمند کنترل و جهت دهی است.

از این رو باید متذکر شد که در انجام الزامات و هنجارهای دینی نباید خود را آزاد دانست و در انجام تکالیف و فرایض، با سستی و تساهل و یا نادیده گرفتن و تسامح برخورد کرد؛ بلکه می باید آنچه از ناحیه دین به عنوان باورها، ارزش ها و هنجارها و مناسک دینی آمده است، تمام و کمال صورت پذیرد؛ و گرنه تسامح وتساهل در این تکالیف، موجب آسیب به سایر بخش ها می شود؛ از این رو مهم ترین پیامد بروز آسیب در جامعه منتظر، بی توجهی به تکالیف انتظار و بایسته های حیات منتظرانه است.

هر چند مواردی که امکان چشم پوشی و آسان گیری در آن ها وجود داشته، توسط خود دین، پیش بینی شده است و به همین علت، دین «سمحه و سهله» می شود؛ اما این ویژگی نباید بهانه ای شود برای آنکه منتظران به حداقل ها در ظرف ذهن و عین رضایت دهند. چنانکه رضایت به حداقل ها، موجب چشم پوشی از تکالیف انتظار و در نتیجه، غفلت از فلسفه انتظار می شود.

این فرمانبرداری، طیف گسترده ای از تکالیف انتظار را در بر

می گیرد. از آسان ترین آن، که تلاش در جهت کسب معرفت و آگاهی دینی است شروع شده و تا دشوارترین آن ها، که تلاش عملی در جهت عینیت بخشیدن به انتظار در حیات فردی و اجتماعی است را پوشش می دهد.

۲. آسیب های اجتماعی

۲-۱. ناامیدی افراد جامعه

عمده ترین پیامد اجتماعی که از آسیب های جامعه منتظر ناشی می شود، به ناامیدی افراد جامعه و سرخوردگی رفتاری و تردید فکری آنان مربوط می شود. بروز هر یک از آسیب های جامعه منتظر که ذکرشان گذشت و نیز تکرار بروز آن ها سبب می شود رفته رفته در موضوعات و گزاره هایی که به این آسیب ها مرتبط است، دچار ابهام و تردید شده، از لحاظ رفتاری نیز نسبت به این موارد بی تفاوت گردند.

این وضعیت، به نوعی به ناامیدی اجتماعی دامن می زند که امکان هرگونه اصلاح و رشد را از میان برده و از معاضدت و تعامل افراد جامعه منتظر در راستای انجام وظایف و تکالیف خود می کاهد. این وضعیت، باعث بروز بحران ها و انحرافات فکری و عملی خاصی می شود که همچون گذشته تاریخ، (۱) خطر وقوع آن ها محتمل است.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

ناامیـدی و بی تفـاوتی جـامعه منتظر، مهـم ترین اثر خـود را در ترک وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نشـان خواهـد داد. از آنجـا که همه افراد جامعه منتظر، در انتقال و آموزش صـریح یا پنهان ارزش ها و هنجارها و نیز نظارت بر التزام یا تخطی از آن ها نقش به سـزایی دارنـد و همین امر موجب بقای باورهای فرهنگی و در نتیجه حفظ وحدت و انسـجام جامعه منتظر می شود، پرداختن به امر به معروف و نهی از منکر که لازم و ملزوم یک دیگر به حساب آمده و توأم با هم اثربخش هسـتند، اهمیت می یابد. در ادبیات دینی و در کلام معصومان علیهم السـلام این دو فرآیند اجتماعی ـ دینی امر به معروف و نهی از منکر شـناخته و معرفی می شـود و اگر این دو در ساختـار اجتمـاعی، از جایگـاه خود برخوردار نباشـد، پیامـدهای نـاگواری به دنبـال خواهد داشت؛ به همین دلیل حضرت علی علیه السلام اعلان خطر کرده، چنین تذکر می دهد:

... مفاسد آشکار شده، نه انکار کننده و تغییر دهنده ای پیدا می شود و نه بازدارنده ای به چشم می خورد. آیا با این وضع می خواهید در دار قدس خدا و جوار رحمتش قرار گیرید و عزیزترین اولیائش باشـید؟ هیهات! خدای را درباره بهشت جاویدانش نمی توان فریفت و هیـچ کس قادر به جلب رضایتش نیست، مگر با اطاعت از او. خداونـد، امر کنندگان به معروف را که خود ترک کننده معروفند و نیز نهی کنندگان منکر را که خود مرتکب آن می شوند، لعنت می کند. (۱)

۱- نهج البلاغه، ص۱۸۸.

ویژگی یـک جامعه پویا آن است که در سلسـله مراتب طولی باورها و عقایـد تا هنجارها و عمل، روش یکسانی داشـته باشـند. عمل ها منطبق با اجزای نظام فرهنگی و نظام فرهنگی پاسـخ گوی نیازهای جامعه باشـد. این هم گونی باعث می شود در ذهن اعضای جامعه ایسـتارهای ارزشـی، تحقق عینی به خود ببینـد و در مقام عمل، التزام بدان ها مشاهده گردد. حال اگر جامعه ای دسـتخوش عـدم تعادل شد، میان این دو لایه، ناهم گونی وتعارض پدیدار می شود و باورها، در مسـیری ره می پیماید و عمل، در سویی دیگر. این فرایند در کلام دیگری از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

ای مؤمنـان! هر کس ظلم و سـتمی را مشاهـده کنـد یـا کار زشتی که مردم را به سوی آن می خواننـد، اگر تنها به قلبش آن را انکار کند، سلامت را اختیار کرده است و گناهی بر او نیست و آن کس که با زبان و بیان آن را مردود شمارد، مقامش برتر از گروه نخست است و آن کس که با شمشـیر برای بزرگـداشت نام خـدا و سـرنگونی ظالمان به مبارزه برخیزد، او به راه هدایت راه یافته و بر جاده حقیقی گام گذارده و نور یقین در قلبش تابیده است. (۱)

در این کلام به هر دو مکانیزم نظارت اجتماعی غیررسـمی و کنترل اجتماعی رسمی اشاره شده است. پایان کلام ایشان، بیانگر این واقعیت است که این نظارت، ضامن سلامت، سعادت و تعادل جامعه و اعضای

۱- نهج البلاغه، ص۵۴۲.

آن خواهـد شـد. چنین مکـانیزمی دقیقاً درباره جامعه منتظر صـدق می کنـد و لزوم عمل به تکالیف اجتماعی انتظار را بیش از پیش تأکیـد می کنـد. اجرای امربه معروف و نهی از منکر در جامعه منتظر، حاکمیت انتظار در آن جامعه را تقویت کرده، مانع آسیب آن می شود.

۲_۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان

نـاگفته پیـدا است دغـدغه هر مسـلمان متعهـدی، راهنمایی بشـر و نوع انسان ها به سوی فلاح، رسـتگاری و سـعادت است. این وظیفه، در خصوص حفـظ ایمان مسـلمانان، دو چنـدان می شود؛ چرا که عالمان و متفکران مسـلمان، خود را مسؤول دینـداری مسـلمانان می داننـد و هر آنچه که به دینـداری آن هـا، خواه در ذهن و خواه در عین، آسـیب برسانـد را آفت دانسـته، با آن به مبارزه بر می خیزنـد. تلاش خسـتگی ناپذیر و مجاهدت تاریخی فقها و علمای شـیعه در طول عصـر غیبت، گویای این حقیقت است که همواره دفاع از کیان مذهب و راهبری جامعه منتظر شـیعه در خط مستقیم امامت و حفظ حدود فکری و واقعی آن در رأس فعالیت های علمی و عملی ایشان بوده است.

با توجه به پیش بینی های پیامبر از آینـده جامعه اسـلامی و ایمان آوردن آینـدگان به آرمان های والای اسـلام و توجه دادن به امامت دوازده امام پس از او و غیبت طولانی دوازدهمین امام ناچار برای تضـمین تداوم رهبری اسـلامی ـ در عصر غیبت کبرا ـ باید برای امام غایب جایگزین و قائم مقامی باشد تا کمال، جامعیت و جاودانگی اسلام به خطر نیفتند؛

بنابراین رهبری در عصر غیبت امام معصوم، اصلی منطقی و معقول و نهادی عقلانی و بسیار ضروری و هماهنگ با اصول اولیه اسلام است.

مرجعیّت فقیه بـا کفـایت و جامع شـرایط، بهترین فرض ممکن در صورت غیبت امام معصوم است؛ به همین دلیل نهاد مرجعیّت در متن تعلیمـات دین مطرح بوده تـا مشـکل و معضل جامعه منتظر را در عصـر غیبت تا حـدود زیادی برطرف کننـد. شـیعه، به برکت چنین نهـادی در طول تاریـخ پرپیـچ و خم و با بـدترین شـرایط اجتماعی و حکومتی در بهترین وضـعیت فکری، علمی و سیاسی قرار داشته است.

آیه مبارکه «تفقّه و انذار»(۱) و آیه «سؤال از اهـل ذکر»(۲) خط کلی شـریعت را در فهم و فراگیری احکام دین از متخصـصان مطرح نموده و آیه حکومت دین توسـط انبیاء و اوصـیاء «ربّانیون و احبار» (علما و دانشـمندان)(۳) مرجعیّت سیاسـی خط علم و فقاهت را که در پیامبر و امامان و فقهای جامع شرایط متبلور می باشد، تشریع و تقنین کرده

۱- « وَ مـا کـانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کـافَّهً فَلَوْ لا ـ نَفَرَ مِنْ کـلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الـدِّینِ وَ لِیُنْـذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ » . (سوره توبه (۹): ۱۲۲) .
۲- « وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَک إِلاَّ رِجالاً نُوحِی إِلَیْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکرِ إِنْ کنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ » . (سوره انبیاء (۲۱) : ۷).
۳- « إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراهَ فِیها هُدیً وَ نُورٌ یَحْکمُ بِهَا النَّبِیُّونَ الَّذِینَ أَسْـلَمُوا لِلَّذِینَ هادُوا وَ الرَّبَّانِیُّونَ وَ الْأَحْبارُ بِمَا اسْـتُحْفِظُوا مِنْ کتابِ اللَّهِ وَ کـانُوا عَلَیْهِ شُـهَداءَ فَلاـ تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ وَ لاـ تَشْـتَرُوا بِآیـاتِی ثَمَنـاً قَلِیلاًـ وَ مَنْ لَمْ یَحْکمْ بِمـا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِـک هُمُ الْکافِرُون » . (سوره مائده (۵) : ۴۴).

است. روایات وارد شده از پیامبر نیز علما را وارثان انبیا دانسته و فقها را امانت داران پیامبران و حاکمان بر مردم و امیران قرار داده است.

همچنین روایات معصومان لزوم تقلید از فقها و مرجعیّت علمی و دینی آنان را یاد کرده و آنان را حاکم و حجت مردم قرار داده است. نهاد وکالت و نیابت در عصر«غیبت صغرا»، فعال ترین و مهم ترین نهاد متصل به نهاد امامت امام معصوم بوده، حلقه وصل میان عصر حضور و عصر غیبت به شمار می رود. توقیع مهم امام عصر علیه السلام درباره رجوع به علما و راویان حدیث اهل بیت هم، لزوم پیوند با فقها و دانشمندان را بیش از پیش تأکید می کند. (۱)

با این وجود، آنچه سبب می شود میان این رکن و حصن عظیم و مردمان جامعه منتظر فاصله افتد، به آسیب های فکری و رفتاری و آثار برآمده از آن ها مربوط می شود که دامن گیر جامعه منتظر شده است. عوامل انحراف ذهنی، گاه به موضوعات برمی گردد؛ زیرا ممکن است برخی مجموعه های معرفتی باعث کجروی ذهنی شود و گاه به روش ها بر می گردد؛ چه آنکه ممکن است یک مجموعه معرفتی خود، زمینه سعادت باشد؛ اما اگر از روش خاص آن علم به فراگیری پرداخته نشود آفاتی را به دنبال خواهد داشت.

مهم ترین نقش عالمان و دانشمندان آن است که در علم آموزی، فعالانه برخورد کرده، حضور جدی داشته باشند. وقتی فضای روابط

۱- وسائل الشیعه، ج۲۷، ص۱۴۱.

انسانی میان عالم و دانشمند و پرسش گر و دانشجو، جایگاه خود را بیابد، علم آموزی فراگیر می شود و میل به پرسش گری از دانشمندان تقویت می شود و این امر، تضمین گر شیوع بصیرت دینی درباره انتظار و رسالت تاریخی جامعه منتظر خواهد بود؛ اما اگر اخلاق و هنجارهای حاکم رعایت نشود، دانشجویان و طالبان علم به سراغ اهل علم نمی آیند و در این صورت است که نیازمندان علمی با مجهولات خود باقی می مانند و جهل و نادانی بر آن ها چیره می شود. دوری از فقها و دانشمندان که از آثار اجتماعی آسیب های جامعه منتظر محسوب می شود، خود زمینه ساز بروز مسایل و مشکلات بی شمار دیگری خواهد شد.

حال اگر این مجهولات مربوط به حوزه دین باشد، تأثیر آن دو چندان می شود؛ زیرا مردمان جامعه منتظر نمی توانند رفتارهای خود را با هنجارهای دینی مطابق سازند و افراد جامعه، هم نوا با دین شوند. اصولاً در این وضعیت، مردمان، از هنجارهای دینی، اطلاعات لازم و کافی ندارند تا رفتارهای خود را با آن همنوا سازند و از این خطرناک تر وقتی است که همین پرسشگران به جای مراجعه به دانشمندان و اهل علم متخصص و با کفایت، به کسانی که صلاحیت لازم را ندارند، روی آورند و همین امر باعث پیدایش هرج و مرج ها شده، دین آن ها به مخاطره می افتد.

۳_۲. گسست میان نسل های تشیع

با آغاز غم انگیز عصر غیبت، جامعه شیعیان وارد دوره جدیدی از حیات تاریخی خود شد. این مرحله نه تنها شرایط خاص خود را دارا بوده که اساساً طریق هدایت الهی در آن نیز در مقایسه با ادوار پیشین

متفاوت است. جریان هدایت الهی در قالب حجت های خداوند، این بار به صورت طولی گسترش یافته و همزمان با مدیریت امام عصر علیه السلام ، فقها به عنوان مرجع و ملجأ جامعه شیعه وارد عمل شدند. این رویه تا بدان جا ادامه یافت که بررسی حیات تاریخی تشیع در عصر غیبت، به دلیل پیوند محکم جریان مرجعیّت با واقعیت های زندگی شیعیان، در گرو شناخت مراحل تکامل مرجعیّت شیعه است.

جریان مرجعیّت، علاوه بر حفظ علوم و معارف مبنایی جامعه منتظر به عنوان نخ تسبیحی عمل می کند که نسل های تشیع را در مسیری واحد نگه داشته و به پیش می برد. در واقع آنچه باعث شده تا تشیع از اقلیت در آمده، برابر انبوه فشارهای سیاسی و اجتماعی و حتی مذهبی سربلند باشد، وجود عنصری همیشگی و مستمر به نام مرجعیّت است که البته در زمان های مختلف، بسته به نیازها و شرایط هر دوره، در چهره های متفاوت به ظهور رسیده است.

به عبارت دیگر، آنچه خط انتظار و حیات تاریخی جامعه منتظر را برابر آشوب ها و تحولات بی شمار حفظ کرده و بر صراط نجات محکم نگاه داشته است، وجود نهاد فقاهت و مرجعیت است؛ علاوه بر این، مطالعه جریان مرجعیت و رهبری در عصر غیبت، گویای شرایط هر دوره از تاریخ تشیع است؛ از این رو مرجعیّت شیعه، آینه دار حیات جامعه منتظر در طول تاریخ به حساب می آید.

در عصر غیبت کبرا با توجه به شرایط عینی جامعه اسلامی و جامعه شیعه و با توجه به اهداف کلی دین و امکانات و تجربیات فقها و مراجع،

می توانیم برای نهاد مرجعیّت مراحلی را ترسیم نماییم که در این مراحل حرکت بالنده این نهاد مجسم می شود. با توجه به اهداف حرکتی و انقلابی دین و شیوه های مبارزه برای رسیدن به حاکمیت دین، سه مقطع تاریخی مورد توجه مورخان برای نهاد مرجعیّت بوده و می باشد. (۱)

در مرحله نخست، پنهان کاری در زمینه ارتباط دینی و سیاسی پیش از شروع غیبت کبرا آغاز می گردد و به تناسب شرایط سیاسی هر منطقه، درجه«تقیه» تنظیم گشته و رابطه مردم با فقها و مراجع خود، تحقق می یابد. دولت های انقلابی شیعی در این دوره، زمینه را برای ظهور _ البته به تناسب قدرت و فضای جغرافیایی آن دولت _ مهیا کردند. در مرحله دوم، تلاش برای تصدی حکومت شکل می گیرد که با توجه به اینکه فقها، خود زمام امور را مستقیماً به دست نگرفته بودند، تلاش فوق تشخص نمی یابد. در مرحله سوم و هنگام تصدی حکومت که با آغاز قرن پانزدهم و به طور مشخص در قالب انقلاب اسلامی در ایران شروع می شود، با توجه به تجربیات تلخ گذشته که فقها به دیگران اعتماد می کردند و به تدریج دولت و حاکمان، دچار انحراف فکری یا عملی می شدند و به فساد قدرت کشیده می شدند و زمام امور را از کف می دادند، یک فقیه جامع الشرایط، خود مسؤولیت مستقیم ولایت و رهبری سیاسی را بر دوش می گیرد.

رابطه شیعیان با نهاد مرجعیت در طول تاریخ عصر غیبت نیز سیر

ص:۱۸۷

۱- ر.ک: تاریخ عصر غیبت، فصل هشتم. در این بخش، با مروری بر برخی از مهم ترین مسایل عصر غیبت کبرا دورنمایی از حیات تاریخی جامعه منتظر به تصویر درآمده است.

تکاملی خود را یافته است. در نخستین مراحل، این ارتباط به صورت فردی و مستقیم مردم با مراجع در حد استفتاء و افتاء بود که تا زمان علامه حلی۱ ادامه یافت. تشکیلاتی شدن دستگاه مرجعیت و ارتباط مردم توسط وکلای مرجع با او و تقسیم وکلا بر مناطق مختلف، گام دوم ارتباط تاریخی مردم با مرجعیت را رقم زد. در مراحل بعدی که تا ورود استعمار ادامه یافت، مرجعیت متمرکز شد و جامعه بزرگ شیعی، رهبر بزرگ خود در نهضت انتظار را در قالب مرجع وقت می شناخت. پس از این دوره است که با ورود مراجع به سیاست و مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و حرکت به سوی حاکمیت اسلام در صحنه زندگی و در سطح سیاسی و بین المللی، دور تازه ارتباطات جامعه منتظر شکل می گیرد.

این پیشینه پرافتخار و طولانی که به عنوان دسترنج تاریخی جامعه منتظر در عصر غیبت شکل گرفته است، نیازمند ارائه و انتقال به نسل های آینده تشیع بوده که در این میان بروز آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر، مانع این رخداد مهم می شود. دامن زدن و گرفتار آمدن جامعه منتظر در آسیب های فکری و رفتاری، سبب می گردد ارتباط آن با سنت، از بین رفته و امکان برقراری ارتباط با نسل های گذشته از میان برود. در چنین زمینه ای است که رسالت تاریخی جامعه منتظر تحت تأثیر واقع شده، در آرمان نهایی آن، ابهامات و سستی هایی به ظهور می رسد.

از این رو یکی از مهم ترین آثار و پیامدهای بروز آسیب در جامعه منتظر را می بایست در ایجاد گسست میان نسل های تاریخی تشیع جست و جو کرده و برای بررسی و مطالعه گستره این پیامدها و راه های مقابله با آن تلاش کرد.

ص:۱۸۸

فصل پنجم: راهکارهای مقابله با آسیب در جامعه منتظر

اشاره

ص:۱۸۹

تهاجم به تعالیم و فرهنگ غنی اسلام، امری تازه ومختص به زمان حاضر نیست؛ بلکه از آغاز اسلام، به اشکال مختلفی رخ نموده، تا کنون نیز ادامه یافته است. قرآن کریم، روش مقابله با هجمه های دشمنان را بیان فرموده است؛ آنجا که می فرماید:

«فَمَن اعتدی علیکم فَاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم»؛(۱)

پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرد، تعدی کنید.

آیه شریف می تواند بر این مطلب دلالت کند که همان گونه که در جنگ نظامی اقتصادی، به همان شیوه باید مقابله کرد، در جنگ فرهنگی و فکری نیز باید از روش های فکری و فرهنگی بهره جست. علاوه بر این، آموزه روشن قرآنی که مشی کلی مقابله را ترسیم فرموده است، روش رویارویی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام با انواع هجمه های فرهنگی نیز باید الگو و راه گشای رسانه های جمعی در تدوین برنامه های راه بردی قرار گیرد.

۱- سوره بقره(۲): ۱۹۴.

۱. پیشگیری از آسیب

اشاره

اصـل این است که در جـامعه، آسـیب و انحرافی پدیـد نیایـد و در صورت پدیدآمـدن، مزمن نشود تـا نیـاز به درمان واصـلاح واحیاناً سـختگیری و زنـدان باشـد. بـدین سـان ضـروری است بخشـی از اقـدامات مسؤولان جامعه، در این رابطه باشـد. بخش حاضر، به بررسی چنین مسأله ای اختصاص داده شده است.

فصلی از آن در زمینه ضرورت ها در پیشگیری است وفصل دیگر در زمینه اقدامات لازم در امر پیش گیری است که در آن از کلیـات اقـدام در این رابطه، در زمینه هـای مختلـف فرهنگی، اجتمـاعی، سیاسـی، اقتصـادی وهم در جنبه محیـط بحث به عمل خواهد آمد. فصلی دیگر، در رابطه با شیوه های لازمی است که در پیش گیری ها باید مطرح و مورد نظر باشند.

طرز فکر درباره پیدایش انحرافات این است که آغاز آن همانند بذری است که در محیطی مساعد یا نامساعد کاشـته می شود. اگر زمینه برای رشد و پرورش آن مساعد باشد، رشد کرده، سر از خاک در می آورد، و بزرگ می گردد.

در نظام حیات اجتماعی اسـلام، پیوسته پیش گیری از وقوع انحراف، مقدم براصلاح است؛ اما آیا پیش گیری از وقوع انحراف امکان پذیراست؟جواب آری است؛ زیرا انسان ها دارای فطرت و طبیعتی خدا آشـنایند و امر تربیت پذیریشان بسیاری از مسائل را حل کرده وامور مورد انتظار جامعه اسلامی ومسؤولان را محقق خواهند ساخت.

ص:۱۹۱

یکی از راهکارهای زیبای قرآن، پیش گیری از بسترسازی انحطاط است. قرآن برای کسانی که خواستار شیوع زشتی ها وگناهان قبیح، میان افراد با ایمان هستند، در دنیا و آخرت، عذابی دردناک تعیین می کند:

«اِنَّ الَّذینَ یحبُّونَ اَن تَشیعَ الفاحشه فِی الَّذینَ امَنوُا لَهُم عذابٌ الیم فی الدُّنیاوَالاخرَه»(۱)؛

همانا کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، در دنیا وآخرت دچار عذابی دردناک می شوند.

اسلام، با توجه به این نکته که غریزه جنسی، نیرومندترین غریزه آدمی بوده وآن گاه که شعله ور شود، حوادث هولناک به وجود می آورد، ازآنچه زمینه ساز طغیان شهوات است باز می دارد:

زینت های خود را جز آن مقدار که ظاهراست، آشکار نکنند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند[تا گردن وسینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهر خویش و یا...آنها در حال راه رفتن، پاهای خود را برزمین نزنند تا زینت پنهان شان آشکار شود.

در این آیه، آشکار کردن زینت ها، سه بار نهی شده است؛ زیرا سبب کشیده شدن افراد جامعه به فساد و فحشا و در نتیجه، غفلت از یاد خداست. فراتر از این، قرآن از سخن گفتن زنان، به گونه ای که

۱- سوره نور (۲۴): ۱۹.

نامحرمان در ایشان طمع کنند، باز می دارد:

«فلا تَخضَعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض»(۱)؛

در گفتار نرمی نکنید، تا آن کس که در دل بیماری دارد، طمع نکند.

عامل دیگری که به پیش گیری از انحراف کمک می کنـد، بیان عاقبت انحطاط است. قرآن، برای پیشگیری از انحراف انسان ها و نیز، به منظور عبرت آموزی آن ها، کسانی را از تاریخ مثال می زنـد ومی فرمایـد که خداونـد، شالوده زندگی آنان را از اساس ویران کرد وسقف بر سرشان فرو ریخت وعذاب الهی از جایی که نمی دانستند به سراغشان آمد.

تبیین سرنوشت اقوام نوح، عاد، ثمود، شعیب، لوط وطغیانگران دیگر، در آیات بسیار، برای بازداشتن جامعه از چنین سرنوشتی است. در آیات الهی، چنین سرانجامی برای کسانی که در انحطاط فرهنگی فرو می روند، تصویر شده است.

روش دیگر برای پیش گیری، دعوت به تفکر و تـدبراست. قرآن برای هـدایت مردم به راه درست، از همگان می خواهد تفکر و تـدبر کننـد. واژگـانی هماننـد« لعلکم تعقلون»، «افلاـ تعقلون»، «لیـدبروا آیـاته»و... هشـدارهای قرآنی است که مردم دچـار انحراف نشوند.

طبیعت آدمی، طبیعتی خوپـذیر و پندپـذیراست. هیچ کس ذاتاً و فطرتاً منحرف آفریده نمی شود و اصولاً نفس ارتکاب جرم و انحراف،

۱- سوره احزاب (۳۳): ۳۲.

آموختنی است. طبیعی است امر پیش گیری و اصلاح نیز آموختنی باشد. منحرفان نیز چون بیماران هستند که ابتلائاتی دارند و قابل درمانند به شرطی که راه و روشی برای درمان و اصلاحشان حاذقانه عرضه و ارائه شود. در جمع، عوامل کنترل بسیاری در فرد و اجتماع وجود دارند که پیش گیری را ممکن می سازند و در این زمینه از مذهب، اخلاق، ضوابط و مقررات اجتماعی، وجدان و...قابل ذکرند.

نخست این مسأله مطرح است که از چه چیزی پیش گیری کنیم؟ پاسخ، یک کلمه است؛ پیش گیری از انحراف. اما انحراف چیست؟ در این مورد پاسخ روشن و صریحی وجود ندارد. برخی، انحراف را در همان چیزهایی منحصر می کنند که ما تحت عنوان جرم یا گناه و زمانی تخلف یا جنایت ذکر می کنیم و البته این مسأله ای است که مورد تأیید بیشتر آسیب شناسان است.

ناگفته نماند که در برخی جوامع، حتی ناتوانایی های بدنی، فلج بودن، نابینایی، کند ذهنی و لکنت زبان در ردیف انحراف به حساب می آید.

۱_۱. ریشه شناسی در پیش گیری

در پیش گیری، این مهم است که هرگز به قطع شاخه های یک انحراف اکتفا نکنیم که امکان رشد وجوانه زدن آن بسیار است. اصل، این است که ریشه و منشأها را بشناسیم و اگر بنای اقدامی است، کارو تلاش را از آنجا آغاز کنیم.

ص:۱۹۴

بـدین سان ضـروری است که مسؤولان جامعه بداننـد و بیابند که منشأ انحراف چیست و در کجا پدید می آید. ریشه خطر باید شنـاخته شود وآنگـاه اقـدام گردد. در مسأله ای چون اعتیاد، الکلیسم، ولگردی و...گاهی به مبارزه با مواد مخـدر پرداخته و یا امـاکن سـاخت وتوزیع مشـروب را تعطیـل می کنیم که البته این کـاری ضـروری است؛ ولی ضـروری تر این است که خانواده وجنبه های ایمانی و اعتقادی افراد را تقویت کنیم تا چنان زمینه ای پدید نیاید؛ زیرا بخشی مهم از علل مربوط به تن دادن افراد به این لغزش ها، خانواده است. بیشتر تبهکاران وکـج انـدیشان در خانواده های نابسامان رشد و پرورش یافته اند وآشـفتگی ها در روابط زوجین و والدین و فرزندان، موجب چنین وضعی شده است.

۱–۲. پیش گیری و سلامت فرد

در پیش گیری هـا همیشه توجه به جمع وحیـات جمعی نیست؛ بلکه در مواردی حفظ سـلامت خود فرد هم مطرح است. شاید اساس هم همان باشد؛ چون جامعه، چیزی جز ترکیبی از افراد نیست. اگر افراد، سالم و تندرست باشـند، جامعه نیز سالم خواهد ماند و برعکس.

و نیز این نکته باید مورد توجه باشد که در جنبه انحراف، ظاهراً تکیه به یک فرد است و ما یک نفر را در جامعه می بینیم که با انحراف خود در صـدد فنـای خویش است؛ ولی اگر گسترد گی روابـط انسـانی را در نظرآوریم و به خانواده و اعضای خانواده او، به فرزندان و نسلی که از او پدید آمده یا

می آیند، به شبکه گسترده ارتباطات او با دوستان و معاشران توجه کنیم؛ خواهیم دریافت که اثرات انحراف تا چه حد بال و پر می گستراند و چه جمعی را تحت تأثیر قرار می دهد. بدین سان سلامت فرد و پیش گیری انحراف را در رابطه با او، اندک و ناچیز تلقی نکنیم.

۱-۳. پیش گیری و سلامت جامعه

جلوگیری از وقوع انحراف، در حقیقت گامی برای حفظ شخصیت و ارزش انسانی، مصون داشتن انسان ها در سقوط و افتادن به دام خطر، وبالاخره پیشگیری از افتادن جامعه به وادی سقوط وانحطاط است.

جامعه شناسان، در پیش گیری، به این بعد قضیه بیشتر توجه کرده اند، ولی اصل بر این است که همه چیز از جامعه ای کوچک حتی از خانواده شروع شود: «قُوا اَنفُسَکُم وَ اَهلِیکُم نَاراً»(۱)

اگر یک دهم بودجه ای که برای تنبیه منحرفان و یا درمان آن ها صرف می شود، صرف تربیت و پیش گیری آن ها نماییم، هم آثار و نتایج آن بیشتر است و هم صدمه انحراف برای افراد جامعه کمتر. اگر در اثر سهل انگاری در پیش گیری، جامعه ای بیمار شود، اعاده سلامت کاری بس سخت و دشوار خواهد بود و دیگر فردا با تهدید وخشونت هم امکان پذیر نخواهد بود.

تبلیغات و ارشادات، خصوصاً رسانه ها، باید تحت کنترل باشند،

۱- سورهتحریم (۶۶): آیه ۶.

واردات جامعه، به خصوص محصولات فرهنگی بایـد تحت ضابطه باشـند. محیط های شـغلی و تفریحی بایـد زیر نظر باشـند تا زندگی شرافتمندانه برای همگان فراهم گردد.

شبکه ای وسیع از مسؤولان متعهد نیز لازم است تا امر ارشاد و هدایت نسل را سازمان دهی کنند و شیوه دفاع از خود و شرافت و حیـات خود را به آنـان بیاموزنـد و نیز مـدافع منـافع آنان باشـد. بی شک، قـدرت اجتماعی، خود از عوامل بازدارنـده و پیش گیری کننـده است؛ ولی اگر تحت نظر قـدرت هـای اجرایی کـار نکنـد در مواردی ممکن است برای مسؤولان درد سر ایجاد کند.

۲. شناخت و بصیرت

از راه کارهای مهم مقابله با آسـیب، شناخت و بصیرت است. با نگاهی به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دوره ۲۳سـاله در می یـابیم که اولین اقـدام حضـرت برای تبلیغ دین، روشن گری و آگـاهی دادن به مردم بود. پیـامبر اسـلام بـا بیـان آموزه هـای دین اسـلام و تفسـیر قرآن، عقول و معرفت انسـان ها را رشـد داد و علم ودانایی را به جای جهل و نادانی نشانـد تا اعراب در پرتو رشد عقلی و علمی، فرهنگ و آداب و رسوم فرهنگ جاهلی را رها کرده، و پذیرای دین مبین اسلام گشتند.

تاریـخ از حکومت رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم حکومتی بر اساس شمشـیر و جنگ ترسـیم نمی کند؛ بلکه حکومت حضرت از ابتدا بر پایه عقل و منطق و روشن گری است و در صورت عدم تأثیر، روش گفت وگو و ارشاد و در

مرحله بعـد از آن، جهـاد قرار دارد. بصـیرت دهی و روشن گری، سـیره و منش امامان هـدی: نیز بوده است. فریاد روشن گرانه حضرت زهرا۳ برای مقابله با انحرافات پیش آمده بعد از رحلت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم، خطبه های روشن گرانه امام علی علیه السـلام و دیگر امامان: در صـحنه های گوناگون رویارویی با افراد جامعه و دشمنان دین، بیانگر روش برخورد امامان با فتنه ها و انحرافات است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی: هم خود بصیر بودند و هم جامعه را به بصیرت وآگاهی فرا می خوانند. آن هـا هیـچ گـاه از غفلت و جهـل مردم یـا از تعصـبات قومی و جاهلی آن ها یا از راه تحریک دشـمنان و فریب دادن آن ها برای رسیدن به اهداف خود بهره نگرفتند. خداوند متعال خطاب به رسول گرامی اش می فرماید:

«قُل هذِه سَبیلِی اُدعُوا اِلَی الله عَلَی بَصِیره اَنا وَمَن اتَّبَعَنِی؛(۱)»

بگواین راه من است و پیروانم و با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنم.

آیه شـریف، گویای نقش مهم بینش و بصیرت در افکار و افعال انسان است. ارزش و اعتبار باورها وعملکردهای انسان، وابسته به نوع بینش و نگرش اوست؛ به همین دلیل همه پیشوایان دین بر بصـیرت دهی به مردم تأکید داشـتند. بصـیرت به معنای بینش عمیق و دقیق به مسائل اجتماعی، سیاسی، معنوی و... وتوانایی شناخت اشخاص، گروه ها،

۱- سوره یوسف (۱۲): ۱۰۸.

شرایط، رفتارها، حب وبغض ها، اهداف و انگیزه ها، تعلقات و هوس ها ودرک صحیح و فهم درست از همه این وقایع وتحلیل و ارزیابی آن ها با ملاک دین است. با توجه به این تعریف می توان گفت دو رکن اصلی بصیرت عبارت است از تشخیص جوانب مختلف یک مسأله وتحلیل آن جوانب بدون توجه به احساسات و هواهای نفسانی.

در پرتو بصیرت، می توان حق را از باطل و دوست را از دشمن به خوبی باز شناخت و درباره پیش آمدهای گوناگون، واکنشی صحیح و مناسب نشان داد. بصیرت، امری درونی است؛ اما چهره بیرونی قوی دارد که در طرز سخن گفتن و رفتار کردن ونوع گزینش های فرد در برخورد با روی دادها نمایان می شود. فرد بصیر، هنگام بحران و فتنه ها می تواند مسیر حق را بشناسد و راه رشد و سعادت را تشخیص داده، در آن مسیر حرکت کند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

«انّما البَصیر من سمع فَتَفَکّر ونَظر فَابصروَانتَفع بالعِبَر ثم سَلَک جَدَداً واضحاً یَتجنَّبُ فیهِ الصَّرعَه فیِ المَهاوی»؛(۱) انسان بصیر کسی است که به درستی بشنود واندیشه کند وبه درستی بنگرد وآگاه شود واز عبرت ها پند بگیرد، پس راه روشنی را بپیماید واز افتادن در پرتگاه ها دوری کند.

آنچه در این فرمایش برجسته است نتیجه به کارگیری بصیرت است

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳.

که مانع از سقوط در پرت گاه می شود. البته عوامل دیگری همچون عقل، علم ودانایی، تاریخ وسرگذشت گذشتگان، در روایات برشمرده شد که به ایجاد بصیرت کمک می کند.

۳. فرهنگ سازی

۳–۱. مفهوم شناسی فرهنگ

اساسی ترین و زیباترین عنصریک جامعه «فرهنگ» «culture» آن جامعه است؛ چرا که سایر شؤون جامعه از فرهنگ آن جامعه ناشی می شود. فرهنگ، آدمی را صاحب هویّت و شخصیّت می کند و از کنج تاریک بی نام و نشان به پهنهروشنی خودشناسی و خودآگاهی و هشیاری می کشاند. به درستی که فرهنگ، سنگ بنای تمدن است و همه حوادث زندگی باید از طریق آن جریان یابد. به دلیل این که فرهنگ در تمام شؤون زندگی ریشه دوانیده است، نمی توان تعریف جامع وکاملی از فرهنگ ارائه کرد.

نخستین گام برای آشنایی کامل با فرهنگ، توضیح واژه «فرهنگ» از نظر لغت می باشد:

واژه «فرهنگ» از زبان پهلوی (فارسی میانه) از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. «فر» یا «فرّه» نمودِ بارقه الهی که بر دل انسان تجلّی می کند و مایه تعالی و کمال نفس می گردد و «هنگ» یا «هنج» از مصدر هیختن یا هنجیدن، به معنای آوردن و جلوه گرساختن

ص:۲۰۰

است. فلذا فرهنگ تجلّی کمال و تعالی در انسان و جامعه است. (۱)

درکتاب لغت برهان قاطع آمده است:

فرهنگ با کاف فارسی بر وزن و معنای فرهنج است که به علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی گفته می شود. درکتاب لغات فارسی، نام مادرکیکاوس باشد، شاخ درختی را نیز گویند که در زمین خوابانیده ازجای دیگرسرآورد. (۲)

معرفی فرهنگ، کاری سهل وممتنع است. فرهنگ پدیده ای انتزاعی است که از روی آثارش شناخته و تعریف می شود؛ لذا غالب تعاریف از آن، بر فراورده های آن بنا شده است؛ مانند نوع خوراك و پوشاك، شیوه های ساخت وساز و چگونگی گفتمان و شناخت جهان که در زبان و ادب متجلی می شود.

فرهنگ، مجموعه ای کیفی، شامل ارزش ها، فرآورده های هنری، مذهبی، فلسفی و تجلیات فکری، ذوقی وعاطفی است که با ویژگی مهم آفرینندگی، حیات جوامع انسانی و تمدن بشری را ضمانت می کند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) پدیده عظیم فرهنگی است که بر پایه بنیادهای اسلام شیعی استوار گردید. از مبانی استوار این تحول عظیم فرهنگی، توجه به موضوع مهدویت و زمینه سازی برای استقرار نظام آرمانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

۱- بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، ص ۳۵.

۲- برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱.

بنـابراین روشـن است که فرهنـگ و فراینـد اصـلاح فرهنگی، نقش بی بـدیل و راهـبردی در زمینه سـازی ظهـور دارد. انقلاب اسلامی ایران نیز وقتی موفق خواهد بود که در راستای دست یابی به این اهداف اصلاحی و فرهنگی حرکت کند.

به همین دلیـل احیـای فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ، نقش بی بـدیل راهبردی در زمینه های ظهور وحتی در دولت مهـدوی دارد و می توان تحقق توحیـد وسـپس عـدالت را در اصـلاح انحرافـات اعتقادی و رفتاری، از مهم ترین نمایانگر های فرهنگی و راهبردهای دولت مهدوی به شمار آورد.

امـام خمینی(ره) فرهنـگ را از امـور مهـم به شـمار می آورد که در رأس امـور واقـع شـده است. (۱) آن بزرگـوار می فرمود: «مملکت صحیح، با فرهنگ صحیح، محقق می شود»(۲) و

راه اصـلاح هر مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصـلاح، بایـد از فرهنگ شـروع بشود؛ زیرا فرهنگ، مبـدأ همه خوشـبختی هـای ملت است و فرهنـگ هـای ناصالـح و تربیت هـای حاصـل آن موجـد فسـاد بـوده، جـوان اسـتعماری تحویـل مملکت می دهد(۳).

حضرت آیتالله خامنه ای در بیان اهمیت مسائل فرهنگی و فرهنگ

ص:۲۰۲

۱- صحیفه امام، ج۱۲، ص۴۷.
۲- صحیفه امام، ج۱، ص۳۹۰.
۳- صحیفه امام، ج۳، ص۳۰۵-۳۰۶.

ملی اسلامی اظهار می دارد:

این جانب به مسائل فرهنگی بهای زیادی می دهم و اعتقاد راسخ دارم که قوام یک کشور و ملیت یک ملت، به فرهنگ آن ملت است و بیش از هر چیز فرهنگ یک ملت وجه تمایز او را با سایر ملت ها نشان می دهد. (۱)

مقام معظم رهبری همچنین در راستای مهندسی فرهنگی کشور فرمود:

یکی از مهم ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگی کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و فرهنگ عظیم درونزا و صیرورت بخش وکیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان ها وجامعه به وجود می آید، چگونه باید باشد؟ اشکالات و نواقصش چیست و چگونه باید رفع شود؟کندی ها ومعارضاتش کجاست؟مجموعه ای لازم است که این ها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد. (۲)

۲_۳. فاکتورهای مؤثر در فرهنگ سازی

بی تردید رسانه های جمعی مانند رادیو و تلویزیون، در جایگاه عمده ترین ابزار و رسانه فرهنگی که به طور تقریبی در تمام مکان های زندگی و اشتغال حضور دارند و تقریباً همه مردم به گونه ای متأثر از تبلیغات آن می باشند، بیشترین نقش را در ایجاد و ترویج فرهنگ دارند.

۱- خبرگزاری ج، ا، ا، ۱۳۷۵ : ۲۴۲.

۲- بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، ۸ دی ۱۳۸۳.

رسانه می توانـد توجه افکار را به سوی ارزش های انسانی و یا به عکسِ آن جهت دهی کند. از آن جا که در اندیشه و نگرش اسـلامی، هـدف غـایی و آرمانی، هـدایت و رشـد الهی انسان است، این هـدف وجهت گیری ها بایـد در همه شؤون حکومتی متبلور باشد.

دین و معنویـات: نگـاهی اجمـالی به وضـعیت تمـدن و فرهنـگ دنیای معاصـر به خوبی نشان می دهـد که پیشـرفت های مادی وتمدنی بشـر با سـرعت سـرسام آوری افزوده می گردد؛ ولی رشد و تمدن مادی و یا بخش مادی فرهنگ با بخش معنوی آن، همراه نبوده وجهان در حوزه فرهنگی به پس می رود و فرآورده های معنوی فرهنگ، همانند اخلاق و دین باوری با توسعه ای موزون، هم پا با تمدن وفن آوری های مادی، ارتقا وتعالی نیافته اند؛ لذا وضعیت فرهنگی موجود چه در جهان کنونی وچه در جهـان اسـلام از شـرایط مطلوبی برخوردار نیست وحتی کشور مـا نیز از این آسـیب مصون نمانـده است؛ به همین دلیـل اجرای اصلاحات فرهنگی جهت تمهید ظهور دولت موعود، ضروری به نظر می رسد.

در نتیجه چون بنیاد اصلی فرهنگ وتمدن اسلامی، خدا محوری واسلامیت آن است، تقرب بیشتر به این اصل شرط اصلی بقا و اعتلای مجدد فرهنگ اسـلامی وتمهید زمینه ظهور به شمار می رود؛ زیرا دین فقط یک عامل از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ نیست؛ بلکه واقعیت دین داری، کل فرهنگ را تشکیل می دهد وهر چیزی از وحی الهی سرچشمه می گیرد.

به همین دلیل احیای فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ،

ص:۲۰۴

واجد نقش بی بدیل وراهبردی در زمینه سازی ظهور وحتی در دولت مهدوی است و می توان تحقق توحید و سپس عدالت را در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری، از مهم ترین شاخص های فرهنگی وراهبردهای دولت مهدوی به شمار آورد.

آموزش: در نظام دینی، آدمیان به نهایت تزکیه، بلوغ و تکامل اخلاقی و فرهنگی می رسند، فساد وانحراف ها اصلاح می شود و کینه های بندگان از دل هایشان زدوده می شود. غنا و بی نیازی، جای حرص و طمع را می گیرد. الگوی توسعه فرهنگی در سیره معصومان علیهم السلام به ویژه معصومانی که فرصت تشکیل حکومت یافته اند، تلاش برای نیروسازی و تربیت وآماده سازی آن ها بوده است.

نگاه به سیره امام علی علیه السلام در این زمینه راه گشاست. آن حضرت، در نامه به عثمان بن حنیف، فرمان دار بصره، درباره ضرورت بینش دهی و تعلیم امت نزد امام فرموده است

بدان هر پیروی، پیشوایی دارد که به او اقتدا می کند و از نور علم وی منور وآگاه می شود. (۱)

نیز فرموده است:

بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش، اسلام و ایمان را بیاموزد. (۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲- غررالحکم ودررالکلم، ج۲، ص۲۹.

بر مبنای همین سیره علوی در روایات آمده است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن حیات طیبه موعود، خود به تعلیم و تفسیر واقعیت های قرآن به مردم همت می گمارد و اسرار این مصحف شریف را برای آن ها تشریح می کند. این گسترش فرهنگ علم آموزی وحکمت در جامعه بشری، به گونه ای خواهد بود که به فرموده امام باقر علیه السلام در زمان مهدی علیه السلام به مردم حکمت یاد می دهند. (۱) تا جایی که زنان خانه دار هم حکمت می آموزند و بی نیاز از دیگران، بر اساس احکام الهی و نبوی به قضاوت می پردازند. (۲)

کانون این نظام گسترده آموزشی و فرهنگی، مساجد خواهد بود و در عصر ظهور، طبق نقل روایات، مساجد عظیم و فراوان ساخته خواهد شد. در شرایط امروز که در عصر پر تلاطم غیبت قرار گرفته ایم این وظیفه خطیر، بر عهده خواص سنگینی می کند، رسانه ها با توجه به امکانات وسیع اطلاع رسانی و آگاهی بخشی که در اختیار دارند، باید جامعه منتظر را از حقایق دینی سرشار سازند، تا آسیب های رنگارنگ، آنان را دچار انحراف نسازد؛ زیرا بسیاری از انحرافات به دلیل فقدان اطلاعات به روز و صحیح است.

نظام و منشور فرهنگی دولت مهدوی نیز در پیمان نامه حضرت با یارانش نیز به چشم می آید، که جنبه آموزشی نیز دارد. آنجا که امام

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۵۲.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۵۲.

مهدی با یاران عابد و زاهد خود برای شروع عملیات اصلاحی و الهی عدالت گسترش، میثاقی می بندد که به واقع می توان از آن به منشور فرهنگی دولت طیبه مهدوی یاد کرد. درحدیثی که از امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده، چنین آمده است:

از یارانش بیعت می گیرد که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره وگندم وجو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در باره چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر وخز نپوشند، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را نا امن نکنند، از اعمال منافی عفت اجتناب کنند، خوراکی را نیندازند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی بگریزند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و....

در مجموعه دعاهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در صحیفه مهدیه گرد آمده است نیز می توان نظام فرهنگی دولت مهدوی را مشاهده کرد. در معروف ترین این ادعیه، ضمن در خواست هدایت الهی برای خود و امتش، از خداوند متعال توفیق فرمانبرداری، شناخت و معرفت، جدیت و شوق و رغبت و علم آموزی، زهد و بی رغبتی به دنیا، نصیحت و خیرخواهی، نیت پاک وبی آلایش، رأفت و رحمت، وقار و متانت، توبه،

ص:۲۰۷

حیا و عفت، تواضع وسعهصدر، صبر و قناعت، پایداری، دادگری ومهربانی، انصاف وسرشت نیکو درخواست می کند:

اللهم ارزقنا توفیق الطاعه وبعد المعصیه و...(۱).

رفتار پرجاذبه: از مهم ترین شیوه های فرهنگ سازی و به تعبیر بهتر، فرهنگ پروری، رفتارهای فرهنگ ساز است؛ یعنی رفتاری اجتماعی که ویژگی های خاص ظرف وقوع آن و نیز محبوبیت یا وجاهت مصدر وقوع آن ظرفیتی پدید می آورد که فرهنگ ساز است و ارزش آفرین. فرض این است که برخی رفتارها اگر از جانب فردی با محبوبیت یا وجاهت اجتماعی و در ظرف مکانی و موقعیتی ویژه صادر شوند، زمینه ساز شکل گیری ارزش فرهنگی می شود و متعاقباً در شبکه فرهنگ جامعه، به خصوص توسط رسانه ها گنجانیده می شود.

جاذبه بزرگان هر جامعه و میزان اعتماد پذیری مردم به آنان، عامل مهمی در ارزش آفرینی و فرهنگ سازی است. حدیث «الناس علی دین ملوکهم»؛ «مردم بر دین پادشاهان خود هستند» و «الناس بامرائهم اشبه منهم بآبائهم»؛ «مردم به حاکمان خود شبیه ترند تا از پدرانشان» از وجهی ناظر به همین معنا است؛ امیران و نخبگان هر قومی، وجاهت اجتماعی دارند و رفتارشان نیز فرهنگ ساز است؛ لذا فرهنگ جامعه، شیوه رفتار حاکمان و نخبگان را به خود می گیرد و درجه این فرهنگ سازی از تربیت پدران بیشتر است. از سوی دیگر، گاه گفتار یا اشاره ای

۱- بلد الامین، ص۳۴۹؛ صحیفهالمهدی، ص۱۹.

اگر در ظرف روان شناختی وجامعه شناختی مطلوبی بنشیند، منشأ چنان تأثیری خواهد شد که نظام فرهنگ شناختی جامعه را دست خوش تغییر خواهد کرد.

بخشی از ظرفیت فرهنگ ساز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایجاد فرهنگی جهانی با جهت گیری الهی، نتیجه جاذبه فراگیر وخدادادی ایشان است. بنابر حدیث نبوی، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مردم زمین وآسمان دوست می دارند. (۱) چنین انسانی را باید در عصر قحطی خوبی ها و کسادی بازار فضیلت ها و زیبایی ها تصور کرد. شگفت نیست اگر عالمی حیران او شوند و دل به مهر او سپارند. سیرت مهدی چنان است که مردم، محبت او را به جان می نوشند. آری؛ در دورانی که قحطی محبت است و روابط میان مردم جهان بر اساس قانون و به مدد حضور پلیس و محاکمه تنظیم می شود و کسی را غم دیگری نیست، سیرت و سیمای صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر قلب ها حکم خواهد راند وخلقی را بی اختیار شیدای خود خواهد کرد.

اینک رسانه ها، برای تضمین موفقیت راهبردهای فرهنگی، باید فرهنگ را به همه صورت هایش لحاظ کنند و از طراحان و مجریان راهبردهای فرهنگی مدد بگیرند و به مسأله ظهور و قیام موعود نظری افکنند. قیام حضرت، اول کار است و اندیشه های فرهنگ شناختی و فرهنگ سازی، میدان مجال خود را در آن دوران خواهند یافت.

۱- شیعه ورجعت، ص۱۶۸.

خودشناسی: حدیث مشهور «مَن عَرفَ نَفسَه فَقَد عَرف ربَّه»(۱) از امام علی علیه السلام سرلوحه بهره مندی از یک زندگی مطلوب و مؤثر است. مدینه فاضله، بدون «خودشناسی» بی معنا است. در دهه های اخیر، روان شناسان در بررسی اختلالات رفتاری و انحرافی اجتماعی، به این نتیجه رسیده اند که بسیاری از اختلالات و آسیب ها، در ناتوانی برخی افراد در تحلیل های «خود» و«موقعیت» خود ریشه دارند. بدین ترتیب، حال که نمی توان مانع تغییرات و پیچیدگی های جامعه و گسترش روابط اجتماعی و بین فردی شد، راهی جز آماده کردن افراد، به ویژه نسل نو خاسته برای روبه رو شدن با آسیب های گوناگون و دشوار زندگی جدید باقی نمی ماند و با این استدلال است که خود شناسی اساس موقعیت شناسی است، کسی که خود را بهتر بشناسد؛ زمان، مکان و شرایط را بهتر می شناسد؛ زیرا انسان با پیرامونش تعریف می شود.

خود شناسی، همچون پلی برای دسترسی به خودسازی است وچون موجبات آگاهی از موضوع تربیتی را فراهم می آورد، برای خودسازی لازم شمرده شده است. خودشناسی اگر توأم با سه رویکرد زیر باشد، مفیدتر است:

الف. قبول خویشتن؛

ب. واقع بینی به جای بزرگ بینی یا خود کمتربینی؛

۱- غررالحکم ودررالکلم، ج۲، ص۱۶۴، رقم۳۰۱: «کسی که خود را شناخت، هر آینه خدایش را شناخت».

ج. امید و آرمان وحرکت.

انسان خود شناخته، متناسب استعدادهای خویش گام بر می دارد، از ترس نمی هراسد، در مقابل آسیب ها مقاومت می کند و شکست را نه تنها مرحله ای از زندگی، بلکه لازمه زندگی می داند؛ زیرا آغاز فرازهای بعدی است.

خود آگاهی؛ نخستین مرحله در فرایند انتخاب است. ما استعدادهای خاص خود را نادیده می گیریم. همین طور ممکن است احساس کنیم اگر در حال حاضر از مهارتی استفاده نمی کنیم. دیگر نمی توانیم مدعی داشتن چنین مهارتی باشیم؛ چون به گونه ای از دستمان رفته است. همه این فرض های کاذب و نادرست باعث می شوند قابلیت های خود را فراموش کنیم. همین که شناسایی مهارت های خود را آغاز کنیم، از هویت واقعی خود، فراتر از مرزهای تنگ نظرانه، آگاه می شویم. تصمیم گرفتن برایمان آسان می شود. به راحتی تسلیم هر آسیبی نخواهیم شد. از سوی دیگر، پی بردن به انگیزه های بسیاری از اعمال، به ویژه رفتارهای نابهنجار، تا حدودی به شناخت بیشتر خود، یاری خواهد کرد. آموزه های دینی، علت بسیاری از خصایص ناپسند را، ذلت وحقارت های نفسانی فرد معرفی کرده است؛ همان گونه که علل خصال نیکو را غنا و عزت نفس انسانی دانسته است. در شیوه های تربیتی قرآن، نخست اکرام شخصیتی و تبیین جایگاه شایسته انسانی و سپس شناساندن استعدادهای او و به کارگیری روش های صحیح در باروری آن ها است.

«وَلَقَد کرَّمنا بَنی آدَم وَحَمَلناهُم فی البَر وَالبَحر وَرَزَقناهُم مِنَ الطَّیِّباتِ

ص:۲۱۱

وَفَضَّلناهُم عَلی کَثیرٍ مِمَّن خَلَقنا تَفضیلاً»(۱)

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن ها را در دریا و خشکی حمل نموده، به آنها روزی پاکیزه بخشیدیم وآنان را بر بسیاری از خلایق برتری دادیم.

در آغاز آیه، از اکرام انسان و زمینه سازی اسباب معیشت و برآوردن نیازهای ارتباطی او سخن می گوید و در پایان با برتری بخشی او بر سایر موجودات، از جایگاه و موقعیت ویژه او یاد می کند.

خانواده: یک اجتماع برنامه ریزی شده وسازمان یافته است که از آن می توان به واحد بنیادین جامعه یا سنگ بنای اجتماعی تعبیر کرد. خانواده در یک رویکرد اجتماعی، مجموع زن، شوهر و فرزند (فرزندان)است و یک«گروه اجتماعی» به شمار می رود که برای رسیدن به مقاصد خویش، چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت، اهداف خرد وکلانی را ترسیم کرده و برای رسیدن به این مقاصد، محتاج برنامه ریزی، سازمان دهی، کنترل و رهبری برای کل خانواده و برای مجموعه اقدامات اعضای خود است.

آنچه مسلم است، اینکه هیچ یک از این اقدامات، نافی تمهیدات سازمانی و اجرایی مناسب در قالب برنامه ریزی های کلان حکومتی نیست. برنامه ریزی های توسعه فرهنگی در حوزه خانواده، از ضرورت پایه ای برای تحقق جامعه سالم برخوردار است.

۱- سوره اسراء(۱۷): ۷۰.

ایـده جهـانی سـازی در دو دهه اخیر که فراینـد جهانی شـدن سـرمایه داری و در نوردیـدن مرزهای جغرافیایی، ملی و فرهنگی است، سـرمایه داری نوین را ترویـج کرده و به برنـامه هـای فرهنگی وآموزشـی بـا گستره فرا ملی توجه می نمایـدکه نتیجه آن تربیت انسان هایی به عنوان شهروند جامعه واحد جهانی است.

فرهنگ جهانی می کوشـد مرزهای اعتقادی و ارزشـی را به نفع همجواری جهانی از میان بردارد و تمام ارزش ها و شـیوه های فرهنگی مختلف را به یکسـان ارج نهـد؛ از این رو، فرهنگ های منحطی همچون بت پرستی و لامـذهبی در کنار فرهنگ غنی آسمانی از اعتباری یکسان برخوردار خواهند شد.

از این رو، تأکیـد بر موقعیت ممتاز دختران در غالب تقدیس نقش مادر و همسـری وتوجه به خانواده و ترغیب پسـران به احراز موقعیت های متفاوت به عنوان نان آور خانواده، نگرشی ضد توسعه ای به شمار می رود.

در حـالی که چشم انـداز ملی خـانواده در نظـام جمهوری اسـلامی ایران به معنای برخورداری زنان از تکریم روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصـادی، حق همسـری و مـادری و توجه به نیازهـای خـانواده و اجتمـاع بـا توجه به نقش های مکمّل زن و مرد در خانواده واجتماع است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، براهمیت نظام خانواده تأکید شده است که نشان از اهمیت خانواده در تولید و حفظ فرهنگ دارد:

ص:۲۱۳

خانواده، واحـد بنیادین جامعه وکانون اصـلی رشـد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشـکیل خانواده که زمینه سـاز اصـلی حرکتی تکـاملی و رشـد یابنـده انسان است، اصل اساسـی بوده، فراهم کردن امکانات، برای نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است.

اصل دهم قانون اساسی نیز می گوید:

از آنجا که خانواده، واحـد بنیادی جامعه اسـلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در تـدوین چشم انداز جمهوری اسـلامی ایران در افق ۱۴۰۴، در مسـیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسـی، «نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض وبهره مند از محیط زیست مطلوب»مطرح شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی(۱) در بخشی از اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست های تحکیم و تعالی آن آورده است:

اعضای خانواده به ویژه والدین نسبت به حفظ حرمت و صیانت خانواده از آفت وآسیب ها وتوانا نمودن اعضا در ابعاد شناختی و رفتاری برای هدایت آن ها در مسیر الی الله و حصول به حیات طیبه مسؤول می باشند.

۱- جلسه ۵۶۴، مورخ۷/۴/۸۴.

با توجه به موارد فوق الذکر، به خوبی روشن است که نقش خانواده در فرهنگ سازی، نقشی تعیین کننده می باشد.

محیط زیست: انسان ها سرانجام – و شاید هم خیلی دیر _ متوجه شدند که برای ادامه زندگی نباید به طور خشونت آمیز، با محیط زیست خود رفتار کنند؛ بلکه باید تعادلی ظریف با طبیعت را تحقق بخشند که تنها راه زندگی هماهنگ با جهانشان است. این کشف، هرچند اهمیت زیادی در زندگی مادی دارد، تأثیرش برجامعه و بر فرهنگ نیز از آن کمتر نیست. محیط زیست، چارچوبی است که کنش های بشر در آن انجام می شود. هرچه انسان می آموزد و به وجود می آورد، می شناسد ومی شناساند، در غالب محیط زیست است. همان طور که محیط زیست بر فرهنگ اثر می گذارد، فرهنگ نیز بر محیط، بر ادراک ما از آن و بر ارزشی که برای آن قائلیم تأثیر دارد.

وقتی فرهنگ، مطابق تعریف، مجموعه ای از رسوم، ارزش ها واعتقادها است، که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، تسلط ما بر محیط مادی، از طریق انتقال شناسایی های انباشته شده، به نسل های بعدی می رسد؛همین طور هم انباشته شدن وسپس انتقال دادن های تجربی از نظر اجتماعی و فرهنگی است که تحول و تکامل خانواده، نهادهای بشری و جامعه را میسر می سازد.

پس محیط زیست ما به صورت قالب فرهنگ ما در می آید و به عکس، زیر تأثیر محیط ما است که فرهنگ ما بر ما اثر می کند. این کنش متقابل، آن قدر اساسی است که ما را یاری می کند تا نقشی را که

ص:۲۱۵

هنر باید در جامعه ما بازی کند، با دید تازه ای بررسی کنیم.

امروزه هنرها به نهادهای بزرگی چون موزه، وتآتر وابسته اند؛ لذا باید بیش از پیش منابع و وسایلی را که به مردم امکان آموزش فرهنگی می دهند و آنان را به مسأله محیط زیست آگاه می کنند، از حال تمرکز خارج ساخت؛ به ویژه باید از وسائل ارتباطی استفاده کرد. در چارچوب نهادهای موجود و نهادهای تازه، مراکزی فرهنگی به وجود آورد که در دسترس همه مردم باشند و در ضمن به نیازهای علاقه مندان مختلف پاسخ دهند.

رابطه میان فرهنگ و محیط طبیعی دو سویه ومتقابل است. محیط طبیعی در شکل گیری نیازها و نحوه پاسخگویی به آن ها، نقش مؤثری دارد؛ چنانکه موجب شکل دهی به بافت مادی ـ نظیر ابزار، فنون، مسکن وغیره ـ و بافت معنوی ـ نظیر معتقدات، باورها، ارزشها، هنرها وادبیات ـ حیات انسانی می شود وبدین ترتیب تنوع محیط طبیعی، موجب تنوع فرهنگ جوامع انسانی می گردد.

فرهنگ نیز متقابلاًـ در محیط طبیعی تأثیر دارد. «فرهنگ برای انسان همان کارکرد تطابق با محیط را ایفا می کند که غریزه برای حیوان». (۱)

با پیشرفت علوم، تأثیر فرهنگ بر محیط نسبت به گذشته بیشتر شده وموجبات تسلط انسان بر محیط طبیعی فراهم گردیده است.

۱- کنش اجتماعی، ص۱۳۶-۱۳۷.

انسان به کمک فرهنگ، خود را از یوغ طبیعت می رهاند و به جای آنکه در مقابل تحریکات محیط طبیعی دستخوش تغییرات ارگانیک شود، طبیعت را موافق حال خود تغییرمی دهد. (۱)

زبان: زبان، یکی از عناصر فرهنگ است که موجب انتقال و تداوم آن می شود. هر نوزاد، استعدادی بالقوه برای تلفظ همه اصوات موجود در جوامع بشری را داراست؛ اما تا زمانی که در جریان جامعه پذیری (فرهنگ پذیری) قرار نگیرد، نمی تواند این استعداد خود را فعلیت بخشد و با افراد دیگر«تعامل اجتماعی»(۲) برقرار کند.

بنابراین تکوین زبان در افراد، از طریق فرهنگ پذیری صورت می گیرد. همین زبان در افراد نه تنها موجب کنش متقابل و تداوم فرهنگ می شود؛ بلکه رشد و شکوفایی اندیشه افراد را نیز سبب می گردد.

فکر از طریق زبان به زندگی پا می گذارد. دنیای ذهن تا زمانی که قالب های کلمات به آن جسمیت نبخشیده اند، چون دنیای ارواح و اشباح تار و مبهم است. (۳)

بدیهی است پیشرفت، تمدن و وجود فرهنگ غنی، مربوط به اندیشه و افکار یک قوم است که از طریق زبان به زندگی پا می گذارد. به بیان دقیق تر:

۱- زمینه جامعه شناسی، نیم کوف واگ برن، ص۱۲۳.

۲- social interaction.

۳- فرهنگ وشبه فرهنگ، ص۴۷.

همه انـدیشه ها ودانش های بشـری ازطریق زبان وعلایم و فرمول هایی که خود زبان علمی هسـتند، پا به عالم وجود نهاده اند. بـدون زبان، انسان نمی توانست آنچه هست، باشد؛ از همین روست که نزدیک به تمام کشـفیات علمی و پیشـرفت های فنی و آفرینش هـای هنری و جهش هـای بزرگ روح انسـانی، در اوضـاع و احوال و نزد اقوامی بروز کرده انـد که زبان قوی در کار بوده است. (۱)

خلّاقیت (تفکر خلّاق): هرگاه قدرت تصـمیم گیری و مهارت حل مسأله را تلفیق کنیم، به ویژگی «تفکرخلاق» دست می یابیم. قـدرت تفکر آفریننده و خلاق، انسان را قادر می سازد تا انتخاب های گوناگون خود را کشف کرده، از بن بست های زندگی خارج شود.

کسانی که به فکر خودکشـی روحانی وجسـمانی خود می افتنـد، تفکر خلاق خویش را به کلی از دست داده اند. قدرت تفکر خلاق، به شـخص امکان می دهـد از دایره بسته تجربیات محـدود خویش خارج شـده، وبه فراسوی تجارب بنگرد. بدین سان، زندگی فرد، انعطاف پذیر می شود. از تمام جوانب به پدیده ها می نگرد و آسیب های پیش رو را مورد تحلیل قرار می دهد.

برخی روان شـناسان ــ از جمله گیلفورد ــ(۲) در باره افراد هوشـمند مطالعه کرده، به این نتیجه رسـیده اند که برخی انسان ها که هوش

۱- فرهنگ وشبه فرهنگ، ص۴۷.

۲- Guilford

بیشتری دارند، دارای تفکر واگرا هستند. منظور از هوش واگرا، شکستن قالب های فکری و نگریستن به پدیده ها از «منظری دیگر» است. تفکر و اگرا، صرفاً یک موهبت ارثی تلقی نمی شود؛ زیرا نباید فراموش کرد که محیط اجتماعی، عنصر مهمی است که انفعالات هوش و تفکر خلاق را امکان پذیر می سازد؛ به سخن دیگر، خانواده، تعلیم و تربیت و جامعه باید زمینه تفکر خلاق را فراهم آورند. تفکر خلاق، در همگان وجود دارد و تفاوت افراد در این زمینه، بی تردید، «کمّی» است نه «کیفی»؛ به همین دلیل تفکرخلاق، آموختنی است و در زمره مهارت های زندگی قرارمی گیرد. تفکر خلاق، عامل مهمی در یافتن راه ها، برای رها شدن از دام ها و شبهات و رفتارهای آسیب زا است؛ لذا به عنوان یک راهکار در دفع آسیب محسوب می شود.

تبلیغات: تبلیغات نیز به مانند رسانه ها، جزء جدایی ناپذیری از فرایند ارتباطی به شمار رفته، و از عوامل مهم فرهنگ ساز به حساب می آید. امروزه در میان انواع روش تبلیغی اثر بخشی وتأثیر روحی و روانی خاصی که در تبلیغات رسانه ای وجود دارد، به لحاظ کمی وکیفی بیشتر است.

تبلیغات دینی، گونه ای از آموزش است که مستلزم برقراری ارتباط دو طرفه به کمک ابزار و وسایل می باشد. تمامی انواع تبلیغات ــاعم از دینی وغیر دینی ــ برای ثمر بخشی، به متقاعد کردن مخاطبان خود نیاز دارند. به طور خلاصه متقاعد سازی، فرایندی برای تغییر نگرش است وحوزه مطالعاتی آن، روان شناسی اجتماعی است.

ص:۲۱۹

نگرش ها ارزیابی های پایداری از جنبه های مختلف دنیای اطراف ما هستند که به هنگام مواجهه با آن، به خاطر می آیند. روشن است که این خاطرات ذهنی می توانند بیدار کننده احساسات و عواطف مرتبط با خود باشند.

بنابراین مراکز تبلیغاتی، از یک سو با استفاده از رسانه های ارتباطی واز سوی دیگر با بهره گیری از فنون متقاعدسازی، می توانند بر افکار عمومی یا بر نظرات گروه های اجتماعی مسلط شده، آن ها را به نفع هدف های خود جهت دهند.

ص:۲۲۰

فصل ششم: نقد و بررسی مستند آسیب ها در جامعه منتظر

اشاره

ص:۲۲۱

با توجه به آنکه بحث مهدویت و عناصر وابسته به آن، جاذبه های فرهنگی و اجتماعی فراوان دارد درکشورهای اسلامی وبرخی کشورهای دارای فرهنگ شرقی مانندهند، مورد توجه خاص قرارگرفته است، مدعیان دروغین مهدویت و نیابت و ملاقات گرایی نیز از این ظرفیت وگرایش عمومی سوءاستفاده کرده اند؛ لذا لازم است زمینه این گرایش ها و شیوهبهره برداری مدعیان روشن شود. مدعیان جدید با طرفندهای ویژه و با استفاده از امکانات و فن آوری روز؛ مانند ماهواره و اینترنت و مطبوعات، به تحریک احساسات عمومی می پردازند.

اغلب عارف نمایان، خودرا، رابط میان مردم و امام زمان معرفی می کنند؛ حال آنکه عرفای واقعی و بزرگ شیعه، چنین ادعایی نکرده اند.(۱)

به راستی چرا این تغییرات در زمان ما رخ داده است؟ آیا امروز به روایات جدیدی برخورده ایم که امثال کلینی نیافته بودند؟ آیا امروز، برخی از چنان معرفت و ایمانی برخوردارند که امثال شیخ مفید و شیخ انصاری

۱- پیچک انحراف، ص۱۲۸.

ازآن بی بهره بوده انـد؟ آیا درعصـر ما درهای ملاقات به روی آن ها باز شـده است یا شـرایط فرهنگی و مذهبی زمان ما برای رواج یافتن ادعاهای ملاقات، مساعد شده و مدعیان جرأت و جسارت بیشتری پیدا کرده اند؟

۱. بازخوانی پرونده های مدعیان دروغین

۱_۱. یک زن در دشتسـتان، مدعی رابطه با امام زمان و شـفای بیماران شد. وی درجلسه خاص خود با در دست گرفتن پرچم، به میان جمع آمـد و با حالتی ویژه گفت: «الان امام زمان در جمع حضور دارد و بایـد به احترام ایشان قیام کنید». براساس گفته خبرنگار پارس نیوز، وی با وجود حضور پلیس و اطلاعات، حاضـر به آمـدن همراه پلیس نشـد و فریب خوردگان ادعا کردند: «اگر او را ببَرِید، زلزله خواهد شد». (۱)

۲_۱. پزشک مصـری، ناگهان در مصـلای نماز جمعه یکی از شـهرهای عربسـتان اعلام کرد که حضرت مهدی است! وی قبلاً نیز ادعای نبوت کرده بود. (۲)

۳_۱. یک فلسـطینی مرتبط با رژیم صـهیونیستی، ادعای مهـدویت کرده است. این شـهروند فلسـطینی در جنوب غزه، ادعاکرد، مهدی موعود است و از هواداران حماس خواست از اوتبعیت کنند. البته او با

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه۱بهمن۱۳۸۶، ۱۲محرم۱۴۲۹، شماره۸۲۳۵، سال۲۹، ص۲.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۵۹، اخبارمدعیان.

رژیم صهیونیستی، روابط پنهان داشته است. (۱)

۴_۱. فرد دیگری که متولد۱۳۱۴ است، ادعای واسطه فیض از طرف حضرت حجت و نیز ادعای مکاشفه کرده است. وی با وادارکردن افراد به اعتراف به گناهانشان در برابر وی و نوشتن آن گناهان و تهیه زمینی برای مسجدجمکران در مشهد، سعی درجذب افراد دارد. او همچنین ادعای ارتباط دائم با امام زمان را دارد و به نقل یکی ازیارانش:«ایشان یک تنه در زمان غیبت برای هدایت مردم حاضرشده است». (۲)

۵_۱. علی. ی. متولد ۱۳۴۴ تهران است. وی اخراجی دانشگاه بوده و ادعای رجعت دارد. مدعی است معلم غیبی به او گفته است: «تو باید اولین کسی باشی که در صبح ظهور به امام می رسی». وی حتّی حوادث زلزله ترکیه [پس ازحادثه کوی دانشگاه] و مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می دهد و می گوید: «ما از خدا خواستیم و او انجام داد». حتّی در جایی به حضرت موسی هشدار می دهد که جلوی اسرائیلی ها را بگیر و الاّ من خودم اقدام می کنم. (۳)

۶_۱. ک. ب متولد۱۳۳۷بروجرد، قرآن درمانی از شیوه هایش بود. آیاتی از کلام الله را با گلاب و زعفران می شست و به مراجعان می داد تا مشکلاتشان حل شود؛ مثلاً به نانواها، آیه «ن وَالقلم» و برای دندان درد،

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۵۹، اخبارمدعیان.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۴۵و۱۴۶.

۳- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص ۱۵۱.

آیه «السِنّ بالسِنّ» را می داد. نامه هایی به مجامع بین المللی و پاپ نوشت و خود را پیشوای مستقلّ و مذهبی و مظلوم خواند. وی خود را نوه بیست وهفتم امام موسی کاظم علیه السلام وهمچنین نوه آیت الله بروجردی معرفی می کرد. القابی از جمله کهف المضطرین، مصلح خانه نشین، ناطق الدعوات و...برای خود بر می گزید.(۱) این مدعی، حتی بدون گذراندن دروس سطح حوزه علمیه، برخلاف نص صریح روایات، مدعی رسیدن به مقام«نمایندهخاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف » شده است.

۷_۱. مدعی دیگر که درسال های ۱۳۷ صلی الله علیه و آله و سلم و ۱۳۸۰ فعالیت می کرد در اطلاعیه های خود، اعلام می کندکه: [به اصطلاح] نظام جمهوری اسلامی، شرک آلود است و او از طرف امام زمان، مأموریت دارد آن را از بین ببرد. همچنین اعلام کرد: قائم آل محمد، خمس به غیر معصوم را حرام می داند، ومی گوید: امام زمان به قوای قهریه نیاز ندارد.(۲)

۸_۱. خانمی که مدعی ارتباط مستقیم با امام زمان بود، به خانمها عنوان می کرد: «اگرشش ماه نزد همسرخود نروند، حتماً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را رؤیت خواهند کرد». در صورت جدایی شخص از گروه وی، دیگر افراد گروه، ضمن توهین علنی و حتی نسبت حیوانیت دادن به او، برایش مجلس ختم برگزار می کردند. (۳)

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۵۴و۱۵۵.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۵۷.

۳- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص ۱۳۰.

۹_۱. خانم گ _ الف متولد ۱۳۳۰ تهران، ادعاهای خود را از سال ۱۳۶۳ آغاز کرد. ادعا می کند، امام زمان به او فرموده اند:

«اگرمن سه نفر مثل تو داشتم تا حالا آمده بودم. من ممنونم از شما که چهل سال ظهور مرا جلو انداختید». این خانم همچنین ادعا کرد: «چندین بار با حضرت ملاقات داشته ام وایشان یک اتومبیل و یک باب منزل در تهران به من داده اند و منتظرم حضرت ظهور کنند تا با ایشان ازدواج کنم». (۱)

۱۰_۱. خانمی معروف به م. ن با تبلیغات، به خصوص میان خانم ها و در مراسم مذهبی، راننده خود را حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کرد. او زنان را ترغیب می کرد زیور آلات خود را به راننده وی هدیه کنند. (۲)

۱۱_۱. شخصی به نام احمد بن الحسن در سال۱۳۸۴درعراق، ادعای نیابت امام عصر را داشت. وی در شوال ۱۴۲۶ اطلاعیه ای صادر کرد و دیگران را به مباهله و مناظره خواند. طرفداران او می گفتند: چون مراجع مباهله را نپذیرفتند؛ لذا ادعای او بر حق است. (۳)

۱۲_۱. فردی که سال ها مدعی ارتباط با امام زمان بود وسپس مدعی شد خودش امام زمان است، به دست نیروهای امنیتی دستگیر شد. این فرد با حفر گودالی زیر اتاق خود، در منزلش و با مخفی شدن درگودال،

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۴۲و۱۴۳.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۹۲و۱۹۳.

۳- پیچک انحراف، ص۱۵۷و۱۵۸.

ازطریق همسرش به مریـدانش اعلام می کرد: «آقا» برای زیارت طی الأرض کرده است. مریدان وی با مراجعه به داخل اتاق و ندیـدن وی، این ادعـا را بـاورمی کردنـد. این مـدعی در حـالی که بـا مریـدان خود با پای پیاده به جمکران می رفت، کنار پل ورودی جاده جمکران مخفی شده وسـپس همسـر و برادر همسر وی، مدعی غیبت صغرای وی از چشم مریدان شدند و فرد یاد شده به مدت یک سال در منزلش مخفی شد.

این فرد که به ظـاهر دچار روان پریشـی است، توانسـته بود تعـداد قابل توجهی افراد را که مناصبی نیزداشـتند، به حلقه مریـدان خود بیفزاید؛ اما پس از دسـتگیری وی به همراه مریدان اصـلی اش و حبس آنان درزیر زمین ساختمانی درقم، مریدانش از وی می خواهنـد با اسـتفاده از قـدرت امامت خود برای آزادی آنان کمک کند؛ اما با ناتوانی این امام زمان قلابی پس از آزادی و گذراندن مدت محکومیت، دوباره مانندگذشته فعالیت ادعاهای دروغین خود را از سر گرفته است. (۱)

۱۳_۱. فردی که مـدعی امـامت بود، ادعاهـای دروغین خود را پس گرفت. این مطلبی بود که روزنـامه جمهوری اسـلامی، از دادسـتان عمـومی و انقلاـب قـم نقـل کرده است. این مـدعی منحرف که خـود را امـام چهـاردهم می دانست و می گفت امـام دوازدهم، حضـرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشـریف ازدنیا رفته انـد و بـدن ایشان در جمکران دفن شده است و امام سیزدهم،

ص:۲۲۷

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه، ۲۷دی۱۳۸۵، ۲۷ذیحجه۱۴۲۷، شماره۷۹۶۸، سال بیست وهشتم، ص۱و۲.

در اصـفهان زنـدگی می کنـد؛ امـا بنـابر مصالحی خود را آشـکار نمی کنـد. از هنگامی که امام دوازدهم در جمکران مـدفون شدند، باید نماز را به سوی جمکران بخوانیم! شـرم آورتر اینکه عده ای مردوزن، ادعاهای او را باور کرده، نماز خود را نیز رو به جمکران می خواندنـد. البته این فرد وبسـیاری از مریدانش اهل قم نیسـتند وتنها برای ایجاد پوشـش مذهبی و نفوذ در عقاید افراد بی سواد واسـتفاده از احساسات پاک مردم، با حضور در این شـهر زیارتی، به کار اخاذی و شـیادی از زائران می پردازند. (۱)

۱۴_۱. عبـدالرضا، ق، د مـدعی مهـدویت و نبوت، ادعا می کند:«من امام زمان هسـتم وچون پیام در جهان می آورم، پیامبرهم هستم. درست در چهل سالگی متوجه شدم خداوند یک سری کارها رامی خواهد برعهده من بگذارد». (۲)

۱۵_۱. خانم اکرم، الف، مدعی اخذ مقام از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جلسه انحرافی خود، ادعاهای خود را به واسـطه فرد ناشناسـی که او را نمی شـناسد طرح می کنـد. وی مـدعی است حرف هـای حضـرت حجت را از جانب وی می گیرد. او درجلسه مریـدانش گفت: این دفعه به من گفت :« با مرتبطین با خود، خیلی رأفت نشان می دهی؛ لذا باید چلّه سـخت به آن ها بدهی» و من می دانم این چهل روز برای شما سخت تر از ندیدن

۱- روزنامه جمهوری اسـلامی، چهارشنبه، ۲۷دی۱۳۸۵، ۲۷ذیحجه۱۴۲۷، ش۷۹۶۸، سال۲۸ص۱، ویکشنبه۲۴دی۱۳۸۵ش۷۹۶۵ سال۲۸ص۴.

۲- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

من نیست؛ لـذا چهل روز مرا نمی بینیـد. در این چهل روز هیـچ گونه ارتباطی با من برقرار نکنید. به این امامزاده ها و زیارتگاه ها بروید واز نوارها و سی دی های قدیم من استفاده کنید. خودتان را بسازید و حجاب ها را بردارید.(۱)

۱۶_۱. مدعیان در کلاس تشـرّف دروغین، شخصی را گزینش کردند که ارتباط با امام زمان دارد و برای سؤال باید از قبل نام نویسـی کرد و به آن شـخص داد، تـا جواب را از آقـا بگیرد. فردی که هشـتاد درصـد بینایی خود را از دست داده بود، مراجعه کرد. به اوگفتند روز بیستم جواب را می گیری. روز بیستم به او گفتند: «حضرت آمدند شما خواب بودید و ایشان رفتند». (۲)

۱۷_۱. شخصـی به نام م، الف، دست مریض را کنار سجاده خیالی ازامام، به ظاهر در دست امام، می گذاشت و می گفت: آقا روزی یکی دو تا را شفا می دهد. بعد همگی شعار می دادند: «یاصاحب الزمان در پیش ما بمان، یا صاحب الزمان آخرت با ما بمان». (۳)

۱۸_۱. در نمازی که به سجاده فرضی حضرت حجت اقتدا می کردند، در تشهد نماز بدعت هایی همچون «وفاطمه بنت رسول الله اُم المؤمنین حجه الله سیما بقیه الله فی الارضین صاحب الزمان» را به صورت دسته

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۲- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۳- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

جمعی می خواندند. (۱)

۲. عوامل انحراف مدعیان

اشاره

کارشناسان پس از بررسی علمی بر روی مدعیان، عوامل ذیل را علل ادعاهای واهی و کذب بیان کرده اند:

۱_۲. اختلال روانی

فشار روانی، یکی از رایج ترین بیماری های زمان معاصر است؛ به گونه ای که طبق برآورد کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، حدود شش درصد جمعیت کل جهان، از بیماری های روانی رنج می برند. شروع هشتاد درصد از بیماری های جسمی، با فشار روانی همراه بوده است که اصطلاحاً به آن، سایکوزیس(۲) (جنون) تحمیلی می گویند چنین فردی با قاطعیت ادعای خود را بیان می کند تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و دیگر هیچ منطقی را نمی پذیرد. (۳)

مدعی، خانم ف، الف در بازداشتگاه، در پاسخ به سؤالی که آیا ادعای همسری امام زمان را کردید، گفت:«من نگفتم؛ اهل یت گفتند و این قول را به من دادند. فقط در یک روز، سیزده بار خواستگار داشتم . امام

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۲- « psychosis »، (براساس فرهنگ نرم افزاری انگلیسی- فارسی بابیلون).

۳- نشست۵۹مؤسسهفرهنگی انتظار نور، باعنوان«بررسی خلق وخوی مدعیان»، گفتاردکتربرهانی(روان شناس).

را با چهره می شناسم. چهره جوان و پیر دارند. چهره اصلی ایشان را می شناسم وخانم حضرت زهرا پیغام دادند به خانم ف بگویید ظهور فرزندم مهدی نزدیک است. آنان باید توبه از گناهان گذشته کنند، به آنها بگو بلاهای آسمانی نزدیک است اگر احساس بلا کردند، تا می توانند از شیشه ها فاصله بگیرند. به آن ها بگو آن روز که حمیدم بیاید من نیز با حمیدم می آیم و شما می دانید ازنام های حضرت حجت، حمید است. همچنین سال ۷۰ حضرت دو جمله فرمودند: نمی توانم بیایم؛ چون مردم مرا طلب نمی کنند. دو شب بعد گفت نمی توانم بیایم اگر بیایم باید بکُشم؛ برای اینکه نکُشم نمی آیم. من تصمیم گرفتم ایشان هم بیاید وهم نکُشد؛ لذا یک سال گریه کردم. چشم هایم به سرعت بینایی اش را از دست داد. حضرت فرمودند: اگر بیایم، مرا می بینی و بینا می شوی. (۱)

۲_۲. خود کم بینی و حقارت

به تعبیر روان شناسان، عقده حقارت(۲) یعنی افرادی که در کودکی دچار کمبود یا محرومیتی بوده اند، در بزرگسالی به دنبال جبران آن هستند که منجر به نوعی خود شیفتگی می شوند که برای جامعه خطرناک هستند؛ یعنی جامعه را به دنبال اهداف تخیّلی خود می کشند.(۳)

ص:۲۳۱

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۲- interiority complex.

۳- «نشست۵۹مؤسسهفرهنگی انتظارنور»، باعنوان«بررسی خلق وخوی مدعیان»، گفتاردکتربرهانی(روان شناس).

۳_۲. افراط و تفریط

یکی از زمینه های شخصیتی مدعیان، رفتار خلوت جویانه و انزوا طلبانهآن ها است. این اعمال مدعیان، که تنها شباهت صوری بـا رفتار اولیای الهی دارد (که دورانی را به خلوت و راز و نیاز پرداخته انـد)، می توانـد عامل فریب مردم باشـد. البته این ها در برهه ای دیگر توان شورش های فراوان دارند. (۱)

۴_۲. سوءاستفاده از نادانی

بی خبر نگاه داشـتن افراد از رونـد فعالیت های خاصّ، ازسوی مدعیان و سـران فرقه ها و معاشـرت آنان با افراد آسـیب پذیر و دارای مشـکلات زندگی، عامل دیگری است که سـردمداران فرقه ها با اعمال قدرت خاصّ، افراد را مسـحور خود می کنند. و از طرفی، مردم هم، گرایش خاصـی به عرفان های کاذب ونودارنـد ومـدعیان معمولاً راه و روشـی معرفی می کنندکه تکالیف کمتریا راحت تر را به دنبال دارد.

مهنـدس رضا ابوسـعیدی پژوهشـگرمقیم آمریکا می گویـد:«یکی از مشاورین سازمان سـیا خطاب به سـران سازمان می گفت، برای براندازی ایران، این قدردنبال برنامههسته ای ایران نباشید بلکه بیایید فرقه سازی

ص:۲۳۲

۱- «بررسی خلق وخوی مدعیان»دکتر برهانی، سخنرانی درنشت۵۹، مؤسسهفرهنگی انتظارنور، سال۱۳۸۶.

کنیم. فرقه هاوقتی ساخته شود، آن اراده ملی ازبین مردم می رود؛ آن گاه بایک حمله ساده می شودآن منابع انسانی ومالی کشورها را تصاحب کرد.(۱)

۵_۲. زودباوری مردم

مدعیان عرفان، برای به دام انداختن انسان های ساده اندیش، از شیوه های گوناگون استفاده می کنند؛گاهی القا می کنند روش های رایج درعرفان اسلامی نا کارآمد است؛ مثل پیمودن ره صد ساله در یک شب؛ لذا راه های انحرافی خود را طرح می کنند. گاهی عقاید سنتی را با فرهنگ التقاطی غربی و شرقی گره می زنند. گاهی محوشدن در ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح کرده؛ خود را نماینده ایشان معرفی می کنند تا بتوانند به بهانه بیعت، زنان را وادار به ارتباط با خود نمایند و گاهی با طرح راه حل های آسان ومعجزه آمیز دروغین، ایجاد جاذبه می نمایند؛ برای مثال، مدعی ک ب، به مردم این گونه القا می کرد: «کار ما تماماً کار عرفانی است. معرفتتان را به من زیاد کنید. اگر می گویید «یالیتنا کنّا معک فنفوز فوزاً عظیماً» پس یا الله کنایه از اینکه فرصت را از دست ندهید. همین ها است. از ما حمایت کن، حیف است من مجهولاً بروم. بعد من دیگر کسی نیست این حرف ها را بزنند.

باورداشتمان را محکم کنیم. من ثابت کردم مأموریت دارم. همه کار

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، مدعیان دروغین.

باید از ناحیه نایبش باشد. خیلی از عرفای اقلیت های مذهبی می دانند که الان نزدیک ظهوراست؛ لذا دوربین هایی نزدیک خانه ما گذاشتند تا ببینند چه موقع جنب وجوش است، خبر کنند. این ثانیه های آخر غیبت، مرا با حمایتتان، با باورداشت تان یاری کنید. به شدت به دالان ظهور دارید نزدیک می شوید.

گاهی چنان آقا را نزدیک می بینم، فکر می کنم فردا است. شهوت و انگیزه در من مرده است. هیچی ندارم. یک جسد خالی هستم. من تشکر می کنم از همه کسانی که این سید مظلوم را در این برهه حسّاس غیبت یاری می کنند». (۱)

دام دیگر آنان برای جوانان، رفع حساسیت ها وحرمت ها و غیرت دینی پسران و دختران، از دوران کودکی است تا به تدریج در سنین بالاتر تثبیت شود. وآن را نوعی عشق معنوی می نامند.

از طرفی اعتماد و توجه فوق العاده مردم به اماکن و اشیای منتسب به ائمه و تردید آنان در پذیرش یا رد مدعیان و توجه به ظواهرآنان به جای تحقیق، فضا را برای عرض اندام آنان مهیا می کند. نمونه بارز آن، حجت دانستن خواب و رؤیا و توهمات مدعیان از سوی مردم، حتی کسانی که مدعی آشنایی با مباحث مهدویت هستند.

طبق آمار، بیشتر مدعیان، مرد هستند؛ اما آسیب دیدگی زنان و مردان یکسان است؛ اگرچه در بعضی موارد خاص، بیشتر فریب خورد گان

ص:۲۳۴

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

زنان هستند. همچنین آسیب دیدگی مجردین به طور آشکار از متأهلین بالاتر است. ضمن اینکه تحصیلات، جلوی آسیب را نمی گیرد. شاید علت، خلأ معنوی واحساس نیاز بیشتر تحصیل کردگان است؛ زیرا علم بیشتر، باعث احساس نیاز و درک بیشتر می شود. مدعیان وقتی دیدند عده ای از مردم به راحتی ادعاهای خرافیشان را می پذیرند، جلوتر رفتند و بعضی از آن ها ادعای خدایی کردند.

۳. تحلیل نهایی

با توجه به واقعیت های مشهود، عواملی همچون ترویج سطحی نگری، میدان دادن به عناصر بی سواد و دروغ پرداز درعرصه های تبلیغات مذهبی، پیدایش خلأهای معنوی در اثر رشد وگسترش مظاهرمادی و بی تفاوتی در برابر بی بندوباری های اجتماعی و اخلاقی، به ویژه بدحجابی وخودآرایی وخودنمایی دختران و زنان و مفاسدآشکار و پنهانی که ناشی ازآن است، از عوامل مهم پیدایش زمینه های رواج خرافات هستند. قطعاً سرمایه ها و برنامه ریزی های خارجی، این جریان آلوده راحمایت می کنند و از این زمینه مهیا، حداکثر بهره برداری را به عمل می آورند.

مهم این است که آنچه زمینه را برای این بهره برداری آماده می کند، عملکرد غلط خودی هاست؛ به عبارت روشن تر، رشد خرافات، یک تهاجم از درون است. خطر این تهاجم را مدت هاست بزرگان هشدار می دهند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای در سفر به استان سمنان، ضمن گوشزد کردن خطر گسترش خرافات و بیان این

نکته که«شیعه باآزاد فکری و تکیه برعقل ومنطق واستدلال رشد کرده است و باید قدراین ویژگی را دانست و آن را دنبال کرد» برضرورت مبارزه با این پدیده شوم تأکید نموده، افزود:

روحانیت آگاه و اصیل، باید برمبنای سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و روش علمای اسلام، با این گونه خرافات خطرناک، شجاعانه و بدون ملاحظه مقابله کند.(۱)

رهبر فرزانه انقلاب، همچنین فرمود:

در کنار تبیین مسائل اساسی دین، باید با خرافات مبارزه کرد. جدی باید بگیریم. سیصد سال پیش مرحوم آقا جمال خوانساری، صاحب حاشیه بر لمعه برای برملا کردن خرافات، کتاب کلثوم ننه را با زبان طنز نوشت. این شأن روحانی است.

رهبر معظم، به طورخاص مدعیان دروغین مهدویت را مورد اشاره قرار می دهد و می فرماید:

این، نشانه آن است که گرایش به این عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دین علاقه دارند. آدم خرافه ساز، خرافه درست می کند. چون کالای اصلی در اختیارش نیست، می رود کالای تقلّبی به میدان می آورد که مردم را جذب کند. خطرات را باید بگویید. ملاحظه اینکه کی بدش می آید نکنید؛ آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم مایه افتخار ما است. ما

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه۲۴دی۱۳۸۵، ۲۴ذیحجه۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست وهشتم، ص۴.

از اول در تفکر شیعه به منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین جور هم باید عمل کنیم.(۱)

بسیاری از مراجع عظام تقلید نیز پیوسته خطر رواج خرافات را گوشزد کرده و می کنند. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار مسؤولان رادیو معارف چنین بیان فرمودند:

شما باید بحث خرافات را جدی گرفته و بیش از پیش در این خصوص کار کنید. عده ای با ترویج خرافات می خواهند پایه های اعتقادی و مبانی استدلالی ما را تضعیف نمایند. متأسفانه عده ای امروز به سمت پیر و مرشد ساختن و عارف درست کردن می روند که باید جلوی این کار نیز گرفته شود.(۲)

خرافه دیگری که مراجع عظام درباره آن واکنش نشان داده اند، انتشار نامه هایی منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مثلاً مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی (ره) در پاسخ نظرخواهی، مرقوم فرمود:

دست نویس مقابل، مجعول و برای رسیدن به اهداف مادی و اغراض دنیوی و یا از روی جهالت جعل شده و نظائر آن در این زمان، فراوان است.(۳)

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه۲۴دی۱۳۸۵، ۲۴ذیحجه۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست وهشتم، ص۴.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه۸ مهر۱۳۸۵، ۶رمضان۱۴۲۷، ش ۷۸۸۰، سال بیست وهشتم، ص۴.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی هم در همین رابطه اظهار داشت:

نسبت دادن هرنوع نـامه به حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف دروغ و خرافات است. این نوع مسائل در جامعه زیاد شده است و مردم نباید فریب این گونه خرافات را بخورند. اگر علمای دین، بدعت ها را در نطفه خفه نکنند، دین اصالت خود را از دست خواهـد داد. بـدعت گـذاران در دین خدا، ظالم ترین افراد روی زمین می باشـند و اگر علمای دین با این نوع افراد برخورد جدی نکنند، خداوند متولیان دین را نمی آمرزد.(۱)

۴. اهداف و انگیزه ها

در یک تقسیم کلی می توان اهداف مدعیان را در دو چیز تقسیم کرد:

الف. انگیزه های شخصی

ب. اهداف گروهی و تشکیلاتی

اسناد و تجربیات موجود ثابت می کنند معمولاً گروه های منحرف مدعی، مستقیم ویا غیرمستقیم دارای رگه های سیاسی بوده، تحت هـدایت یـا حمـایت بیگانگان ادامه حیات می دهنـد. در یک جمع بنـدی می توان موارد ذیل را از اهم اهـداف و انگیزه های مدعیان فردی و گروهی مهدویت برشمرد:

۱. کسب شهرت وآوازه؛

۲. کسب ثروت و سودجویی (ازافرادساده لوح)؛

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه۸ مهر۱۳۸۵، ۶رمضان۱۴۲۷، ش ۷۸۸۰، سال بیست وهشتم، ص۴.

۳. شهوترانی وسوء استفاده جنسی (به ویژه با اغفال زنان وجوانان)؛

۴. احساس خود برتربینی، خود دیگر بینی _ الینه شدن _ قدرت طلبی ومریدپروری (معمولاً این نوع مدعیان، بیماران روانی هستندکه دچار توهم وتخیل شده اند).

۵. جبران شکست های زندگی و پایان دادن به سرخوردگی های گذشته و پاسخ به عقده حقارت؛

۶. جبهه گیری و ضدیت با دین و مذهب و نظام اسلامی؛

۷. تشکیل شبکه های فساد اخلاقی، باندهای توزیع مواد مخدر، ایجاد گروه های ضد اجتماعی (مانند سرقت، قتل و تسویه حساب های شخصی و گروهی)؛

۸. تشکیل شبکه های سیاسی _ امنیتی برای ایجاد اغتشاش و انجام عملیات های خرابکارانه در کشور (با هدایت وحمایت دشمنان نظام)؛(۱)

۹. ایجاد گسست میان مردم با نظام اسلامی، مرجعیت و روحانیت؛

۱۰. ایجاد جریان های انحرافی در راستای تضعیف اسلام ناب؛

۱۱. مأیوس کردن مردم از اسلام، تشیع، روحانیت ونظام مقدس اسلامی؛

۱۲. تضعیف حداکثری شریعت، مرجعیت و علما و روحانیون دلسوز و توانمند.

فریب جلوه سالوسیان مخور کاین قوم   امیدشان به خدا نه، به سیم و زر است

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه۲۵آذر۱۳۷۸-۱۶ذیحجه۱۴۲۹-شماره۸۵۰۷-سال سی ام- ص۹.

۵. شگردهای جذب مریدان

۱. شناسایی و جذب افراد ساده لوح؛

۲. تأمین نیازهای مریدان و تطمیع جوانان با پول؛

تشویق جوانـان به ارتباطـات آزاد جنسـی وتن پروری،ماننـدبرگزاری اردوهای مختلط وتوصـیه به زنان برای کشف حجاب در مراسم ها؛

۴. ارائه اذکار و اوراد غیر مأثور و ختومات عجیب و غریب و توزیع دستورالعمل های غیرشرعی و به ظاهر جذّاب؛

۵. چشم بندی، کف بینی، رمالی و انجام ا مورخارق العاده یا غیرعادی، مانند احضار اجنه و تسخیر ارواح؛

۶. ادعاهای گزاف و دروغ پردازی های بزرگ مانند، ادعای کرامت و معجزه، مکاشـفه، ادعای دانسـتن اسرار و رموز هستی و کشف اسرار و رازهای مگو، تسلط بر علوم غریبه و دانستن خواص حروف و اعداد و جداول؛

۷. ادعای تشرُّفات دروغین به محضر ذوات مقدس معصومان علیهم السلام؛

۸. ارائه اشیاء مختلف و انتساب آن به معصومان علیهم السلام؛

۹. تلقین رؤیت نور، استشمام بوهای خوش با ترفندهای مختلف؛

۱۰. خواب پردازی و یا تعبیر خواب های مریدان به شکل جذّاب ودلخواه؛

۱۱. لفاظی و سخنوری و سوءاستفاده از قدرت بیان خود در جذب مخاطب؛

۱۲. مبهم گویی؛

۱۳. تفسیر به رأی قرآن و منابع مذهبی و بدعت در انجام مناسک دینی و صدور فتواهای من درآوردی؛ مانند خواندن نماز به زبان فارسی ویا ترک کامل آن در مواقع تشخیص مراد؛

۱۴. ارائه استخاره و تفأّل به طور مشروح و مورد پسند مخاطب؛

۱۵. ادعای تعبیر خواب؛

۱۶. انتقال حس شخصیت کاذب به مریدان مانند دادن سفارت و مأموریت های خاص به هر مرید؛

۱۷. ادعای شفاعت گناهان و شفای امراض صعب العلاج؛

۱۸. ادعای ارتباط و وابستگی به نهادهای حوزوی، قضایی، امنیتی و انتظامی و دیگر مراکز موجه نظام برای جلب اعتماد مریدان؛

۱۹. ادعای رساندن آسان و بدون زحمت مریدان به مقامات معنوی؛ مثلاً تنها با بیعت کردن و دست بوسی وتبعیت بی چون و چرا از مراد؛

۲۰. نفوذ در NGOها _ تشکلات غیر دولتی _ با وعده کمک های مادی ودستگیری های معنوی.(۱)

۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین

۱. اقدامات ایجابی

_ تغییر در نحوه تبلیغات دینی؛

_ بازتولید تبلیغات دینی؛

_ ارائه مبانی و مسلمات اصول دین و مذهب به صورت فراگیر وجذاب؛

۱- «روزنامه جمهوری اسلامی»، دوشنبه، ۲۵آذر۱۳۸۷-۱۶ذیحجه۱۴۲۹- شماره۸۵۰۷- سال سی ام- ص۹.

ـ برگزاری جلسات اخلاقی و معنوی متناسب با ذائقه مخاطبان در سنین وگروه های مختلف اجتماعی و فرهنگی؛

ـ ارائه کتب مناسب و جذاب اخلاقی و عرفانی، متناسب با سنین و فرهنگ های مختلف؛

ـ ارائه کتب داستانی (رمان) جذاب.

۲. اقدامات سلبی

اشاره

ـ افشاگری مدبرانه و هوشمندانه گفتارها و رفتارهای غیر عقلایی سر کرده های فرقه ها (بدون ذکر نام فرد وفرقه)؛

ـ توجیه اقناعی و چهره به چهره فریب خوردگان؛

ـ مقابله با مدعیان دروغین با استفاده از بَدَل روش های آنان (که منجر به زیر سؤال بردن صحت ادعایشان می شود)؛

ـ روش ادعا در مقابل ادعا؛ مثلاً عالِمی در مقابل مدعی سید یمانی، به او گفت: «چرا تو سید یمانی باشی؟ من سید یمانی هستم.» آنگاه فرد مدعی چیزی برای گفتن نداشت؛

ـ استفاده از تست های دروغ سنج؛

ـ به کارگیری از دستگاه دروغ سنج؛

ـ طرح پرسش از مدعیان و درخواست پاسخ از اولیاء الله.

دو نکته

۱. چنانچه اقدامات سلبی بدون برنامه ریزی وتدبیر مناسب صورت

گیرد، به ترویج فرقه ها کمک خواهد کرد. در همین راستا مؤکداً تقاضا می شود در این گونه موارد از ذکر اسامی فرقه ها و رهبران آن ها خودداری شود.

۲. نگارنده در دیداری که با عالم بزرگوار، حضرت آیت الله رودباری _ دام ظله _ داشته و در باره آسیب ها و مدعیان دروغین در عرصه مهدویت سخن به میان آوردم، آن بزرگوار فرمود:

البته نباید آسیب ها را خیلی بر جسته نشان داد؛ زیرا باعث باور عموم و بزرگ شدن مدعیان دروغین خوا هد شد؛ در حالی که مدعیان دروغین در طول تاریخ غیبت، پیوسته وجود داشته و مردم رویکردی به آنان نشان نداده اند.

ص:۲۴۳

نتیجه گیری

هر امر مهمی بـه نسـبت اهمیـت آن، در معرض خطرهـا و آسـیب هـایی اسـت. آمـوزه هـای دینی نیز بـه سـبب اهمیـتی کـه در سرنوشت افراد و جوامع گونـاگون دارنـد، نیز از این قاعـده مسـتثنا نیسـتند. در این میان درباره آموزه مهـدویت نیز امکان بروز آفت ها و آسیب هایی وجود دارد که اگر به آن ها توجه نشود، آثار منفی و مخرّبی به دنبال خواهد داشت. آسیب های آموزه مهـدویت، به مواردی اطلاـق می شود که غفلت از آن هـا موجب سـستی اعتقـاد آدمی به اصل وجود امام علیه السـلام یا ابعاد مختلف شـناخت آن بزرگوار می شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف را در پی دارد؛ از این رو باید برای شناختن این کج روی ها و کج اندیشی ها اقدام جدی شود.

از آسـیب های مهم در فرهنگ مهـدویّت، تفسـیرها و برداشت های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسـلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم انتظار سـبب شده است بعضـی گمان کنند چون اصـلاح جهان از فساد، به دست امام عصر علیه السـلام خواهـد بود، برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداشـته و باید بی تفاوت بود؛ چرا که همه چیز بر عهده آن حضـرت است.

در ادامه همین برداشت، افرادی نیز معتقدنـد هر حکومـتی که در زمـان غیبت محقـق شود، حکومـتی باطـل و برخلاـف اسـلام است. در چنین فضایی باید به تبیین این نکته پرداخت که روح آموزه های دینی

و اساس برخی از آن ها همچون امر به معروف و نهی از منکر، در تضاد با چنین برداشتی است. نیز روایت هایی که به بطلان قیام ها و نهضت های عصر غیبت اشاره می کنند، حرکت هایی را شامل می شوند که به سبب دعوت به خویشتن برافراشته شده و محکوم به بطلان می باشند. سستی، بی اعتنایی و بی توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی ها و ستم ها، بازیچه سیاست بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. چه شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت بودن، افراد و جامعه منتظر را از انتظار واقعی دور خواهد کرد.

دیگر آنکه برخی افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن ها، به شنیده ها اکتفا کرده، چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام ارائه می دهند؛ در حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره ای که از ظهور و حکومت حضرت و شخصیت بی مانند آن امام ترسیم می شود، مهر و قهر در کنار هم بیایند. تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت طلب معرفی می کند. درباره مهر حضرت، سخن بسیار می توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می کند و چه روایاتی که در ارتباط با مهر امام مهدی علیه السلام به طور خاص رسیده است.

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است؛ بدین معنا

که قهر او نیز جلوه محبت اوست؛ چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی گذارند. در زمین فساد می کنند و این یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیت برداشتن، یعنی مهر در چهره قهر. در ضمن، گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده اند که گویای به هیچ مبارزه و جهادی اقدام نمی نماید و همه امور را با معجزه حل می کند که این تفکر نیز نادرست است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می گیرد و زمینه های عدالت گستری فراهم می آید.

از دیگر آسیب های موجود که ممکن است جامعه منتظر در دام آن گرفتار آید، طرح مباحث غیرضروری است. گاهی افراد و مجموعه ها در قالب های گفتاری و نوشتاری، به بحث هایی روی می آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن ها احساس نمی شود. پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن، از نمونه بحث های غیرضروری است. در رابطه با ازدواج حضرت بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند، ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده اند؛ در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم تر اینکه توجه به چنین مباحثی فایده ای نداشته، ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می دارد. آنچه در روایات به آن تأکید شده است، معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن

حضرت در گفتار و کردار و زمینه سازی برای ظهور ایشان است.

از دیگر آسیب های محتمل، خطر تعجیل و شتابزدگی است. عجله داشتن در تحقّق امر ظهور که در روایات بسیاری مورد نکوهش واقع شده است، از جدی ترین آسیب های این عرصه به شمار می رود. مهیّای ظهور بودن و کوشش برای زمینه سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است؛ اما نباید در این راه، شتاب زده بود. شتاب زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که از جمله آن ها می توان به نا شکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی، رویکرد به منحرفان و مدّعیان دروغین مهدویّت، یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقّق ظهور، استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور و نیز بروز شک و تردید اشاره کرد. تعجیل یکی از آفت ها و آسیب هایی است که فرا روی منتظر قرار دارد؛ اما برخی در نقطه مقابل نیز دچار آسیب شده اند که آن، دور شمردن وقت ظهور است و نتیجه آن، بی اعتنایی و قساوت قلب است. (۱)

ص:۲۴۷

۱- خصال، ج۲، ص۶۲۲ : «...و استعینوا بالله و اصبروا فإن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین لا تعاجلوا الأمر قبل بلوغه فتندموا و لایطولن علی ک م الأمد فَتَقْسُوَ قلوب ک م... ؛ از خدا یاری خواهید و شکیبا باشید. زمین را به هر که از بندگان خویش هرگاه خواسته باشد، می دهد و فرجام نیک از پرهیزکاران است.پیش از وقت در کارها شتاب مکنید تا پشیمان نگردید. زمان را دراز مگیرید تا در دل شما دشوار نشود».

از دیگر آسیب ها، تعیین وقت برای ظهور است. گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت۷ پدیده مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر شود، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمّه: هیچ کس جز خدای تبارك و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست.

حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند؛ لذا احدی نمی تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می کنند که کم ترین اثر آن، احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده، ولی خلاف آن را دیده اند.

تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص نیز از جمله آسیب هایی است که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است. مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان، به این معنا که عده ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند، بدون تشخیص صحیح بودن آن ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، آسیبی جدی است که همواره سلامت جامعه منتظر را تهدید می کند.

ملاقات گرایی، از دیگر آسیب هایی است که در عصر غیبت برای جامعه منتظر رخ می نماید. مدعیانی که بی دلیل یا به بهانه ساده ترین

اتفاق، ادعای ملاقات می کننـد یا کسانی که تمام وظیفه خویش را دیـدار حضـرت می پندارنـد و از وظایف اصـلی خود غافل می شوند زمینه ساز بروز چنین آسیبی هستند. البته مسلماً دیدار، امر مطلوبی است؛ اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت آن حضرت، ادای وظایفی است که برای آن ها در نظر گرفته اند.

آنچه در کتاب حاضـر گذشت، شناخت آسیب های جامعه منتظر در چشم انداز آموزه مهدویت بود. این آسیب ها و انحرافات در ابعـاد فکری و اعتقـادی و رفتـاری و نیز در حوزه هـای فردی و اجتمـاعی، امکـان بروز و ظهور داشـته و دارنـد. در پیگیری موضوع کتاب، نخست به این پرسـش پاسخ داده شد که آیا در متون و منابع اسـلامی، برای جامعه منتظر و کسانی که در زمان غیبت، در انتظار امام غایب به سـر می برند، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب ها، مهم ترین آن ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟

علاوه بر این، چه آسـیب هـایی دربـاره روایـات و آمـوزه هـای مربوط به انتظـار ظهور امـام به وجود آمـده که به انحراف در برداشت ها و تفاسـیر از آن ها انجامیـده است؟ سـپس اثرات و پیامـدهایی که این آسـیب ها در فرد و جامعه منتظر بر جای می گذارد و مشکلاتی که به آن ها دامن می زند، مورد بررسی قرار گرفت.

با مطالعه روایات و احادیث معصومان به مجموعه ای از خطرات و آسـیب ها برمی خوریم که با غیبت امام مهـدی علیه السـلام برای جامعه منتظر به وجود می آید. عمده ترین این آسیب ها که به طور خاص با مسأله انتظار و

ظهور ایشان درهم تنیده شده است، عبارتند از: استعجال ظهور، بروز تشتّت و تفرقه، ایجاد هرج و مرج، توقیت و تطبیق شرایط با زمان ظهور، ظهور مدعیان دروغین نیابت و مهدویت و ایجاد کسالت و سستی در انجام وظایف.

علاوه بر این، مسایلی از قبیل برداشت های انحرافی از آموزه انتظار، تفاسیر نامعقول از روایات مرتبط با زمان ظهور، ترسیم امام به عنوان یک عنصر قهرآلود، ویرانگر و پایان بخش، تحریف در مفهوم غیبت و ایجاد نظریات بی پشتوانه در این باب، طرح مباحث غیرضروری در زمینه مهدویت، کوتاهی متولیان فهم در ارائه آموزه های مهدوی و انجام وظایف خود، متناسب با تحولات زمان، ملاقات گرایی، عدم پیروی از فقها و نواب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، دامن زدن به بی توجهی و ناامیدی نسبت به حضور و ظهور امام، سبب شده است تا آثاری همچون نفرت و ترس از امام و ترک وظایفی که نسبت به ایشان در بعد فردی وجود دارد و نیز ناامیدی افراد جامعه و عدم پیروی از عالمان و دانشمندان در مسایل زندگی و گسست میان نسل های تشیع در بعد اجتماعی و تاریخی به وجود آید. این مطالب سبب شد تا فرضیه های اصلی پژوهش ثابت شوند.

در پایان و در جهت مرور منشأ و علل آسیب های جامعه منتظر، آنچه به عنوان عوامل و زمینه های اصلی در بروز این آسیب ها و ایجاد پیامدهای ناشی از آن ها به نظر می رسید، از جمله عناصری همچون فراموشی ولایت خدا ومعصومان علیهم السلام، فقرفرهنگی، خودخواهی و اشتیاق

ص:۲۵۰

غیرمعقـول در حـوزه فردی و نیز مـواردی از قبیـل عـدم معرفـت و آگـاهی و طرح مبـاحث بـه شــیوه غیرکارشناسـی در حـوزه اجتمـاعی، ضـعف جامعه پـذیری و فقر و غنای مفرط اقتصادی مورد بررسـی قرار گرفت وسـپس راهکارهای مقابله با آسـیب، تبیین گردید. آنگاه به جریانات انحرافی مدعیان دروغین و بررسی ابعاد مختلف درباره آن به طور مستند پرداخته شد.

ص:۲۵۱

کتابنامه

قرآن کریم.

۱.آریان پور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹ش.

۲.آریان پور، منوچهر، فرهنگ پیشرو آریان پور، جهان رایانه، تهران، ۱۳۷۷ش.

۳. آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴ش.

۴.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دارالکتاب العربی، بغداد، ۱۳۸۴ق.

۵.ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ق.

۶.ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، حسین اعلمی، آل علی، قم، ۱۳۸۲ش.

۷.ابن شهرآشوب مازندرانی، المناقب آل ابی طالب، ذو القربی، قم، ۱۳۸۵ ش.

۸.ابن طاووس، السید علی، اللهوف، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲ش.

۹.ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، اول، دارالاحیاءالتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۱۰.ابی فراس، ورّام، مجموعه ورّام، بی جا، بی نا، بی تا.

۱۱.احسایی، شیخ احمد، جوامع الکلم (رساله دمشقیه)، اول، دارالمحجه، بیروت، ۱۴۲۵ق.

۱۲.استر آبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۶ش.

ص:۲۵۲

۱۳.اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، بنیادفرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۸ش.

۱۴.اسلامی ندوشن، محمد علی، فرهنگ وشبه فرهنگ، سوم، یزدان، تهران، ۱۳۷۱ش.

۱۵. الیور لیمن، تاریخ فلسفه اسلامی، حسین نصر، حکمت، تهران، ۱۳۸۳ش.

۱۶.بریجانیان، ماری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه وعلوم اجتماعی، بهاءالدین خرمشاهی، دوم، پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ش.

۱۷.پورسیدآقایی، مسعود، تاریخ عصر غیبت، دوم، حضور، بی جا، ۱۳۸۳ش.

۱۸.تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱ش.

۱۹.تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

۲۰.جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تبلیغ (۱۰)، ویژه نامه رمضان المبارک ۱۴۲۹ش.

۲۱.جرج ریتزر، نظریه های جامعه شناسی دردوران معاصر، حیدرفتح زاده قریب، اول، حقوق اسلامی، قم، ۱۳۸۳ش.

۲۲.جعفری، محمدصابر، مهدی ستیزان، اول، الهادی، قم، ۱۳۸۴ ش.

۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، یوسف مرعشی، دارالمعرفهٔ، بیروت، ۱۴۰۶ ق.

۲۴.حجاریان، سعید، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰ش.

۲۵.حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشّیعه، موسسه آل البیت:، قم، ۱۳۷۸ش.

۲۶.حسینی شیرازی، صادق، شمیم رحمت، امام عصر، قم، ۱۳۸۴ش.

۲۷.راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۹۲ق.

۲۸.رجب زاده، زهرا، گذری برآسیب شناسی جامعه اسلامی، اول، معارف، قم، ۱۳۸۱ش.

ص:۲۵۳

۲۹.رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸ش.

۳۰.سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۰ش.

۳۱.سید بن طاووس، جمال الأسبوع، آفاق، تهران، ۱۳۷۱ش.

۳۲.سید رضی، نهج البلاغه، محمد دشتی، نشر امام علی علیه السلام ، قم، ۱۳۷۰ش.

۳۳.شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، چاپ سیزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ش.

۳۴.شیخ الاسلامی، حسن، غرر الحکم و درر الکلم، انصاریان، قم، ۱۳۷۴ش.

۳۵.شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، مکتوب، قم، ۱۳۷۵ش.

۳۶.صافی گلپایگانی، لطف الله، جمال منتظر، ترجمه منتخب الاثر، نثار احمد زین پوری، مؤسسه الامام المنتظر، قم، ۱۳۸۳ش.

۳۷.صافی، لطف الله، منتخب الاثر، دوم، مکتبه الصدر، تهران، بی تا.

۳۸.صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۰ق.

۳۹.صدرحاج سیدجوادی، احمد، دائره المعارف تشیع، شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱ش.

۴۰.صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۲ش.

۴۱.صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۹ق.

۴۲.طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ش.

۴۳.طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۵ش.

۴۴.طبسی، محمدرضا، الشیعه والرجعه، محمدمیرشاه ولد، حکمت، قم، ۱۳۸۰ش.

۴۵.طبسی، نجم الدین، نشانه هایی ازدولت موعود، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.

۴۶.طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.

۴۷.طوسی، محمد، الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.

۴۸.طوسی، محمد، مصباح المتهجد، موسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۴۹.کشف المراد، تجریه الاعتقاد، اسلامیه، تهران، بی تا.

۵۰.عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، ششم، نی، تهران، ۱۳۷۹ش.

۵۱.عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.

۵۲. حایری قزوینی، مهدی سیمای حضرت مهدی در قرآن، سوم، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ش.

۵۳.علویان، مرتضی، روحانیت وجامعه پذیری سیاسی، اول، مؤسسهآموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳ش.

۵۴.فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دارالهجره، قم، ۱۳۷۶ش.

۵۵.فرمهینی فراهانی، محسن و ابوالقاسمی، محمد جواد، آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، منهاج، تهران، ۱۳۸۲ش.

۵۶.قمی، عباس، مفاتیح الجنان، الهی قمشه ای، اول، مرکز نشرفرهنگی رجاء، ۱۳۶۹ش.

۵۷.قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، مکتبه الهدی، نجف، ۱۳۸۷ق.

۵۸.کراجکی، کنزالفوائد، عبدالله نعمه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.

۵۹.کارل پوپر، جامعه باز و دشمنان آن، عزت الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۸۴ش.

۶۰.کاظمی، سیدعلی اصغر، بحران نوگرایی وفرهنگ سیاسی-درایران معاصر، قومس، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۶۱.کاظمینی، میرزامحمد، فرهنگ سازی در دنیای امروز، بنیاد فرهنگی ریحانه الرسول، قم، ۱۳۸۱ ش.

۶۲.کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمین، دارالکتاب، بیروت، ۱۳۷۸ق.

۶۳.کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی جا، ۱۴۱۱ق.

ص:۲۵۵

۶۴.کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۸۲ق.

۶۵.کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ش.

۶۶.گلشن فومنی، محمدرسول، جامعه شناسی سازمان ها و توان-زمانی، دوران، تهران، ۱۳۸۲ش.

۶۷.گوستاو یونگ، کارل، روح وزندگی، اول، نیل، ۱۳۷۹ش.

۶۸.گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، منوچهر صبوری، نشرنی، تهران، ۱۳۷۳ش.

۶۹.گی روشه، کنش اجتماعی، زنجانی زاده، هما، دانشگاه فردوسی، مشهد، بی تا.

۷۰.مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۹ق.

۷۱.مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، دوم، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.

۷۲.مصباح یزدی، محمدتقی، آفتاب ولایت، مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام-خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۲ش.

۷۳.مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۴ش.

۷۴.مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب از دیدگاه فلسفه تاریخ، صدرا، تهران، ۱۳۸۳ش.

۷۵.مطهری، مرتضی، انسان وسرنوشت، صدرا، تهران، ۱۳۸۲ش.

۷۶.موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ش.

۷۷.ناظم زاده قمی، سید علی اصغر، جلوه های حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.

۷۸.نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۸۲ش.

۷۹.نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.

ص:۲۵۶

۸۰.نوری، حسین، مستدرک الوسائل، اول، آل البیت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۸۱.نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.

۸۲.نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، توتیا، تهران، ۱۳۸۳ش.

۸۳.نیم کوف واگ برن، زمینه جامعه شناسی، ترجمه آریان پور، شرکت حبیبی، تهران، ۱۳۵۳ش.

مقالات و پایان نامه ها

۸۴.معین الاسلام، مریم، فصلنامه انتظار موعود، (مقاله«چشم اندازی بر برخی از آسیب های تربیتی مهدویت»، مرکزتخصصی مهدویت، سال چهارم، شمارهدوازدهم، ۱۳۸۳ش.

۸۵.کورانی، علی، فصلنامه انتظارموعود، (مصاحبه)، مرکزتخصصی مهدویت، سال اول، شمارهدوم، ۱۳۸۰ش.

۸۶.سند، محمد، فصلنامه انتظارموعود، (مصاحبه)، مرکزتخصصی مهدویت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۱ش.

مجلات، نرم افزارها و سایت ها

۸۷.«دانش نامه ویکی پدیا فارسی»، سایت ویکی پدیا، جیمی ولز، ۲۰۰۱م.

۸۸.صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران، ویژه نامهکژراهه (تأملی درعرفانهای دروغین)، جام جم،، اسفند۱۳۸۶.

۸۹.نشریه کتاب نقد، دی ماه ۱۳۷۶ش.

ص:۲۵۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹